

دیدهگاه کارشناسی

Didgah
Karshenas



کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان فارس

فصلنامه خبری، تحلیلی، آموزشی، پژوهشی، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹



آیا می دانید...؟

حتما می دانید قانون وظیفه کارشناسی رسمی دادگستری را به عهده کارشناسان رسمی عضو کانونهای کارشناسان رسمی دادگستری گذاشته است.

آیا می دانید کارشناسان رسمی دارای ۸۱ سال سابقه می باشند؟

آیا می دانید که سالهای ۷۴ و ۷۶ تعداد کارشناسان رسمی حدود ۷۰۰ نفر و منحصر به کانونهای ۴ استان شامل استانهای تهران، فارس، اصفهان و آذربایجان شرقی بود و اکنون شامل ۳۱ استان با ۵۰،۰۰۰ نفر عضو (کانون و مرکز مشاوران) می باشد؟

آیا می دانید که کانونهای کارشناسان رسمی دادگستری بزرگترین جامعه متخصصین کشور با قریب ۱۱۰۰ تخصص مختلف است؟

آیا می دانید که کارشناسان رسمی دادگستری عضو ۳۱ کانونهای کشور با ۱۱۰۰ تخصص مختلف حسب مقررات و نیاز مراجع قضایی در ۷۱ رشته جامع مختلف مجوز صلاحیت مصوب کارشناسی دادگستری را دارا می باشند و بر این اساس حق قبول و اظهارنظر در تخصصهای دیگری که دانش و مدرک معتبر آن را نیز دارا می باشند ولی هنوز صلاحیت مصوب و قانونی کارشناسی آن را کسب نکرده اند، ندارند و تخلف محسوب می شود؟



فهرست

- سخن آغازین (محمدحسین دادخواه) ۲
- چهل و تزویر (سیداصغر حقانی) ۳
- بررسی و مقایسه روابط تجربی متداول در تعیین حق کسب و پیشه و تجارت و ... (علیرضا رودکی) ۶
- خودروی متعارف در قانون جدید بیمه (نعمت‌اله اعتمادی) ۱۲
- تعمیرات املاک استیجاری از منظر کارشناسی (محمدرضا ممتازیان) ۱۳
- تأثیر دی‌اکسیدکربن در محصولات گلخانه‌ای (امید ابراهیم‌پور) ۱۶
- شرایط عمومی پیمان در وضعیت انجام نامناسب تعهدات از سوی کارفرما در پروژه‌های عمرانی (هومن دامن‌گیر) ۲۰
- قضازدایی (عبداله محمدی) ۲۲
- دریغ (احمدعلی فرهام) ۲۷
- مشکل جهانی کم‌شماری کشتگان و مجروحان در حوادث رانندگی و راهکار آن (محمودآبادی، دنیا نادر) ۲۸
- تکالیف عمومی کارمندان دستگاه‌های اجرایی (محمدحسین سرایداران) ۳۲
- آثار اضطراب در سلامت روان جامعه (رحمت اله ستوده) ۳۵
- نحوه استفاده از ماسک‌های تنفسی برای پیشگیری از ابتلا به بیماری کرونا (نگار عقیلی، صالح نصیری) ۳۶
- توصیه پزشکی (مصطفی قائمی نیا) ۴۱
- میراث جهانی با هدف توسعه پایدار (علیرضا عسکری چاوردی) ۴۲

نشریه «دیدگاه کارشناس» در ویرایش و خلاصه نمودن مطالب ارسالی آزاد بوده و نظرات عزیزان در بیان برخی مطالب لزوماً به معنای دیدگاه نشریه نمی‌باشد و صحت و سقم مطالب درج شده به عهده نویسندگان محترم است.

صاحب امتیاز: کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان فارس

مدیر مسئول: مهندس محمدحسین دادخواه

شورای سیاست گذاری: دکترسید محسن مرشدی - مهندس سید امیر پیروز مرعشی

مهندس احمدرضا کشتکاران

مدیراجرایی و روابط عمومی: زهرا بازیار

شورای نویسندگان: مهندس علیرضا صدیقی، مهندس غلامحسین هوشمند سروستانی،

سرهنگ نعمت اله اعتمادی، مهندس احمدعلی فرهام، دکتر فرزاد رئیس زاده

مهندس ناصرابونصر شیرازی

ویراستار: فاطمه حیدری، سارا وطن زاده

طراحی و صفحه آرایی: سید داوود طباطبایی

لینوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ دنیا

۱۲۴ داخلی ۷-۳۶۲۹۱۵۳۶

www.kkrdf.ir

kkrdfars@gmail.com



آدرس: فارس، شیراز، خیابان قصر دشت، آسباب قوامی جنب انتقال خون
کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان فارس



محمدحسین دادخواه
رئیس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان فارس
مدیرمسئول فصلنامه دیدگاه کارشناس

سخن کارشناسان

بهمنظور تأمین نیاز دستگاه قضایی استان، تعداد کارشناسان در اکثر رشته‌های کارشناسی در استان فارس افزایش یافته است؛ اما پافشاری برخی قضات محترم محاکم قضایی بر ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، مبنی بر اینکه قاضی به قید استقرار کارشناس موقت را انتخاب کند، منجر به این شده است که از تمام ظرفیت‌های موجود کارشناسان استفاده نشود؛ از این رو، در پرونده‌های قضایی که ارجاع امر کارشناسی به صورت مستقیم از سوی محاکم انجام می‌گیرد، فقط تعداد محدودی از کارشناسان به کار گرفته می‌شوند.

این روند باعث شده است از تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کارشناسان استان استفاده نگردد و آفت‌هایی را به شرح زیر به دنبال داشته باشد: ۱. روند تهیه و ارسال گزارش کارشناسی به دلیل مشغله زیاد کارشناسان انتخابی طولانی می‌شود؛ ۲. صلابت و استحکام نظریه منتج شده کاهش می‌یابد؛ ۳. انگیزه سایر کارشناسان کاهش می‌یابد و ظرفیت‌های کارشناسی تأمین شده در استان بی‌استفاده می‌ماند؛ به گونه‌ای که در برخی رشته‌های کارشناسی، این توزیع نامتوازن کارهای کارشناسی باعث شده است درآمد سالیانه بعضی از کارشناسان حتی برای انجام مراحل تمدید پروانه کارشناسی، یعنی پرداخت حق عضویت و هزینه ابطال تمبر دادگستری کافی نباشد و این دسته از کارشناسان حتی دیگر پیگیر تمدید پروانه خود نباشند.

در کنار این موضوع، اداره‌های دولتی، بانک‌ها و برخی دستگاه‌های اجرایی نیز با جذب و گاهی با انعقاد قرارداد با تعداد اندکی از کارشناسان، تمام کارهای کارشناسی خود را فقط به این افراد ارجاع می‌دهند. این کار علاوه بر تشدید مسئله توزیع ناعادلانه کار، اصل بی‌طرفی در انجام کارشناسی را نیز خدشه‌دار کرده است.

در چهار سال گذشته، هیئت‌مدیره کانون فارس، با پی‌بردن به این آفت‌ها و آسیب‌های کارشناسی، اقدام به راه‌اندازی سیستم اتوماسیون بر اساس صلاحیت‌های مکانی کرده است تا کارها بر اساس عدالتی نسبی به کارشناسان رشته‌های مختلف ارجاع گردد. در این سیستم، تعداد مجاز پرونده‌های حل‌نشده (باز) چهار پرونده در نظر گرفته شده است و با ارسال پیامک در فواصل زمانی مشخص، پیگیری پرونده به کارشناسان یادآوری می‌گردد و به این شیوه از اطاله دادرسی جلوگیری می‌شود. همچنین، از اعمال سلیاق شخصی در ارجاع کار جلوگیری می‌شود. این شیوه باعث گردیده است بیشتر کارشناسان عضو از نحوه ارجاع کار راضی باشند و همچنین موقعیتی فراهم شده تا در راستای اعمال ماده ۴۸ آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان، هیئت‌مدیره بر نحوه عرضه خدمات کارشناسی توسط اعضا نظارت داشته باشد. (موضوع ماده ۴ قانون کانون کارشناسان و ماده ۴۸ آیین‌نامه)

در طول دوره چهارساله هیئت‌مدیره فعلی کانون، جلسه‌های مشترکی با مسئولان دستگاه قضایی، مدیران دستگاه‌های اجرایی و نظارتی استان برگزار گردیده و در این جلسه‌ها، دستاوردهای حاصل از اجرایی شدن این سیستم در کانون استان و نیز رضایتمندی اعضا به مسئولین محترم تشریح گردیده است. مدیران استان هم از این نتایج استقبال کردند؛ به گونه‌ای که با حمایت بی‌دریغ این عزیزان، در طول یک‌سال و نیم گذشته، بخش‌نامه‌ها و ابلاغیه‌های متعددی صادر گردیده است و به این باور رسیده‌اند که با ارجاع کارهای کارشناسی از مجرای کانون، بتوان از تمام توانمندی‌ها و ظرفیت کانون استان استفاده گردد. (نک: بخش‌نامه شماره ۱۸۴۶/۵، به تاریخ ۹۸/۰۶/۲۰، رئیس کل محترم دادگستری به شوراها و حلی‌اختلاف؛ بخش‌نامه شماره ۹۰۱۹/۴۰۳۰/۵، به تاریخ ۹۸/۰۶/۲۶، رئیس کل محترم دادگستری به دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها؛ نامه شماره ۵۶/۴۱/۲۰۹۱۸/۹۶، به تاریخ ۹۶/۰۶/۲۷؛ نامه شماره ص ۵۶/۷۸/۴۹۳۸/۹۸، به تاریخ ۹۸/۱۲/۱۳، استاندار محترم فارس به ارگان‌ها و نامه شماره ۲۳۴۸۳۳، به تاریخ ۹۵/۱۱/۰۹، مدیرکل محترم سازمان بازرسی منطقه ۳ کشور)

اعضای هیئت‌مدیره کانون می‌کوشند همگام با رسالتی که کارشناسان محترم استان به‌عنوان نماینده به آنان محول کرده‌اند، برای بهبود کیفیت خدمات کارشناسی و اعتلای جایگاه کارشناسی برنامه‌ریزی کرده و گام‌های مؤثری را در این خصوص بردارند.

به امید فردای بهتر



جعل و تزویر

سید اصغر حقانی

کارشناس رسمی دادگستری در رشته تشخیص اصالت خط و امضا

سندها از دو روش استفاده می‌کنند: ۱. خط و امضای استکتابی؛ ۲. خط و امضای متعارف و مسلم‌الصدور.

بایدونبایدهای گرفتن دستخط و نمونه‌امضا

برای گرفتن دستخط (استکتاب) و نمونه‌امضا از هر فرد توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. باید احراز هویت کنیم؛ یعنی یقین حاصل کنیم کسی خود را جای دیگری معرفی نکرده است؛

۲. وسایل تحریرمان باید شبیه به هم باشد؛ یعنی نوع کاغذ و قلم و جوهر و نیز حالت تحریر باید با سند کارشناسی شونده مانند باشد؛

۳. در حالت‌های مختلف از فرد دستخط و نمونه‌امضا بگیریم؛ برای مثال در حالت‌های نشسته پشت میز، ایستاده پشت میز، روی زانو و روی دست و حتی خوابیده روی زمین؛

۴. سند را به فرد دیکته کنیم؛ به‌گونه‌ای آن را بنیند؛

۵. اگر در متنی کلمات رکیک و مستهجن یا امنیتی بود، هنگام املاکردن، به‌جای آن الفاظ کلمات مشابه به‌کار ببریم؛

۶. به روش ساختاری کلمات و امضا توجه کنیم. مسیر حرکت قلم را در نظر بگیریم. چنانچه امضا را یک‌ضرب زده‌اند و چند پاره‌خط دارد، لازم است به آن دقت کنیم. در صورت لزوم باید علامت‌گذاری کنیم و تقدم و تأخر آن را در نظر بگیریم؛

۷. باید وضعیت روحی فرد را در نظر بگیریم. نباید با بیان موضوعات خارج از بحث هیجان‌زده‌اش کنیم. بهتر است در صورت لزوم اجازه بدهیم کمی استراحت کند. همچنین، پیش از اینکه به او بگوییم می‌خواهیم از وی دستخط و نمونه امضا بگیریم، بخواهیم درباره نام‌ونشان، وضعیت زندگی، نشانی محل سکونتش و نیز شکایت مطرح‌شده چند خطی بنویسد؛

۸. در نظر بگیریم که فرد ممکن است خسته شود؛ پس بین هر نوبت دستخط‌گرفتن فاصله بیندازیم. بگذاریم استراحتی کوتاه بکند. نخستین برگ دست‌نوشته را از

واژه جعل در معنای حقوقی‌اش یعنی «دست‌بردن و ایجاد تغییر در سندهای رسمی به‌قصد تقلب» (انوری و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۱۴۵) و «ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگر برخلاف حقیقت یا ساختن مهر و امضای اشخاص و مانند آن» (معین، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۲۳۱).

تزویر به‌معنای «خدعه؛ نیرنگ؛ چیزی را خلاف واقعیت نشان‌دادن؛ به‌دروغ چیزی را بهتر از آنچه هست، معرفی کردن» است (انوری و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۷۲۵).

بیشتر رویدادهای مجرمانه مانند تصادف، ضرب‌وشتم و حتی قتل ممکن است اتفاقی باشد؛ ولی جعل با آگاهی و انگیزه قبلی توأم است؛ در واقع جعل‌کننده با داشتن وقت کافی و با بهره‌گیری از تخصص و تجهیزات، مخفیانه، اما بدون ترس و هراس جعل یا سندسازی می‌کند.

به‌طور معمول، افرادی که جعل یا سندسازی می‌کنند، باهوش‌اند. استعداد ویژه‌ای دارند. خواص مواد مختلف را می‌دانند. آن‌ها به توانایی و هنر ذاتی‌شان تکیه می‌کنند. همچنین، فناوری و علوم پیشرفته را به‌کار می‌گیرند و کلاهبرداری می‌کنند.

کارشناسان این رشته برای بررسی مدارک مشکوک و تشخیص اصیل یا جعلی‌بودن آن و کشف حقیقت از سه روش استفاده می‌کنند:

۱. روش مقایسه‌ای (Comparative Method)

۲. روش فیزیکی (Physical Method)

۳. روش شیمیایی (Chemical Method)

تشخیص خط به کمک مقایسه دست‌نویس و امضا

تجربه ثابت کرده است که هر فرد در نوشتن عادت‌های منحصربه‌فردی دارد. این عادت‌ها در شیوه نوشتن حروف و اعداد و کلمات، نقطه‌گذاری، سرکش‌گذاشتن، مکث‌ها و پرتاب‌های قلمی، کشش خطوط و میزان قدرت دست و فشارهای موضعی تأثیرگذار است.

برای تشخیص امضا و منتسب‌کردن یا منتسب نکردن نوشته‌ای به فردی و همچنین اصیل‌بودن یا غیرواقعی‌بودن



دیدش دور کنیم. پس از آن، دستخط گرفتن را ادامه دهیم؛

۹. به غلط‌های املائی توجه کنیم. البته لازم نیست برای تصحیح آن فرد را راهنمایی کنیم؛ بلکه با به‌کاربردن کلمات هم‌نویسه که نگارش مشابهی دارند؛ ولی مفاهیمشان مختلف است، از تکرار غلط پیشگیری کنیم؛

۱۰. در نظر بگیریم که فرد چند بار و چه تعداد ورق باید بنویسد. برای اسناد طولانی یک تا سه مرتبه نوشتن کافی است؛ ولی در اسنادی که متنشان کوتاه است و همچنین امضاها، بهتر است فرد آن را در حدود ۲۰ بار، آن‌هم با حالت‌های مختلف روی زانو و پشت میز و ایستاده و... بنویسد.

خط و امضاهای متعارف و مسلم‌الصدور

ممکن است فرد به‌عمد خط و امضای خود را تغییر دهد؛ از این‌رو باید دست‌نوشته‌ها و امضاهای متعارف و مسلم‌الصدور او را در نظر بگیریم. مدارکی مانند چک‌وسفته، نامه‌های شخصی و نوشته‌های روزانه، اسناد رسمی و عادی و دیگر اوراق باید اساس تطبیق و بررسی باشد. در این زمینه باید به نکات زیر توجه کنیم:

۱. یقین حاصل کنیم که خط و امضای مدارک اساس تطبیق متعلق به خود شخص است؛

۲. خط و امضا با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ بنابراین لازم است مدارکی را اساس تطبیق قرار دهیم و با مستند دعوی مقایسه کنیم که باهم تقارن زمانی نسبی داشته باشند؛

۳. هرچه تعداد مدارک اساس تطبیق بیشتر باشد، بهتر است؛ چون تغییر تدریجی خطوط و امضا را نشان می‌دهد و بررسی را تسهیل می‌کند؛

۴. اگر در مستند دعوی از وسایل تحریر، یعنی قلم و کاغذ استفاده کنیم که با قلم و کاغذ مدارک اساس تطبیق شبیه یا یکسان باشد، تشخیص آسان‌تر می‌شود. همچنین، بهتر است در مستند دعوی کلماتی مشابه کلمات مدارک اساس تطبیق به‌کار رود.

ملاحظات

الف. اگر قرار است سندی را کارشناسی کنند، باید از سنجاق‌زدن به سند، علامت‌گذاشتن در آن، تا‌کردن و دست‌مالی کردنش خودداری کنند؛

ب. به‌کارگرفتن روش استکتایی درباره شخص متوفی امکان‌پذیر نیست؛ لذا باید از مدارک اساس تطبیق استفاده کنند

تا در ارتباط با اصالت آن‌ها شکی وجود نداشته باشد؛

ج. در فتوکپی ممکن است خط و امضا جابه‌جا شود. امحا یا الحاق پیش بیاید. همچنین، بعضی از ویژگی‌های تحریری مانند قدرت دست و فشارهای موضعی قلم، ناپیوستگی یا یک‌ضرب‌بودن خطوط آرایشی امضا، تقدم و تأخر پاره‌خط‌های تشکیل‌دهنده امضا و نوع کاغذ و جوهر در فتوکپی نامشخص است؛ از این‌رو این مدرک از نظر کارشناسان معتبر نیست و برای بررسی‌اش باید از مقام قضایی مجوز بگیرند؛

د. خط و امضای هر فرد پس از شکل‌گیری، سیری تکاملی طی می‌کند. در میان‌سالی بدون تغییر می‌ماند و در کهن‌سالی رو به زوال می‌رود. این زوال درنهایت به بی‌انسجامی خط و لرزش دست می‌انجامد. وضعیت روحی و بیماری‌هایی چون پارکینسون و آلزایمر در خط و امضا تأثیر می‌گذارد. چنانچه فردی را تهدید کنند یا تحت فشار جانبی قرار دهند، خط و امضای وی وضعیت طبیعی نخواهد داشت؛ برای مثال با بزرگ‌نویسی، ریزنویسی و پرتاب‌های اضافی قلم و کج‌نویسی همراه است. کارشناسان باید به این موضوع‌ها توجه کنند؛

ه. از مطالب نوشته‌شده بر روی درودیوار باید عکس بگیرند تا آن را با خط استکتایی و متعارف شخص مضمون مقایسه کنند. همچنین، بهتر است در موقع استکتاب موقعیت و وسایل تحریر مشابه برای فرد فراهم کنند؛ و. برخی اسناد را با پلاستیک پرس کرده‌اند. در این مواقع می‌توان از وسایلی چون تیغ و پنس (منقاش) و حرارت سشوار استفاده کرد. باید با تلاش و مهارت کافی و صرف وقت پوشش آن را برداشت. سند نباید خراب شود. تا آنجا که ممکن است باید کاغذ و نوشته را بررسی کرد.

الحاق در متن سند

«الحاق» به‌معنای آن است که پس از تنظیم سندی، به آن اعداد و حروف و کلمات یا سطور دیگری اضافه کرده باشند. ویژگی‌های زیر همگی نشان‌دهنده الحاقی‌بودن سند است و برای بررسی این نوع اسناد باید آن‌ها را در نظر گرفت:

۱. دستخط‌ها مختلف است؛
۲. نوع جوهر و همچنین قلم‌های به‌کاررفته متفاوت است؛
۳. فشار قلم در قسمت‌های مشکوک به الحاق، در مقایسه با قسمت‌های دیگر سند کم‌وزیاد شده است؛
۴. نوشته‌ها به‌ویژه در سطور آخر به‌شکل غیرمتعارفی



این زمان هم باتوجه به نوع و جنس کاغذ تقریبی است. وقتی کاغذها می‌پوسند، نرم و انعطاف پذیرتر می‌شوند. چنانچه نوشته‌هایی از گذشته را زیر میکروسکوپ بررسی کنند، می‌بینند که بر روی خطوط و در جای جای آن، نقطه‌ها یا لکه‌های کوچک سفیدی مشهود است؛ در واقع پوسیدگی باعث شده است الیاف کاغذ روی سطح مرکب نمایان شود.

۲. در گذشته مرکب را از هند و چین وارد ایران می‌کردند. این مرکب‌ها تکه‌های خشک کوچکی بود که در گونی جا داده بودند. چون در ترکیبات آن آهن به کار برده بودند، با مرکب‌هایی که از شصت هفتاد سال پیش در کشور استفاده کرده‌اند، فرق می‌کند. مرکب‌های قدیمی را با بررسی‌های شیمیایی و نیز با توجه به رنگ آن می‌توان تشخیص داد؛ زیرا مواد آهنی باعث شده است مرکب نوشته‌ها تقریباً مسی‌رنگ شود.

۳. نوع کاغذ و خط و شیوه‌نوشت و روش انشای متن سند نیز در هر برهه از زمان متفاوت بوده است. در گذشته کاتبان محلی عهده‌دار تنظیم اسناد بوده‌اند و در بالای سند، ضمن نگارش نام و کنیه، مهر خود را نیز می‌زدند. در برخی مناطق مانند لارستان و استان بوشهر دیده‌اند که در اسناد، اثر انگشت یا امضا و نیز مهر خریدار و فروشنده نیست؛ چون مهر و خط نویسنده به آن اعتبار و سندیت بخشیده است و شهود نیز آن را تأیید کرده‌اند.

۴. متأسفانه امروزه با بهره‌جویی از روش‌های فیزیکی مانند استفاده از ابزارهای پیشرفته، مواد باکیفیت، قلم‌های شگفت‌انگیز و خودکارهایی جادویی یا با مواد شیمیایی قوی و پاک‌کننده‌ها سندها را تغییر می‌دهند. سعی می‌کنند آن‌ها را قدیمی جلوه دهند یا حتی سندسازی کنند؛ از این رو کارشناسان باید اطلاعاتی همه‌جانبه درباره تأثیر حرارت و تابش آفتاب در سند، چگونگی تأثیر شوینده‌ها در کاغذ و خطوط و نیز انواع قلم‌ها و به‌کارگیری آن‌ها در دوره‌های مختلف کسب کنند تا بتوانند واقعیت‌ها را منعکس کنند.

منابع

۱. انوری، حسن و دیگران، ۱۳۸۲، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، چ ۲، تهران: سخن.
۲. معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، ج ۶، چ ۸، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر

فشرده است و خطوطش شیب‌دار است. این شیب و تراکم برای تلاقی نکردن با امضا و دوزدن نوشته است؛

۵. آثار پاک‌شدگی فیزیکی یا شیمیایی در متن سند آشکار است؛

۶. متن سند به علت تاخوردگی در محل‌های مهم اختلاف برانگیز است.

امحا در متن سند

گاهی با استفاده از مواد شیمیایی و گاهی هم به صورت فیزیکی، یعنی با تراشیدن یا به‌کاربردن مداد پاک‌کن و مانند آن، اعداد و حروف و کلمات سندی را پاک می‌کنند و اعداد و حروف و کلمات دیگری جایگزین می‌کنند. به این کار «امحا» می‌گویند.

برای تشخیص تراشیده شدن سند آن را زیر نور یا دستگاه‌های بزرگ‌نما مانند ذره‌بین و میکروسکوپ می‌گذارند. برای تشخیص امحای شیمیایی نیز به بررسی‌های فیزیکی و شیمیایی نیاز است.

تعیین قدمت سند

برای تعیین قدمت اسناد به اطلاعات گسترده‌ای نیاز است. کارشناس باید درباره انواع کاغذها و جوهرها و مهرها، از زمان گذشته تاکنون آگاهی داشته باشد. وسایل تحریری گذشته را بشناسد. با روش کتابت اسناد و عرف محلی آشنا باشد. زمان استفاده از اثر انگشت در کشور و اطلاعاتی مانند این‌ها را بداند. فراگیری این مهارت با مطالعه و تجربیات روزافزون دست‌یافتنی است.

عوامل متعددی چون جنس کاغذ، نوع جوهر و ترکیبات شیمیایی آن، میزان نور و رطوبت و حرارت محیط در نگهداری اسناد تأثیرگذار است؛ از این رو ضابطه مشخصی برای تعیین قدمت نوشته‌ها وجود ندارد. باتوجه به تغییر رنگ جوهر و کاغذ سند و با اطلاع از پیشینه انواع کاغذها و جوهرهای به کاررفته و همچنین بررسی وضعیت نوشتاری اسناد فقط می‌توان قدمت نوشته‌ها را به نحو تقریبی مشخص کرد؛ همانند کارشناسی که باتوجه به سبک احداث بنا، نوع مصالح به‌کاررفته در ساختمان و میزان فرسودگی آن می‌تواند عمر بنا را حدوداً تعیین کند.

برای تعیین قدمت سند، دانستن توضیحات زیر نیز لازم است:

۱. کاغذها بعد از گذشت ۵۰ تا ۶۰ سال، به تدریج می‌پوسند. البته

بررسی و مقایسه روابط تجربی متداول در تعیین حق کسب و پیشه و تجارت و نقش عوامل مؤثر در این روابط

دکتر علیرضا رودکی
کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه‌وساختمان

مقدمه

پدیده حق کسب و پیشه و تجارت از جمله حقوق معلقی است نوظهور که بر اساس مناسبات تجاری و در بستر عرف رایج تجارت رشدونمو یافته و بر اساس ضرورت، جامعه قانون بر تن نموده است.

این حق در قانون مالک و مستأجر مصوب سال ۱۳۳۹ پیدایش یافته. با قانون سال ۱۳۵۶ کمال یافته و بر اساس قانون سال ۱۳۷۶ به حاشیه رانده می‌شود.

در خصوص موارد اختلاف حق کسب و پیشه و تجارت یا حق سرقفلی و وجوه تمایز قانونی بین این دو حق، ادله فراوانی آورده شده است و تألیفات زیادی در این ارتباط به‌رشته تحریر درآمده؛ اما ریشه مشترک اقتصادی و تجاری این دو مبحث، به‌خصوص ریشه مشترک آن در قانون مالک و مستأجر سال ۱۳۳۹ باعث شده که برخی حقوق‌دانان بنام و همچنین تعداد زیادی از محاکم قضایی، حقوق مکتسبه تجاری (امتياز تجاری) و مجموع این دو حق را حق کسب و پیشه بنامند. توجه همکاران محترم علاقه‌مند به اطلاع بیشتر از وجوه افتراق و اشتراک این دو حق را به مطالعه متون حقوقی، به‌ویژه کتاب وزین سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلام تألیف استاد فرزانه، زنده‌یاد بهمن کشاورز جلب می‌نماید.

دامنه و گستردگی و اختلاف نظر در برداشت‌های کارشناسان باعث شده روش‌های مختلف و بعضاً متضاد در تعیین میزان حق کسب و پیشه متداول گردد.

استاد پیشکسوت، مهندس شاهرخ ابراهیمی قاجار در صفحه ۳۵۳ کتاب همراه کارشناس به‌طور تلویحی و به‌استناد قانون مالک و مستأجر سال ۱۳۳۹، تشخیص و تعیین حق کسب و پیشه را توأمان در صلاحیت کارشناسان رسمی دادگستری می‌دانند. به‌دلیل پیچیدگی این موضوع و مسئولیت دوچندان کارشناسان در این خصوص، بررسی روابط و عوامل اقتصادی مؤثر در ایجاد این حق توسط کارشناسان ضروری است. هدف از نگارش این مقاله در بدو امر تبیین عوامل مؤثر در ایجاد این حق و همچنین، بررسی روابط تجربی معمول در این ارتباط و میزان تأثیرگذاری این عوامل بر فرمول‌های رایج و همچنین نقد مقایسه‌ای این روابط است. شاید تبیین و تشریح این موضوع کمکی هرچند

ناچیز در وحدت رویه نظریات کارشناسی در این باب باشد.

این مقاله برداشت نگارنده از موضوع پیچیده و گسترده حق کسب و پیشه می‌باشد و به‌معنای نفی یا اثبات نظریات اعلامی و روابط تجربی پیشنهادی نیست.

بیان موضوع

در موضوع حق کسب و پیشه، بررسی دو عامل مطرحه زیر ضروری است:

۱. عوامل مرتبط با ذات حق کسب و پیشه: این عوامل با قوانین و روابط بین‌موجر و مستأجر ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد؛

۲. عوامل اقتصادی در تعیین حق کسب و پیشه و تجارت.

اینکه این عوامل کدام‌اند و اینکه این حق چگونه به‌وجود می‌آید، تاریخچه قانونمندی آن چیست و این موضوع در روابط بین‌الملل چگونه مورد توجه قرار گرفته است و همچنین نقش موقعیت جغرافیایی شهرسازی در تدوین این حق کجاست، موضوعات مطرح بررسی شده در این مقاله است.

در ابتدا باید گفت که حق امری اعتباری است که نظام قانونگذار آن را پذیرفته و از جانب دولت مورد حمایت قرار گرفته است. حق کسب و پیشه در حقیقت دربرگیرنده تمامی حقوق کسبی مستأجر یا کاسب در محل مورد اجاره می‌باشد. آنچه در عمل باعث ایجاد حق کسب و پیشه می‌شود، تلاش مستأجر در مدیریت موفق کسب، حسن شهرت، میزان درآمد و مقایسه آن با میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز است. علاوه بر این، رونق شغلی به‌مرور زمان ایجاد می‌شود و لذا مدت اشتغال به‌کار نیز از عوامل مهم اقتصادی مؤثر در تعیین حق کسب و پیشه است. عواملی مانند نوع کسب، میزان فعالیت مستأجر در جلب مشتری، امکانات و تجهیزات مؤثر در ارائه خدمات نیز از عوامل دیگر تأثیرگذارند.

آیین‌نامه تثبیت قیمت‌ها، موضوع قانون اختیارات دکتر میلیسو، مورخ ۱۳۲۲/۰۲/۱۳

* پایان معماری سنتی ایران در دوره پهلوی اول و رشد معماری مدرن و ایجاد تغییرات اساسی در شهرسازی و تهیه نخستین طرح‌های آمایش سرزمین، لزوم تغییرات در بناهای قدیمی تجاری و نوسازی این بناها را اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. این تغییرات که از دهه اول سده اخیر آغاز شده بود، باعث



مانند پسران و برادران باعث وجود شبهه شرعی و زوال قانون حق کسب و پیشه و تجارت گردیده است.

جهت اطلاع از حقوق قانونی مرتبط با این موضوع در کشورهای غربی، توصیه می‌شود کتاب سرقفلی و حق کسب و پیشه در حقوق ایران و انگلستان تألیف زهرا مؤمنی و سیدامین خرام را مطالعه فرمایید.

تعیین جریمه بر اساس سنوات پرداخت اجاره‌بهای سالیانه که مستفاد از قانون اختیارات دکتر میلسپو است، بعدها یکی از روش‌های محاسبه حق کسب و پیشه شد.

روش‌های تجربی و متداول در محاسبه حق کسب و پیشه روش مهندس کریمیان

در کتاب دستیار کارشناس تألیف کارشناسان محترم، آقایان مهندسان علی خزائی‌زاده و شهزاد علیزاده، رابطه زیر به عنوان «روش مهندس کریمیان» به‌عنوان راهی برای محاسبه حق کسب و پیشه و به‌شرح زیر پیشنهاد شده است (نک: خزائی‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۸):

مدت اجاره به‌ماه $P \times 0/5 =$ حق کسب و پیشه

اضریب توری افزایش اجاره \times اجاره اولیه مغازه) - اجاره فعلی مغازه) $P =$

تشریح و تحلیل روش

در این روش، افزایش مبلغ اجاره مغازه افزون بر تورم سالیانه، به‌عنوان حق مستأجر در قالب حق کسب و پیشه مطرح شده است. اشکال این روش محاسبه آن است که در آن فقط عامل مدت اجاره و نرخ رشد اجاره با احتساب تورم مدنظر گرفته می‌شود.

این در حالی است که به‌زعم نگارنده، سنوات اجاره یکی از عوامل فرعی نه‌چندان مؤثر در محاسبه حق کسب و پیشه است و در قیاس با آن، عامل اصلی این موضوع یعنی رونق کسب در این روش محاسبه جایی ندارد. چه‌بسا اینکه مرور زمان نه‌تنها باعث رشد اقتصاد کسب نشده؛ بلکه برعکس باعث کاهش رونق کسب و حتی حذف برخی از مشاغل می‌گردد؛ به‌طور مثال شغل‌هایی مثل بوریابافی، زغال‌فروشی، نعل‌بندی، رویگری و علافی با گذشت زمان رواج اقتصادی خود را از دست داده و در حال حاضر دیگر شغل محسوب نمی‌شوند.

همچنین مبلغ اجاره در ملک تجاری قبل از آنکه تابعی از میزان حق کسب و پیشه باشد، تابعی از امتیازات تجاری و به‌ویژه سرقفلی است که حقی کاملاً مجزا بوده و به ذات واحد تجاری برمی‌گردد و با حقوق متصوره برای مستأجر بابت فعالیت تجاری در عین مستأجره تفاوتی آشکار دارد.

برای روشن‌تر شدن موضوع، در ادامه، به عوامل مؤثر در محاسبه حق کسب و پیشه نگاهی دقیق‌تر می‌اندازیم.

ضرر و زیان به مستأجرین شده و لزوم حمایت از مستأجرین ملک تجاری را که بر اثر تخلیه مغازه‌ها دچار ضرر و زیان می‌شدند ضروری نمود.

* اولین قانون حمایت مستقیم از مستأجرین املاک تجاری، معروف به قانون «اختیارات دکتر میلسپو» می‌باشد. بر اساس این قانون «در صورتی که سابقه عمل یا نام مستأجر سابق دارای قیمت و اعتباری باشد که نتیجه آن عاید موجه گردد، موجه مکلف است برای قیمت اعتبار یا نام مستأجرین سابق، به‌میزانی که کارشناس معین خواهد کرد، به مستأجر پردازد و در هر حال میزان آن کمتر از معادل سه ماه اجاره آن محل نخواهد بود» (نک: شمسی‌پور، ۱۳۸۸).

* عواملی مهمی که از این قانون مستفاد می‌شود اینک:

این قانون در حمایت از مستأجر سابق ملک تجاری و برای جلوگیری از سوءاستفاده مالک از حقوق قانونی مستأجر بوده و جرائمی برای مالک در تأخیر و راه‌اندازی ملک تجاری در نظر گرفته شده است.

* عواملی که باعث تعلق این حق به مستأجر قبلی ملک می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. استفاده موجه از شغل مستأجر سابق یا شغل مشابه آن؛
۲. وجود حق یا اعتبار مالی به‌جهت سوابق مستأجر در عین مستأجره؛
۳. تعهد موجه در قبال سند رسمی به استفاده از عین مستأجره توسط موجه، حداقل تا مدت یک سال پس از تخلیه ملک؛
۴. اثبات ضرر و زیان وارده بر مستأجر به‌دلیل تخلیه ملک تجاری؛

۵. تعهد اخلاقی مستأجر در رعایت قانون تجارت.

برای بند آخر، در کشورهای مترقی غربی، به‌جهت جلوگیری از سوءاستفاده در جذب مشتریان قبلی مورد اجاره توسط کاسبین قبلی تمهیداتی پیش‌بینی شده است؛ به‌طور مثال در مورد بند اخیر این نکته قابل‌ذکر است که این حق که آن را در قانون فرانسه Fonds de Commerce و در انگلستان Money Key و در آمریکا Good Will، می‌نامند ترتیبات اجرایی خاصی دارد. قابل‌ذکر آنکه عدم این تعهدات اخلاقی در حقوق تجاری ایران یکی از عوامل اصلی شبهات فقهی وارده بر حق کسب و پیشه می‌باشد. برای روشن‌تر شدن این موضوع باید گفت: یکی از عوامل زوال حق کسب و پیشه در ایران، عدم وجود قوانین پیش‌گیرنده استفاده مستأجر قبلی از حقوق واگذاری در قالب حق کسب و پیشه است. روش‌های دورزدن مختلف از قبیل استفاده از حرف نام و شهرت با استفاده از پیشوندهایی مانند اصل و فرد و پسوندی‌های



روابط اقتصادی مرتبط با قانون مالک و مستأجر مصوب ۱۳۳۹

* ماده ۱۱ قانون روابط مالک و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ عوامل مؤثر در تعیین ارزش حق کسب و پیشه و تجارت را به شرح زیر برمی‌شمرد:

۱. موقعیت و مرغوبیت محل کسب و پیشه و تجارت؛
۲. شرایط و کیفیت اجاره و مزایای در نظر گرفته شده برای مستأجر در متن قرارداد اجاره؛
۳. طول مدت اجاره و حسن شهرت کاسب؛
۴. نوع بنا و سازه عین مستأجره؛
۵. هزینه‌های تکمیل دکوراسیون و تزیینات داخلی؛
۶. نوع کسب و پیشه؛

تصور نگارنده این است که برخی از عوامل اقتصادی یادشده در این قانون که به‌عنوان عوامل مؤثر در ارزش حق کسب و پیشه و تجارت نامیده شده، در حقیقت عوامل تعیین سرقفلی می‌باشد. باتوجه‌به تفاوت آشکار این دو حق، به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از تصویب این ماده قانونی لحاظ امتیازات تجاری و حق کسب و پیشه مرتبط با عین مستأجره است و نه صرفاً حق مجزاشده‌ای که آن را حق کسب و پیشه و تجارت می‌نامیم. شاید اصرار برخی از حقوق دانان و محاکم حقوقی در استفاده از عبارت حق کسب و پیشه و تجارت در امور حقوقی به همین سبب است.

به‌زعم نگارنده این‌سطور، تعدادی از عوامل مؤثر در ارزیابی سرقفلی به‌طور ملموسی در میزان حق کسب و پیشه و تجارت تأثیر می‌گذارند؛ به‌طور مثال اگرچه تخریب یک بنا باعث سقوط حق کسب و پیشه و تجارت نمی‌شود؛ اما قدمت بنا و مدت مفید بهره‌وری از عین مستأجره باعث می‌گردد که حق کسب و پیشه و تجارت در قالب یک بازه زمانی حدوداً سی‌ساله تعریف شود؛ به عبارت دیگر در بنایی که تعمیرات اساسی و به‌روزرسانی امور زیربنایی انجام نشود، قدمت بنا با بازه حق کسب و پیشه برابر می‌گردد؛ یعنی قدمت بنا و زمان بهره‌برداری از ملک هم در سرقفلی و هم در حق کسب و پیشه مؤثر است و از جمله عوامل اقتصادی تعیین‌کننده این دو حق می‌باشد و یا اگرچه محل وقوع ملک از عوامل مؤثر در ارزیابی حق سرقفلی است؛ ولی میزان تردد و آمدوشد و همچنین سطح تراز واحد تجاری از کف خیابان اصلی یا عمق و ارتفاع واحد تجاری، در مباحث مطرح و عمده اقتصادی حق کسب و پیشه یعنی در ایجاد حق شهرت و نحوه عرضه کالا از طریق عواملی مانند نورپردازی ویتروین و دکوراسیون مناسب آن مؤثر است؛ با این حال این موضوع دلیلی بر آن نمی‌شود که بخواهیم در رابطه اقتصادی پیشنهادی جهت تعیین حق

کسب و پیشه، حق سرقفلی را به‌طور مستقیم دخیل دانسته یا حق کسب و پیشه را درصدی از میزان سرقفلی بدانیم.

روش متداول دیگر محاسبه حق کسب و پیشه که به‌نظر نگارنده کامل‌ترین رابطه تجربی ارائه شده در حال حاضر است، روش‌های موسوم به «رونق شغلی» و برگرفته از قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۳۹ می‌باشد.

از جمله روش‌های تجربی پیشنهادی کارشناسان که در محاسبه حق کسب و پیشه، عوامل اقتصادی مؤثری از جمله طول مدت اشتغال، حسن شهرت، کسب رونق در نظر گرفته و نیم‌نگاهی نیز به عوامل توأمان مؤثر در سرقفلی و حق کسب و پیشه داشته‌اند عبارت‌اند از:

روش پیشنهادی مهندس شاهرخ ابراهیمی قاجار به شرح رابطه تجربی زیر (نک: ابراهیمی قاجار: ۱۳۹۵):

$$H = (P - a \times S) \times T \times Z \times t$$

= ارزش حق کسب و پیشه

× (ارزش کل سرمایه‌گذاری × درصد سود متعارف - سود خالص سالیانه)

ضریب کاهنده کسب × ضریب حساسیت شغلی × مدت زمان فعالیت موفق در کسب و کار

به‌طور خلاصه، عوامل مؤثر در روابط حق کسب و پیشه و تجارت در این روش عبارت‌اند از: میزان سود خالص، میزان سرمایه‌گذاری مستأجر ملک تجاری شامل سرمایه در گردش و سرمایه ثابت مانند ارزش سرقفلی یا اجاره‌بهای پرداختی، ارزش مجوزات کسب، امتیازات خاص تجاری، مدت زمان کسب و کار فعال و موفق و ضریب کاهنده اثر گذشت زمان در ایجاد حق کسب و پیشه، میزان ریسک شغلی یا حساسیت مشاغل نسبت به جذب مشتری.

شرط حصول حق کسب و پیشه در این روش آن است که میزان سود خالص سالانه همواره از حاصل ضرب سود متعارف سالانه سرمایه‌گذاری کل مستأجر در امور فعالیت شغلی بیشتر باشد؛ به عبارت دیگر حق کسب و پیشه و تجارت صرفاً تابعی از طول مدت فعالیت تجاری نیست.

فرمول تجربی پیشنهادی مهندس مسعود علیزاده خرازی

مؤلف در فصل سیزدهم کتاب بررسی تحلیلی روابط اقتصادی موجر و مستأجر (نک: علیزاده خرازی، ۱۳۹۵) حقی را به‌عنوان حق رونق یا شهرت کسب (HR) مطرح می‌نماید که به‌نوعی همان حق کسب و پیشه است. نامبرده روش‌های تعیین ارزش رونق (شهرت و کسب و پیشه) به دو روش تحلیل اقتصادی و روش مستخرج از ماده ۱۱ قانون موجر و مستأجر سال ۱۳۳۹ تقسیم می‌نماید.

* در روش اقتصادی سه عامل اصلی مدنظر قرار گرفته شده که عبارت‌اند از:



داده شده نزدیک می‌شود.

* سایر روش‌های پیشنهادی متداول جهت تعیین ارزش حق کسب و پیشه بر اساس تأکید بر میزان سرقفلی شکل گرفته‌اند.

به اعتقاد نگارنده، با امان‌نظر به این نکته که حق کسب و پیشه و حق سرقفلی دو حق کاملاً مجزا می‌باشند، این روابط تجربی به دلیل توجه به سرقفلی به عنوان رکن اصلی در روش محاسبه میزان حق کسب و پیشه، از اساس دچار اشکال می‌باشند.

در عین حال، جهت استحضار، خلاصه این روش‌ها که از فصل هفتم کتاب دستیار کارشناس اقتباس گردیده، به شرح زیر بیان می‌دارد:

روش پیشنهادی آقای مهدی زینالی (حقوق‌دان و مؤلف کتب مختلف حق کسب و پیشه و تجارت)

در این روش، ابتدا میزانی به عنوان حداقل حق کسب و پیشه (۵۵ درصد ارزش روز سرقفلی) و مقداری به عنوان حداکثر حق کسب و پیشه (۷۵ درصد ارزش روز سرقفلی) به عنوان کف و سقف میزان حق کسب و پیشه محاسبه می‌شود و بر اساس عوامل مؤثر، ضرائب اصلاحی در این حداقل و حداکثر اعمال و میزان حق کسب و پیشه تعیین می‌گردد.

عوامل مؤثر در تعیین حق کسب و پیشه به روش پیشنهادی جناب زینالی عبارت‌اند از: طول مدت فعالیت تجاری در محل کسب و کار، رونق تجارت محل کسب و کار، میزان اجاره بهای ماهیانه محل کسب و کار، حسن شهرت مستأجر در معروفیت محل کسب و مخارج انجام شده برای فعالیت کسب از قبیل سیستم گرمایش و سرمایش، سیستم تهویه و سرویس بهداشتی، نورپردازی و دکوراسیون داخلی، منصوبات و تجهیزات و تبلیغات تجاری.

روش تجربی موسوم به روش پیشنهادی پیشگسوتان کانون تهران

به شرح رابطه تجربی ذیل:

= میزان حق کسب و پیشه

$$[30 / (\text{تجاری اشتغال‌های سال تعداد})] \times (\text{نصف ارزش روز سرقفلی})$$

روش تجربی موسوم به روش مهندسی معرّی

در این روش برای هر سال فعالیت شغلی کسبی موفق ۱/۵ درصد و برای سال‌های غیرفعال و ناموفق نصف تا ۷۵ صدم درصد سال‌های موفق از میزان کل سرقفلی روز به عنوان میزان حق کسب و پیشه و تجارت لحاظ می‌گردد.

همکاران محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر از نحوه محاسبه، مثال‌ها و مصادیق محاسبه می‌توانند به کتب مرجع معرفی شده مراجعه فرمایند.

۱. روش مقایسه با قیمت بازار

۲. رابطه ارزش حاضر سرمایه و درآمد ناشی از آن

۳. هزینه ایجاد یا جایگزینی

* در روش استفاده از قانون مصوب سال ۱۳۳۹، عامل اصلی تحقق و ایجاد حق کسب و پیشه شاخص رونق کسب (IR) است و زمانی به مستأجری حق کسب و پیشه تعلق می‌گیرد که شاخص رونق اقتصادی مثبت شده و به عبارتی بالاتر از صفر باشد. برای تعیین شاخص رونق حق کسب، توسط مؤلف کتاب دو رابطه پیشنهاد شده که از بررسی و مقایسه حداقلی این دو رابطه، میزان شاخص رونق کسب مشخص می‌گردد که به ترتیب عبارت‌اند از:

$$\text{IR} = [L - \text{if} \cdot D_1 - (\text{if} - \text{is}) \cdot D_2] \quad \text{الف)}$$

= شاخص رونق کسب و کار در حالت الف

- دارایی‌های مشهود \times نرخ سود فعالیت اقتصادی - میزان درآمد

(نرخ متوسط رشد سرقفلی - نرخ سود فعالیت اقتصادی)

دارایی نامشهود (سرقفلی + امتیازات خاص شغلی) \times

$$\text{IR} = [L - \text{if} \cdot D_1 - E_{(b,j)}] \quad \text{ب)}$$

= شاخص رونق کسب و کار در حالت ب

\times نرخ سود فعالیت اقتصادی - میزان درآمد

اجاره‌بهای واحد تجاری - دارایی‌های مشهود (سرمایه ثابت و در گردش) با کمی دقت در روابط ارائه شده توسط مهندس علیزاده، مشخص می‌گردد که در این روش از دو شاخص اصلی میزان سرقفلی و یا میزان پرداخت اجاره‌بها جهت به دست آوردن حداقل شاخص رونق کسب و کار استفاده شده است.

روش پیشنهادی مهندس علیزاده در حقیقت تلفیقی از قانون اختیارات دکتر میلیسپو (میزان اجاره) و عوامل اقتصادی مؤثر در قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۳۹ است.

* پس از آن مؤلف، روابط تجربی زیر را برای تعیین دقیق میزان حق کسب و پیشه پیشنهاد می‌نماید:

$$\text{HR} = F \times [(c) \times iB] / \text{if} \times \text{IR} \rightarrow$$

و مقدار C یا همان فاکتور ثابت رونق از این رابطه به دست

$$\text{C} = t_r^0 \rightarrow \text{می‌آید: فاکتور ثابت رونق}$$

طول مدت رونق t_r و 0 مدت اشتغال شغل همگن می‌باشد که از جدول پیشنهادی مطرح در کتاب مرجع به دست می‌آید.

= حق کسب و پیشه

(اقتصادی فعالیت سود نرخ) \times ضریب اصلاحی حق کسب و پیشه

شاخص رونق کسب و کار \times (بانک متعارف سود نرخ \times (رونق ثابت فاکتور)) با کمی تأمل در فرمول نهایی ارائه شده و اعمال نرخ سود متعارف بانک و نرخ سود فعالیت اقتصادی، این روش به روش پیشنهادی مهندس کریمیان که قبلاً در خصوص آن توضیح



توجه همکاران را به نکات ذیل که از مجموعه مراجع مختلف، از جمله کتاب وزین همراه کارشناس جناب مهندس شاهرخ قاجار گردآوری شده و مورد باور نگارنده است، جلب می نماید:

* پرداخت وجهی بابت حق کسب و پیشه برای حقی که صاحبش آن را با خود می برد، قانونی نیست؛ به عبارت دیگر با دریافت مبلغ حق کسب و پیشه، مستأجر دیگر نمی تواند با آن شغل و یا آن تابلو در همان محل یا محل دیگری به کار خود ادامه دهد؛

* بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۹ از فصل پنجم قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶، نقل و انتقال کسب و پیشه بایستی از طریق سند رسمی انجام پذیرد؛

* با انتقال حق کسب از طریق سند رسمی به موجر یا شخص دیگر، مستأجر پیشین نمی تواند مدعی حقی تحت عنوان حق کسب و پیشه شود؛ به عبارت دیگر نمی توان متاعی را فروخت؛ ولی چیزی را به خریدار واگذار نمود و حقی برای خریدار قائل نشد؛

* برای شعبات بانک نمی توان حقی را در قالب حق کسب و پیشه و تجارت قائل شد؛ چون با تخلیه شعبه بانک، کسب و کاری تحت این عنوان برای مالک ایجاد نمی شود؛

* بر اساس قانون موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶، امکان تخلیه ملک و تحویل آن به موجر به دلیل انقضای مدت اجاره وجود ندارد؛ بلکه آنچه موجبات تخلیه ملک و تحویل آن به موجر را فراهم می آورد، مواد ۱۴، ۱۵، ۱۹ قانون مذکور است؛

* در مواردی که عین مستأجره به جهتی از بین برود، حسب مورد، حق کسب و پیشه و تجارت یا سرقفلی به قوت خود باقی خواهد ماند؛

* به شرط انتقال سند رسمی و مشروط به موافقت مالک، حق کسب و پیشه از مستأجر فعلی به مستأجر بعدی تداوم می یابد؛ اگرچه زمان نقل و انتقال پس از قانون مالک و مستأجر مصوب سال ۱۳۷۶ باشد؛

* اگرچه ماده ۱ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ کلیه محل هایی را که اجاره داده می شود، مشمول این قانون می داند؛ اما مستأجری که بر اساس تخلف، ملک مسکونی را به تجاری تبدیل می کند، مشمول حق کسب و پیشه نمی گردد؛ زیرا در تبصره الحاقی به بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری، مصوب سال ۱۳۵۲، با لحن آمرانه استفاده تجاری از منازل مسکونی را ممنوع کرده است و تخلف از این قانون تا حد مجازات حبس تعیین شده؛ بنابراین این سؤال پیش می آید: چگونه می توان به مستأجری که انتفاع تجاری از

ملک مسکونی او را تا حد مجازات حبس محکوم نموده، پاداش داد و او را مستحق حق کسب و پیشه دانست؟

* ایجاد حق کسب و پیشه و تعیین آن توسط کارشناسان رسمی دادگستری، منوط به حفظ حقوق ناشی از روابط استیجاری است. تغییر نوع کسب و کار، انتقال بدون اذن مالک به غیر، عدم پرداخت اجور ماهیانه باعث سقط یا کاهش این حق می گردد؛

* در موارد زیر معمولاً حق کسب و پیشه برای کاسب مغازه در نظر گرفته نمی شود:

✓ در موردی که وجود شرایط ادامه همان کسب در فاصله کمی از محل مورداشتغال برای کاسب ممکن باشد؛

✓ محل استیجاری تجاری برای مدت قابل توجهی (بیش از ۶ ماه) بسته باشد؛ به گونه ای که واحد اکثر مشتریان دائمی خود را از دست داده باشد؛

✓ نوع کسب طوری باشد که مشتریان خاص خود را داشته باشد و مشتریان مجبور به مراجعه به محل جدید باشند؛ از قبیل مؤسسات آموزشی صاحب نام، شعب بانک ها، مراکز تولید و توزیع سوخت های فسیلی مانند نفت و تأمین سیلندر گاز که این صنوف مشمول حق کسب و پیشه نمی شوند.

* مالکین ملک تجاری متعاقب تقدیم دادخواست تخلیه ملک تجاری و به شرط وجود حق یادشده، موظف به پرداخت حق کسب و پیشه و تجارت به ذی حق می باشند؛

* جبران خسارت تعطیلی قهری محل کسب (حق کسب و پیشه و تجارت) بر عهده مجری طرح و در خصوص طرح های عمرانی دولت می باشد؛

* تعیین ارزش برند در صلاحیت کارشناسان رشته حسابداری و مالی می باشد؛

* حق سرقفلی و حق کسب و پیشه حقوق مکتسبه ای هستند که از بابت عقد قرارداد اجاره بهای ملک تجاری ایجاد می شوند؛ لذا به دستفروش های دوره گرد و شاغلین هفته بازارها حق کسب و پیشه تعلق نمی گیرد.

شبهه شرعی وارد بر حق کسب و پیشه و تجارت

حق کسب و پیشه و تجارت در پایگاه حاکمیت اراده جایگاهی ندارد. مداخله قانونگذار و تدوین و تصویب قانون صرفاً از بابت حق منافع اجتماعی و حمایت از حقوق مستأجرین و در نتیجه به رسمیت شناختن حق کسب و پیشه و تجارت است؛ اما در اندیشه دینی، مشروعیت حق کسب و پیشه و تجارت مورد مناقشه است. موجر با تکیه بر قاعده تسلط و استناد به حق مالکیت خویش (ماده ۳۰ قانون مدنی) و بهره گیری از قاعده وفای به عهد (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ، سوره مائده، آیه ۱) حاکمیت



اراده، استمرار سلطه مستأجر را بی‌دلیل و خلاف شرع می‌داند.

* نظریه شماره ۱۴۸۸ مورخ ۱۳۶۳/۵/۹ شورای نگهبان اعلام می‌دارد: «حق کسب و پیشه و تجارت در ملک غیرمذکور در ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر عنوان شرعی ندارد.»
* به برخی از مشاغل حق کسب و پیشه و تجارت تعلق نمی‌گیرد.

در این مجال لازم است تفاوت حرفه و شغل تعریف شود. حرفه (Career) انجام کار از طریق کسب تجربه و دانش و مهارت و برنامه‌ریزی بلندمدت برای پیشرفت و ارتقا بوده و در مقابل، شغل (Job) تأمین نیازهای مالی در کوتاه‌مدت است. در حرفه، شخصیت زاده شخص و تلاش فردی، از طریق علم‌آموزی و کسب مدارج دانشگاهی است؛ درحقیقت اخلاق‌گرایی بر تأمین نیازهای مادی غلبه دارد. مشاغل مرتبط با شخصیت ذاتی و تجارب علمی و عملی فرد به مکان شغلی ارتباط ندارد؛ لذا مشاغل خاصی از قبیل پزشکی، مراکز ارائه خدمات مهندسی، دفاتر کار کارشناسان رسمی دادگستری، دفتر وکالت، دفاتر روزنامه و نشریه و دارالترجمه و دفاتر اسناد رسمی طلاق و ازدواج و اسناد از محدوده ماده ۳۰ قانون تجارت خارج بوده و فاقد حق کسب و پیشه و تجارت می‌باشند.

نقش موقعیت جغرافیایی و شهرسازی در تعیین حق کسب و پیشه

حق کسب و پیشه دارای قلمرو جغرافیایی است. ماده ۳۱ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ قلمرو اعمال حق کسب و پیشه و تجارت را مشمول نقاطی دانسته که با قانون روابط مالک و مستأجر مصوب خرداد ۱۳۳۹ در آن به اجرا گذاشته شده یا وزارت دادگستری با جلب نظر وزارت مسکن و شهرسازی، لزوم اجرای آن را اعلام می‌دارد.

قابل توجه آنکه برخی از مناطق سنی‌نشین کشور اصولاً قائل به حقی به‌نام حق کسب و پیشه و تجارت نبوده و در مناسبات تجاری و عقود اجاره از آن پرهیز می‌نمایند. در خصوص تعریف مکان، حریم و تعریف شهرهای جدید مشمول قانون حق کسب و پیشه و تجارت، توجه همکاران محترم را به مقاله «حق کسب و پیشه و تجارت از دیدگاه

حقوق شهری و شهرسازی در نظام حقوقی ایران» نوشته آقای غلامرضا کامیار، وکیل محترم دادگستری منتشر شده در مجله شماره ۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۸۶ کارشناس جلب می‌نماید.

جمع‌بندی

شناخت جامع حق کسب و پیشه و تجارت و تحلیل روابط اقتصادی مرتبط با آن و عوامل مؤثر در تعیین و میزان آن بسیار ضروری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار به شناسایی این حق، عوامل مؤثر در تعیین آن، روابط تجربی متداول در تعیین این حق و باید و نبایدهای مرتبط با آن، براساس نکاتی از قانون و نظرات کارشناسان پرداخته شده است.

خاتمه سخن آنکه اگرچه این حق در قوانین ایران غروبی زود هنگام داشته؛ اما به‌زعم نگارنده، ضرورت‌های اقتصادی و مسائل اجتماعی در آینده‌ای نه‌چندان دور احتمالاً سبب اعاده این حق می‌گردد؛ اگرچه در حال حاضر نیز محاکم قضایی از شناسایی این حق بی‌نیاز نیستند؛ چراکه همچنان روابط استیجاری سابق بر اساس قوانین قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بی‌شک نقش حساس کارشناسان رسمی دادگستری در این مقام، چه در تشخیص وجود حق و چه در میزان آن تأثیر بسزایی در آرای صادره توسط محاکم قضایی خواهد داشت.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی قاجار، شاهرخ، ۱۳۹۵، همراه کارشناس، شاهرنگ.
۲. خزائی زاده، علی و شهزاد علیزاده، ۱۳۹۸، دستیار کارشناس، پیک فرهنگ.
۳. شمسی‌پور، غلامرضا، ۱۳۸۸، حق سرقفلی و کسب و پیشه و تجارت، انتشارات بکا.
۴. علیزاده خرازی، محمدمسعود، ۱۳۹۵، بررسی روابط اقتصادی موجر و مستأجر، میزان.



خودروی متعارف در قانون جدید بیمه

نعمت‌اله اعتمادی

کارشناس رسمی دادگستری در رشته امور وسایط نقلیه موتوری زمینی

نشود، موضوع به یک ارزیاب خسارت دارای مجوز ارزیابی خسارت از بیمه مرکزی، به انتخاب و هزینه زیان دیده ارجاع می‌شود. هریک از طرفین ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام نظر کتبی ارزیاب می‌توانند در مرجع صالح اقامه دعوی کنند. در صورت عدم طرح دعوی توسط طرفین در مهلت مقرر، نظر ارزیاب خسارت قطعی و لازم‌الاجراست. هزینه ارزیابی خسارت بر اساس تعرفه‌ای است که در ابتدای هر سال توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد. بیمه مرکزی موظف است در صدور مجوز ارزیابی خسارت به گونه‌ای عمل کند که در تمام شهرستان‌ها متناسب با نیاز آن شهرستان، ارزیاب خسارت وجود داشته باشد.

در اینجا این سؤال را مطرح می‌کنند: خودروی متعارف چه خودرویی است؟ در پاسخ می‌گوییم: همان‌طور که در تبصره ۴ گفتیم، خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از ۵۰ درصد سقف تعهدات بدنی باشد که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود؛ برای مثال در سال ۱۳۹۹ اش کمترین مبلغ بیمه موضوع این قانون، در بخش خسارت بدنی، معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام است؛ یعنی چهارصد و چهل میلیون تومان. نصف آن می‌شود دویست و بیست میلیون تومان. با این توضیح، خودروی متعارف خودرویی است که ارزش آن کمتر از دویست و بیست میلیون تومان باشد. کارشناسانی که خسارت شرکت‌های بیمه را ارزیابی می‌کنند و نیز کارشناسان رسمی دادگستری موظف اند هنگام برآورد خسارت، این قانون را در نظر بگیرند.

در ماده ۸ به نوع خودروها اشاره نکرده‌اند؛ اما بیمه‌گزاران این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا این قانون شامل وسایل نقلیه سنگین، اعم از انواع کامیون‌ها و کشنده‌ها و انواع وسایل نقلیه مسافربری نیز می‌شود؟

قانون در این خصوص ساکت است؛ ولی نخست اینکه در بند پ ماده ۱۸ قانون یادشده، درباره راجع بودن استفاده از وسایل نقلیه‌ای مانند موتورسیکلت و خودروهای سواری ارزان قیمت برای اقشار متوسط و ضعیف سخن گفته‌اند. دوم اینکه می‌دانیم خودروهای سنگین عموماً ارزش مالی بسیاری دارند. همچنین، این‌گونه وسایل نقلیه، بیشتر، وسیله کسب و کار دارندگان آن‌هاست؛ البته به نظر می‌رسد وسایل نقلیه باری و مسافربری از شمول این ماده خارج است. علاوه بر آن، شرکت‌های بیمه معمولاً هنگام اجرای قوانین حتماً به این موضوع‌ها توجه می‌کنند.

قیمت خودروها به خصوص خودروهای ساخت کارخانه‌های خارج از کشور افزایش یافته است؛ از این‌رو دارندگان این‌گونه وسایل نقلیه هنگام وقوع تصادف، در پرداخت یا دریافت خسارت با مشکلاتی مواجه می‌شوند. همچنین، هنگامی که بین دو وسیله نقلیه تصادفی توازن ارزش نباشد، هر دو طرف گرفتار قوانین حقوقی مرتبط با تصادف می‌شوند. در همین زمینه، در قانون جدید بیمه اجباری، مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۹، قانونگذار برای جبران خسارت واردشده به شخص ثالث بر اثر حوادث ناشی از تصادف وسایل نقلیه تدابیری اندیشیده است که آن‌ها را در ماده ۸ و تبصره‌های ۳ و ۴ و ۵ این قانون می‌بینیم:

ماده ۸: حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام، با رعایت تبصره ماده ۹ این قانون است و در هر حال بیمه‌گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی‌باشد. همچنین، حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی، معادل ۲/۵ درصد تعهدات بدنی است. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارت‌های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه‌نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.

تبصره ۳: خسارت مالی ناشی از تصادف رانندگی، صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف، از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.

تبصره ۴: منظور از خودروی متعارف، خودرویی است که قیمت آن کمتر از ۵۰ درصد سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود باشد.

تبصره ۵: ارزیابان خسارت موضوع ماده ۳۹ و کارشناسان ارزیاب خسارت شرکت‌های بیمه و کارشناسان رسمی دادگستری، در هنگام برآورد خسارت، موظف‌اند مطابق این ماده اعلام نظر کنند.

ماده ۹: بیمه‌گر ملزم به جبران خسارت‌های واردشده به اشخاص ثالث، مطابق مقررات این قانون است.

ماده ۳۹: در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می‌گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان دیده، وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان دیده باشد، تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه‌نامه مذکور پرداخت کند.

تبصره ماده ۳۹: در صورتی که اختلاف از طریق مذکور حل و فصل



تعمیرات املاک استیجاری از منظر کارشناسی

مهندس محمدرضا ممتازیان
کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه و ساختمان

خصوص تعمیرات چنین می گوید:

«تعمیرات کلی و اساسی مورداجاره که مربوط به اصل بنا یا تأسیسات عمده منصوبه در آن، از قبیل دستگاه‌های حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور می‌باشد، به‌عهدۀ موجر است و تعمیرات جزئی و همچنین تزیین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورداجاره باشد، با مستأجر خواهد بود؛ مگر آنکه در قرارداد به‌صورت دیگری شرط شده باشد.»

بر اساس ماده فوق، تعمیرات را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. کلی یا اساسی؛ ۲. جزئی. قانونگذار تعمیرات کلی و اساسی را بر عهده موجر گذاشته است. اختلاف در تعیین میزان تعمیرات و همچنین، پایبندی طرفین، از آغاز برقراری روابط استیجاری و عقد اجاره‌نامه بین موجر و مستأجر، یکی از دغدغه‌های پیش روی همکاران کارشناس بوده است. البته در بندهای ۶.۶ و ۷.۶ اجاره‌نامه‌هایی که در دفاتر املاک و بنگاه‌ها تنظیم شده، بحث تعمیرات را به‌صورت اجمالی مطرح و نوع هزینه‌ها و میزان آن را با توجه به عرف جامعه تعیین کرده‌اند.

۶.۶: پرداخت هزینه نگهداری آپارتمان (حق شارژ و غیره) و همچنین افزایش احتمالی آن بر مبنای مصوب مسئول یا مسئولین ساختمان، بر عهده مستأجر است.

۷.۶: پرداخت هزینه تعمیرات و هزینه‌های کلی از قبیل نصب و راه اندازی به‌منظور بهره‌برداری از دستگاه تهویه، شوفاژ، کولر، آسانسور و شبکه آب، برق و گاز به‌عهدۀ مالک است و هزینه‌های جزئی مربوط به استفاده از مورداجاره به‌عهدۀ مستأجر است و نوع هزینه‌ها و میزان آن را عرف تعیین می‌کند.

باعنایت به کاهش عمر ساختمان‌ها در کشور و لزوم تعویض لوازم و مصالح به‌کار رفته در ساختمان (بسته به‌نوع مصرف) و استفاده از متریال جدید به‌منظور بهینه‌سازی انرژی، یا فرسایش و فرسودگی بنا و ممانعت از افزایش هزینه تعمیرات، هر چند مدت یک‌بار، ساختمان نیاز به تعمیرات اساسی و کلی پیدا می‌کند. فرضاً سیستم لوله کشی از گالوانیزه به پنج‌لایه، در و پنجره‌های پروفیلی به دوجداره

تهیه مسکن همیشه یکی از دغدغه‌های اصلی مردم بوده است؛ موضوعی که بشر از آغاز زندگی اجتماعی و پیدایش نخستین اجتماعات انسانی، با آن سروکار داشته است.

روزگاری بشر در غار زندگی می‌کرد. زندگی و معیشت ایلی و عشیره‌ای به‌گونه‌ای بود که افراد خانواده یا طایفه و ایل و قوم، به‌تناسب تکامل و رشد، دور هم جمع می‌شدند و زندگی ساده‌ای رقم می‌زدند. با گذشت زمان، اجتماع محدودتر و کوچک‌تری شکل گرفت. جامعه ایرانی به زندگی پدرسالارانه روی آورد. در زندگی پدرسالاری، بزرگ خانواده و افراد وابسته به او، یعنی فرزندان و نوه‌ها، باهم زندگی می‌کردند. وقتی فرزند خانواده به سن ازدواج می‌رسید، گوشه‌ای از حیاط بزرگ و وسیع را برای سکونت برمی‌گزید. او هم مانند پدر و پدربزرگش دور خود اجتماع کوچکی تشکیل می‌داد.

در دهه‌های گذشته، زندگی اجتماعی ایرانیان دگرگون شد. این تغییرات تعادل زندگی شهری و روستایی را بر هم زد. سیل مهاجران از روستا به شهر سرازیر شد و شکل شهر و زندگی و پیوندهای اجتماعی آن را دگرگون کرد. هر فرد خانه‌ای مستقل گرفت. در آغاز، تعادلی نسبی بین موجر و مستأجر وجود داشت. با افزایش مهاجرت و نیز با دگرگونی چشم‌گیر زندگی شهری، رفته‌رفته، آپارتمان‌ها و برج‌ها جای خانه‌های ویلایی و حیاطدار را گرفتند. افزایش زادوولد و برهم خوردن معادله عرضه و تقاضا در بخش مسکن باعث شد هر خانه و عمارت و مغازه‌ای مشمول قانونی خاص شود. برای اولین بار واژه مالک و مستأجر در عرف قانونگذاری وارد شد. اختلاف نظر و برداشت‌های متفاوت، با توجه به چالش‌ها و دعاوی مطروحه در محاکم دادگستری، در گذر زمان مفاد قانونی روابط موجر و مستأجر را چکش کاری کرد؛ اما هنوز هم در اجرای برخی مفاد مرتبط با کارشناسی، ابهام و نارسایی و اختلاف نظر هست. در بند پنجم قانون روابط موجر و مستأجر به بحث درباره تعمیرات پرداخته است. ماده ۲۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ش در



و استفاده از شیرآلات اهرمی و این مستأجر است که از آنها استفاده می کند.

رویکرد این مقاله باتوجه به قانون قبل از مهرماه سال ۱۳۷۶ ش، بیشتر به روابط استیجاری در واحدهای تجاری معطوف است. همکاران محترم واقفانند امروزه بیشتر اجاره‌نامه‌های مسکونی را برای یک سال تنظیم می کنند. این اجاره‌نامه‌ها اغلب باعث نمی شود بین موجر و مستأجر اختلاف نظر به وجود بیاید. هرچند با تسلیم شدن موجر، طول مدتی که مستأجر آرامش لازم برای زندگی به واسطه سلب آسایش متأثر از تعمیرات را ندارد به چه نحو توافق می گردد؟ شاید این گونه مطرح شود که باتوجه به حاکمیت قانون روابط موجر و مستأجر، تصویب شده در سال ۱۳۶۲ ش، مالکان به سادگی می توانند قرارداد استیجاری را از بین ببرند. آن‌ها می توانند به دادگاه مراجعه کنند. حکم تخلیه را بگیرند و عملاً استفاده از منافع ملک را در اختیار بگیرند.

در ادامه بحث چگونگی تعمیرات املاک استیجاری تجاری، به این سؤال پاسخ می دهیم که مالک یا مستأجر باید چه تعمیراتی را بر عهده بگیرد تا مشمول مصادیق تعدی و تفریط نشود؛ چون اگر به علت تعدی و تفریط در عین مستأجره، دادگاه حکم به فسخ اجاره‌نامه بدهد، حق سرقفلی نیز از بین خواهد رفت؛ بنابراین تعمیرات در این گونه املاک نیازمند تدابیری هوشمندانه است. همچنین، لازم است در بحث تعدی و تفریط به این سؤال پاسخ دهیم: آیا دخل و تصرفی که مستأجر برای تزیین و استفاده بهتر از عین مستأجره انجام می دهد و در کل باعث می شود عین مستأجره دگرگون شود، از مصادیق تعدی و تفریط تلقی می شود؟

در پاسخ به این سؤال باید به ماده ۴۸۷ قانون مدنی استناد کرد: «هرگاه مستأجر نسبت به عین مستأجره تعدی یا تفریط نماید و موجر قادر بر منع آن نباشد، موجر حق فسخ دارد.»

تعدی

مطابق ماده ۹۵۱ قانون مدنی «تعدی تجاوز از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری.» تعدی انجام کاری خارج از عرف و قرارداد است؛ از این رو اگر مستأجر در ملک اجاره‌ای تغییری خارج از قرارداد یا عرف دهد، تعدی

کرده است و موجر می تواند از دادگاه حکم تخلیه ملک بگیرد.

تفریط

مطابق ماده ۹۵۲ قانون مدنی «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است؛» بنابراین تفریط نوعی ترک فعل است. اگر بر اساس قرارداد یا حتی عرف، مستأجر ملزم به تغییر یا تعمیر خاصی در ملک اجاره‌ای باشد؛ اما از انجام آن خودداری کند، مرتکب تفریط در عین مستأجره شده است.

ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ ش: «در موارد زیر موجر می تواند حسب مورد، صدور حکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند. دادگاه ضمن حکم فسخ اجاره، دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می نماید و این حکم علیه مستأجر یا متصرف اجرا و محل تخلیه خواهد شد.»

بند ۸ ماده صدرالاشاره: «در صورتی که مستأجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده باشد.»

زمینه طرح دعوی الزام به تعمیرات، تقدیم دادخواست و ترجیحاً ارسال اظهارنامه می باشد. دادگاه بدون رعایت تشریفات دادرسی با جلب نظر کارشناسان رسمی دادگستری لزوم تعمیرات را احراز می نماید یا به جهت تسریع در انجام تعمیرات تأمین دلیل همراه با نظر کارشناس می باشد. با اذعان به اینکه اطلاع دادرسی و زمان طولانی رسیدگی به پرونده‌ها خود باعث می گردد مستأجر از خیر حکم دادگاه و تعمیرات با هزینه مالک بگذرد و خود رأساً و با هزینه شخصی این مهم را انجام دهد.

اغلب اماکن تجاری که در گذر زمان حسن شهرتی به دست آورده‌اند، در بافت کهنه و قدیمی شهرها واقع شده‌اند. از طرفی مالکین با توجه به حق کسب و پیشه‌ی مستأجرین و عموماً اجاره‌بهای اندک و از طرفی سرقفلی سرسام آور حاضر به تغییر و تجدید بنا و نوسازی نمی باشند که این موضوع را می توان از دو سو واکاوی کرد:

۱. طی کردن روال قانونی نیازمند اخذ مجوز از شهرداری‌ها و از سرگذراندن کاغذبازی‌های اداری است؛

۲. بازسازی نکردن نیز باعث کهنگی و فرسودگی فضاهای تجاری می شود.

هرگاه مالک در صدد تعمیر کلی و اساسی برآید می بایستی



تغییر در وضع سالن با دکور و شیشه یا سایر مصالح سبک، تبدیل درب‌های قدیمی به درب شیشه‌ای یا آلومینیومی و امثالهم، تعویض پنجره‌ها و درب ورودی و کرکره و سایه‌بان، موزائیک و کاشی‌کاری کف و دیوارها و احداث اتاقکی به عنوان دفتر یا نصب دست‌شویی و توالت و محلی برای استراحت، عرفاً تعدی و تفریط در بنا نمی‌باشد اما احداث بالکن یا احداث زیرزمین و اضافه کردن اتاق یا سرپوشی از این نوع که به مساحت و متراژ محل مورد اجاره افزوده شود اعم از این‌که محل‌ها در بام یا زیرزمینی باشد، مفهوم و معنای افراط و تفریط مورد نظر قانونگذار می‌باشد و مالک می‌تواند با این خواسته درخواست تخلیه نماید. هرچندکه ممکن است تغییرات توأم با تخریب مقدماتی باشد و این عمل مورد اعتراض مالک واقع گردد.

منابع

حسینی، سیدمحمد رضا، ۱۳۹۱، قانون روابط موجرو مستأجر در رویه‌های قضایی، با مقدمه بهمن کشاورز، چ ۵، تهران: نگاه بینه.

بدون اضافه مبلغ اجاره‌بها، درآمد اجاره چندین سال را برای تعمیرات هزینه کند، در عمل هم زمینه رونق کسب و کار مستأجر را فراهم می‌سازد. هر چند که موجر بدنبال یافتن بهانه برای اخذ مجوز تخلیه از مراجع قضایی است و با ادعای فرسودگی و کهنگی مال‌الاجاره زمینه تجدیدننا را فراهم سازد. همچنین، قدمت و کهنگی واحد تجاری در ارزیابی کارشناسان دادگستری به جهت تعیین مبلغ سرقفلی، اثرگذار خواهد بود.

گاهی دخل و تصرف مستأجر در اصل و اساس بنای ملک اجاره‌ای به آن لطمه می‌زند یا ظاهرش را تغییر می‌دهد؛ یعنی بخشی کلی به ملک اضافه می‌کند. قسمت یا قسمتهایی را کم می‌کند. به استحکام سازه آن صدمه یا لطمه می‌زند. همه این‌ها از مصادیق تعدی و تفریط است؛ اما اگر تعمیرات و تغییرات مستأجر به منظور بهتر استفاده کردن از ملک اجاره‌ای باشد، بدیهی است که تعدی و تفریطی صورت نگرفته است.

بنا بر توضیحات و تقسیم‌بندی‌های بالا، می‌توان ایجاد تقسیمات جدید در عین مستأجره با مصالح سبک مثلاً، درست کردن اتاق پرو با تخته یا شیشه، ایجاد راهرو و





تأثیر دی‌اکسید کربن در محصولات گلخانه‌ای

مهندسی امید ابراهیم‌پور

کارشناس رسمی دادگستری در رشته کشاورزی و منابع طبیعی

مقدمه

هدف همه تولیدکنندگان، از جمله پرورش‌دهندگان محصولات گلخانه‌ای، افزایش ماده خشک در برابر مصرف یک واحد مواد پایه است. دستیابی به این هدف تولیدشان را اقتصادی می‌کند. گاز CO_2 یا همان دی‌اکسید کربن هم یکی از لوازم اساسی فتوسنتز است. سال‌هاست به ضرورت غنی‌سازی دی‌اکسید کربن در گلخانه‌ها پی برده‌اند؛ چون این کار رشد گیاه و تولید محصول را افزایش می‌دهد.

عمده تأثیرهای دی‌اکسید کربن در عملکرد تولیدات گلخانه‌ای

۱. افزایش بازده محصولات

۲. کاهش جوانه‌های ناقص در گل‌ها

۳. بهبود استحکام ساقه گیاه و اندازه گل‌ها

نقش کربن در گیاه

کربن نزدیک به ۴۰ درصد از وزن ماده خشک گیاه را تشکیل می‌دهد. گیاهان به این عنصر نیازمندند و آن را از گاز دی‌اکسید کربن موجود در طبیعت می‌گیرند. بخش زیادی از این گاز از راه روزنه‌های باز برگ وارد گیاه می‌شود. وقتی گاز دی‌اکسید کربن وارد سلول‌های گیاه شد، در آنجا، به کمک انرژی حاصل از نور خورشید به هیدرات کربن یا قند تبدیل می‌شود. هیدرات‌های کربن تولیدشده به دیگر قسمت‌های گیاه می‌روند و طی فرایندهایی بیوشیمیایی در ساختار دیگر قسمت‌های گیاه شرکت می‌کنند؛ در واقع موادی تولید می‌کنند که برای رشد رویشی و زایشی گیاه ضروری است.

افزایش میزان دی‌اکسید کربن، در بیشتر محصولات گلخانه‌ای، میزان خالص فتوسنتز را از 340 ppm به 1000 ppm افزایش می‌دهد. آزمایش‌ها بر روی بیشتر گیاهان نشان داده است که افزایش دی‌اکسید کربن تا 1000 ppm فتوسنتز را ۵۰ درصد بیشتر می‌کند. البته از لحاظ اقتصادی توصیه نمی‌کنیم تولیدکنندگان محصول‌های گلخانه‌ای دی‌اکسید کربن همه گیاهان را تا 1000 ppm افزایش دهند؛ به‌خصوص دی‌اکسید کربن گیاهانی که در نور کم‌اند. بعضی گیاهان مانند گل لاله نیز

هیچ واکنشی به اضافه‌کردن دی‌اکسید کربن نشان نداده‌اند.

گرمود کربن

در فصول سرد در پیچه‌های گلخانه را می‌بندند تا از اتلاف حرارت جلوگیری کنند. با بستن در پیچه‌ها هوای داخل گلخانه با هوای بیرون تبادل نمی‌شود؛ در نتیجه دی‌اکسید کربن داخل گلخانه‌ها به کمترین اندازه می‌رسد. در مناطق شمالی کره زمین ممکن است این وضعیت روزها ادامه داشته باشد؛ در نتیجه در ساعات آفتابی روز، فتوسنتز دی‌اکسید کربن موجود در فضای گلخانه را از هوای محدود گلخانه می‌گیرد. میزان دی‌اکسید کربن در گلخانه بسته به تدریج کم می‌شود. به دنبال این تغییر، فرایند فتوسنتز نیز کاهش می‌یابد. در مدت کوتاهی، زمانی فرا می‌رسد که گیاه کلاً از رشد باز می‌ایستد. البته مقدار و سرعت مصرف دی‌اکسید کربن در همه گیاهان یکسان نیست؛ اما برای مثال و بنا بر گزارش‌ها، یک برگ گیاه آفتابگردان در حال رشد می‌تواند یک‌ساعته تمام دی‌اکسید کربن فضای بالای سر خود را تا ارتفاع $2/4$ متری مصرف کند.

اثر تزریق دی‌اکسید کربن در گیاه

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد وقتی میزان دی‌اکسید کربن در اتمسفر بیش از 300 ppm باشد، گیاه به آن واکنش نشان می‌دهد. غلظت 2000 ppm دی‌اکسید کربن، رشد بسیاری از گیاهان را افزایش داده است. آزمایش‌های متعددی در عرض‌های جغرافیایی مختلف بر روی بسیاری از گیاهان گلخانه‌ای انجام داده‌اند. نتایج این آزمایش‌ها نشان داده است افزایش غلظت دی‌اکسید کربن از 1000 ppm تا 1500 ppm برای گیاهان مفید است؛ اما غلظت‌های 1500 ppm و بیش از آن در گیاهان مختلف تأثیرهای مثبت و منفی متفاوتی دارد. آستانه تغییرات دی‌اکسید کربن در گیاهان مختلف متفاوت است؛ مثلاً برای گوجه‌فرنگی 2200 ppm و برای خیار 1500 ppm و برای ژربر آ و داوودی 1200 ppm است. باید بدانیم میزان دی‌اکسید کربنی که گیاهان برای فتوسنتز نیاز دارند، به‌طور کامل و مستقیم به دیگر عوامل مؤثر در فتوسنتز وابسته است.



طول دوره رویشی کاهش یابد.

تزریق دی‌اکسیدکربن در محیط پرورش گل میخک، میزان محصول را ۳۸ درصد افزایش داد. همچنین، باعث شد وزن گل‌ها و طول ساقه‌های گل‌دهنده بیشتر شود. طول دوره گل‌دهی هم نزدیک به دو هفته جلو افتاد؛ در نتیجه گل‌دهی میخک‌ها بیشتر شد. کیفیت قلمه‌ها بهتر و تعدادشان هم بیشتر شد.

در محیط پرورش بسیاری از گل‌های فصلی نیز تزریق دی‌اکسیدکربن باعث افزایش میزان محصول آن‌ها شد. در گل پاییزه میمون، کیفیت گل را بهتر کرد؛ در حالی که در گیاهان بهاره، باعث شد گل‌ها ۱۳ روز زودتر از موعد طبیعی بشکفند. تزریق دی‌اکسیدکربن ریشه‌دار شدن قلمه‌های شمعدانی را سرعت بخشید. طول ساقه و تعداد شاخه‌های فرعی را هم به‌طور چشمگیری افزایش داد.

پس از تزریق دی‌اکسیدکربن، تعداد شاخه‌های بدون گل در زنبق هلندی (Dutch iris) کاهش یافت. در ارکید هم تعداد و اندازه شکوفه‌ها بیشتر شد و کیفیتشان افزایش یافت.

از دیگر گل‌ها و گیاهان، می‌توان بنفشه آفریقایی، اطلسی، کالانکوا و بنت‌القنسول را نام برد. تزریق دی‌اکسیدکربن خواص کیفی و کمی آن‌ها را افزایش داد. همچنین، در محیط پرورش بسیاری از گیاهان باعث شد میزان محصول اغلب آنها افزایش یابد.

در سال‌های اخیر، در انگلستان و هلند تحقیقاتی دامنه‌دار درباره تزریق تابستانه دی‌اکسیدکربن انجام گرفته است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد وقتی دستگاه‌های تهویه بیش از ۵ سانتی‌متر باز باشد یا پنکه‌های خنک‌کننده کار کنند، میزان دی‌اکسیدکربن داخل گلخانه به اندازه محیط است؛ یعنی حدود ۳۳۰ ppm. زمانی هم که دستگاه‌های تهویه کمتر از ۵ سانتی‌متر باز باشد، می‌توان میزان دی‌اکسیدکربن را تا ۱۰۰۰ ppm تنظیم کرد و افزایش داد.

در مناطق گرم، یعنی جاهایی که برای خنک‌کردن گلخانه در تابستان، دستگاه‌های خنک‌کننده به‌طور مداوم کار می‌کنند، به سیستم مخصوصی احتیاج است تا بتوان در فصل تابستان، دی‌اکسیدکربن بیشتری به محیط گلخانه تزریق کرد. با بهره‌گیری از تزریق دی‌اکسیدکربن به‌منظور تحریک گیاهان و افزایش رشد آن‌ها، در برخی از گیاهان، لازم نیست برنامه‌ها و تقویم زمانی کشت تغییر کند. از سویی،

کشورهای انگلستان و هلند در عرض جغرافیایی ۵۰ درجه شمالی‌اند. به‌دلیل نور کم، کشت و پرورش کاهوی زمستانه در این کشورها، در مقایسه با کشورهایی مانند اسپانیا و بخش‌های جنوبی ایالات متحده آمریکا، بازدهی فتوسنتزی کمتری دارد؛ زیرا افزایش فرایند فتوسنتز بیش از دی‌اکسیدکربن، به نور نیازمند است. طبق پژوهشی، افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن تا ۱۶۰۰ ppm باعث افزایش ۳۱ درصدی محصول کاهو شده است. در پژوهشی دیگر، این میزان دی‌اکسیدکربن ۲۰ درصد در پیش‌رسی محصول مؤثر بوده است.

در نقاط مختلف دنیا، تزریق حدود ۱۰۰۰ ppm تا ۱۵۰۰ ppm گاز دی‌اکسیدکربن به گلخانه‌ها متداول است. غلظت‌های زیاد دی‌اکسیدکربن ممکن است تأثیراتی منفی در سلامت انسان بگذارد؛ اما این میزان معمولاً برای سلامتی انسان زیان‌آور نیست.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که با تأمین ۱۰۰۰ ppm گاز دی‌اکسیدکربن برای گوجه‌فرنگی، محصول این گیاه تا ۴۸ درصد افزایش می‌یابد. همچنین، تزریق همین مقدار دی‌اکسیدکربن موجب افزایش ۲۳ درصدی وزن محصول خیار در کشور انگلستان شده است. البته غلظت زیاد دی‌اکسیدکربن در گلخانه گیاه را مسموم می‌کند. همچنین، سبب کلروزه شدن بین‌رگ‌برگ‌ها و نکروزه شدن برگ‌ها می‌شود. در نهایت هم میزان محصول را کاهش می‌دهد.

تزریق دی‌اکسیدکربن از سویی تعداد شاخه‌های رویشی گل سرخ را می‌کاهد. از سوی دیگر، طول و وزن ساقه و نیز تعداد گل‌برگ‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین، طول دوره محصول‌دهی در زمستان را کم می‌کند. یک آزمایش دیگر در ماساچوست که در عرض ۴۲ درجه شمالی است، نشان می‌دهد که افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن به ۱۰۰۰ ppm، وزن رز شاخه‌بریده را ۵۳ درصد افزایش می‌دهد. افزودن دی‌اکسیدکربن در محل پرورش گل داوودی باعث می‌شود گیاه زودتر گل کند. همچنین، سبب می‌شود ساقه‌های گل دهنده ضخیم شوند و ارتفاعشان افزایش یابد.

زمان گل‌دهی تحت‌تأثیر طول روز است؛ از این‌رو با تنظیم برنامه و نیز با افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن در محیط گلخانه، می‌توان زمان گل‌دهی را به‌مدت دو هفته جلو انداخت. در حالت طبیعی، دوره گل‌دهی بین ۱۲ تا ۱۶ هفته پس از رویش آغاز می‌شود. تزریق دی‌اکسیدکربن سبب می‌شود



پرورش دهندگان به علت رشد کم گیاه در زمستان، کود کمتری مصرف می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن باعث تحریک و افزایش رشد گیاه می‌شود؛ در نتیجه ممکن است نشانه‌های کمبود بعضی از عناصر در گیاه ظاهر شود.

حرارت نیز یکی دیگر از عوامل محدودکننده است. تأمین درجه حرارت مطلوب برای رشد عاملی مهم و اساسی به شمار می‌رود؛ یعنی قبل از تزریق دی‌اکسیدکربن باید دمای لازم برای رشد گیاه فراهم شود. افزایش درجه حرارت روزانه همراه با افزودن غلظت دی‌اکسیدکربن بسیار مفید است؛ اما افزایش دمای شبانه اثری نخواهد داشت. سفارش کرده‌اند برای گل‌های رز دما ۶ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد. گزارش کرده‌اند که افزایش ۳ تا ۶ درجه سانتی‌گرادی دما در رشد انواع شمعدانی و گل میمون و داوودی مؤثر است. نیاز میخک افزایش دمایی در حدود ۵ درجه سانتی‌گراد است؛ زیرا میخک گیاه گلخانه‌های سرد است و طبق یافته‌ها، حداکثر درجه حرارت لازم برای رشد این گیاه ۲۰ درجه سانتی‌گراد است. برای سبزیجات مانند گوجه فرنگی، کاهو، خیار و فلفل می‌توان حرارت را حدود ۳ تا ۵ درجه سانتی‌گراد افزایش داد. پرورش دهندگان باید از تمیز بودن شیشه‌های پوشش گلخانه کاملاً مطمئن باشند. میزان مقاومت گیاه در برابر نور را هم در نظر بگیرند. پس از آن، دی‌اکسیدکربن تزریق کنند.

در گیاهان در زمستان در ۳۰۰ ppm غلظت CO₂ تا ۱۰۰ وات بر مترمربع، سرعت جذب CO₂ افزایش می‌یابد و از ۱۰۰ وات به بالا تأثیری بر جذب آن ندارد؛ برای نمونه روی خیار آزمایش کردند. نمودار بالا نشان می‌دهد که رشد خیار و تولید محصول آن با سه عامل شدت نور و میزان دی‌اکسیدکربن و حرارت محیط ارتباط مستقیم دارد؛ چنان‌که وقتی شدت نور از ۱۰۰۰۰ لوکس به ۴۰۰۰۰ و سپس ۸۰۰۰۰ لوکس افزایش می‌یابد و هم زمان دما نیز تا ۳۵ درجه زیاد می‌شود، جذب دی‌اکسیدکربن هم افزایش می‌یابد؛ به عبارتی اگر میزان دی‌اکسیدکربن را در گلخانه زیاد کنیم، حتماً باید مقدار نور را هم افزایش دهیم تا جذب دی‌اکسیدکربن بیشتر شود. بدون افزایش شدت نور، افزایش دی‌اکسیدکربن معنا ندارد؛ در واقع انرژی نورانی در دمای مناسب، مقدار ATP را افزایش می‌دهد. افزایش ATP نیز قابلیت جذب گاز دی‌اکسیدکربن محیط را برای

گیاه فراهم می‌کند.

دمای مناسب در واکنش گیاه به جذب دی‌اکسیدکربن تأثیر چشمگیری می‌گذارد. افزایش دمای روزانه و تأمین دی‌اکسیدکربن، با هم، طول ساقه گل داوودی را بلندتر و وزن تر این گیاه را بیشتر می‌کند. این افزایش بیش از زمانی است که هریک از این عوامل به تنهایی در اختیار گیاه قرار گیرد.

* افزایش دما در شب، در واکنش گیاه به تأمین دی‌اکسیدکربن تأثیر بسیار اندکی دارد. نتایج پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که با افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن، درجه حرارت بهینه برای رشد گیاهان در روز هم باید افزایش یابد. تخمین زده‌اند در صورتی که دی‌اکسیدکربن تکمیلی در دسترس گیاه قرار گیرد، دمای روزانه هم باید به اندازه ۵ تا ۱۰ درجه فارنهایت افزایش یابد. نتیجه منطقی افزایش دمای روزانه این است که می‌توانیم تجدیدها را قطع کنیم و دوره غنی‌سازی را تمدید کنیم.

* تأثیر دی‌اکسیدکربن تکمیلی به استمرار و غلظت آن و زمان رشد وابسته است. در نهال‌های بذری، در مقایسه با زمانی که این نهال‌ها در محیط بیرون‌اند، به‌کارگیری دی‌اکسیدکربن تکمیلی زمان نشاکاری‌شان را کاهش می‌دهد. همچنین، انباشتگی ماده خشک را افزایش می‌دهد و اندازه برگ‌ها را بزرگ‌تر می‌کند. در آزمایشی روی گیاه بگونیا، با اندازه‌های مختلف دی‌اکسیدکربن و نور مصنوعی در گلخانه، نتایج شگفت‌انگیزی به دست آمده است. اگر بگونیا در معرض ۹۷۰ ppm دی‌اکسیدکربن و نور ملایم و دمای زیاد، یعنی ۲۷ درجه سانتی‌گراد قرار گیرد، برداشت نشا چهار هفته طول خواهد کشید. در مقایسه با نمونه‌هایی که به آن دی‌اکسیدکربن اضافه نکردند، این نتایج نشان‌دهنده ۴۷ درصد کاهش زمان لازم برای برداشت نشا است. آزمایش مشابهی بر روی گل شمعدانی و بنفشه فرنگی نیز نشان داده است، در صورتی که دی‌اکسیدکربن به میزان ۱۰۰۰ ppm در دسترس گیاه قرار گیرد، زمان لازم برای برداشت نشا دو هفته کاهش خواهد یافت. در تأمین دی‌اکسیدکربن، زمان‌سنجی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا واکنش گیاهان جوان به تأمین دی‌اکسیدکربن بسیار متفاوت است.

* در ارتباط با تأثیر نور در فرایند فتوسنتز باید گفت که هر گیاهی به اندازه معینی از نور واکنش نشان می‌دهد.



این تحقیقات نشان داد حتی اگر میزان دی‌اکسیدکربن هوا هیچ‌گونه تغییری نکند، هنگامی که سرعت باد از ۱۰ سانتی‌متر در ثانیه به ۱۰۰ سانتی‌متر افزایش یابد، میزان فتوسنتز نیز تا ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت (حسن‌پور، ۱۳۸۵)؛ بنابراین جریان دائمی هوا در طول روز، به‌ویژه در زمستان که درجه‌های گلخانه بسته‌اند، کمک مؤثری به افزایش رشد گیاهان گلخانه‌ای خواهد کرد؛ بدین منظور نصب فن‌های سیرکوله برای به‌جریان‌انداختن هوا درون گلخانه کاملاً ضروری است. این فن‌ها را در سقف گلخانه نصب می‌کنند. روشن‌بودن این فن‌ها در روزهای کاملاً آفتابی و پرنور تأثیر بسیار مطلوبی در رشد و تولید محصول خواهد داشت.

هنگامی که هوا سرد و ابری است، میزان فتوسنتز کاهش می‌یابد؛ پس باید فن‌ها را خاموش کرد. البته نکته این است که شب‌ها ایجاد جریان هوا با فن‌های سیرکوله برای افزایش میزان دی‌اکسیدکربن نیست؛ زیرا گیاهان در طول شب از دی‌اکسیدکربن استفاده نمی‌کنند. استفاده از این فن‌ها در شب، فقط برای یکنواخت‌کردن دمای گلخانه است.

منابع

۱. ابوطالبی، عبدالحسین، ۱۳۸۵، فیزیولوژی پس از برداشت پیشرفته، جزوه درسی دانشگاه آزاد واحد جهرم.
۲. ۱۳۸۴، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت زراعت، دفتر سبزی و صیفی.
۳. پاول، وی. ن، ۱۳۷۴، مدیریت گلخانه، به ترجمه منصور عبایی و علی وزوایی، ج ۲، تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، ص ۵۱ تا ۶۵.
۴. حجازی، ی، ۱۳۶۲، تکنیک‌های کنترل عوامل محیطی در ازدیاد و پرورش نباتات، ص ۳۹۱.
۵. حسن‌پور، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، سبزی‌کاری خصوصی، جزوه درسی دانشگاه آزاد واحد جهرم.
۶. حسندخت، محمدرضا، ۱۳۸۴، مدیریت گلخانه: تکنولوژی تولید محصولات گلخانه‌ای، ج ۱، تهران: مرز دانش، صص ۳۲ تا ۴۱.

منابع لاتین

1. Anon. 1986. Carbon dioxide: Documentation of the threshold limit values and bio logical exposure. Indices. Amer. Conf. Govt. Industrial Hygienists, pp. 102 – 103. Cincinnati, Oh.
2. Blom, T. w. straver, and F.J. ingratta. 1984. using carbon dioxide in green houses. Ontario ministry of Agr. And food. Fact sheet 290-27.
3. Holly. W. D., K. I. Golds berry, and C. Juengling. 1964. 1964. Effects of CO2 concentration and temperature on carnations. Colorado Flower Growers Assoc. Bul 174: 1 – 5.
4. PaPadopoulos A.P.1991. Growing greenhouse seedless tomatoes insole and in soilless media, PP.15.
5. PaPadopoulos A.P. 1994. Growing greenhouse seedless cucumbers in soil and in soilless media, PP.17.

اگر نور از این اندازه معین بیشتر باشد، فتوسنتز افزایش نمی‌یابد. این مقدار را «نقطه اشباع نور» می‌نامند. در زمان افزایش نور از اندازه‌های کم تا نقطه اشباع، اگر دی‌اکسیدکربن تکمیلی به محیط پرورش گیاه اضافه شود، فتوسنتز هم افزایش خواهد یافت.

* درحقیقت، با افزودن دی‌اکسیدکربن، محیط گلخانه را غنی سازی می‌کنیم. این کار رشد گیاهان را در بیشتر موقعیت‌ها افزایش می‌دهد؛ به‌جز مواقعی که نور در کمترین اندازه خود است. اضافه‌کردن نور و تأمین دی‌اکسیدکربن، باهم، برای بهبود رشد گیاه بسیار مناسب است. اضافه‌کردن نور تکمیلی بیشتر از تزریق دی‌اکسیدکربن در رشد گیاه تأثیرگذار است؛ اما پیشرفت کامل زمانی به‌دست می‌آید که این دو عامل را باهم به‌کار بگیریم.

دی‌اکسیدکربن و مواد غذایی لازم برای رشد

تأمین دی‌اکسیدکربن در محیط آفتابی و همچنین، افزایش مواد مغذی در دسترس گیاه، رشد آن را سرعت می‌بخشد. در مقابل، غلظت کم مواد غذایی در محیط کشت موجب می‌شود میزان فتوسنتز و رشد گیاه کاهش یابد. هنگامی که دی‌اکسیدکربن را غنی‌سازی می‌کنند و به‌ویژه، هنگامی که از نور تکمیلی هم استفاده می‌کنند، کمبود مواد غذایی به‌سرعت رخ می‌دهد. باور عمومی هم بر این است که همراه با غنی‌سازی دی‌اکسیدکربن، میزان کوددهی را نیز باید افزایش داد. آزمایش‌های مختلف نشان داده است که در این حالت، محیط کشت به‌سرعت دچار کمبود برخی مواد غذایی می‌شود. بهترین توصیه این است که پرورش دهندگان از نمایشگرهای نشان‌دهنده میزان مواد غذایی در خاک و بافت‌های گیاه استفاده کنند. سپس، برنامه‌های کوددهی خود را بر اساس نتایج آن تنظیم کنند.

تأثیر تهویه در فراهم‌کردن دی‌اکسیدکربن در گلخانه

میزان دی‌اکسیدکربن موجود در سلول‌های برگ با توجه به مقدار دی‌اکسیدکربن موجود در هوای در دسترس گیاهان کم و زیاد می‌شود. هنگامی که هوا جریان نداشته نباشد، دریافت دی‌اکسیدکربن کند می‌شود. مشکل همگانی تولید در زمستان نیز همین نبود جریان هوا در گلخانه‌هاست. این مشکل سبب می‌شود دی‌اکسیدکربن در سطح برگ و سلول‌های آن کاهش یابد؛ درحالی‌که ممکن است این گاز به وفور در هوای گلخانه وجود داشته باشد.

P. Jaustra در سال ۱۹۶۳م در هلند تحقیقاتی انجام داد. نتایج

شرایط عمومی پیمان در وضعیت انجام نامناسب تعهدات از سوی کارفرما در پروژه‌های عمرانی

دکتر هومن دامن‌گیر
کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه و ساختمان

هزینه‌های اجرای پروژه را نیز به‌طور قابل اطمینان «پادار» می‌کند. سپس، به‌دنبال شرکتی پیمانکاری می‌گردد که سازمان برنامه و بودجه صلاحیتش را تشخیص داده باشد و تأیید کرده باشد. با آن قرارداد می‌بندد و درنهایت، پروژه را اجرایی می‌کند؛ درحالی‌که گاهی پروژه‌هایی را به‌مناقصه می‌گذارند یا حتی قرارداد پیمانکاری آنها را می‌بندند که فرایند طراحی فاز دو پروژه نیز به‌اتمام نرسیده است؛ یعنی فاقد نقشه و برنامه اجرایی کافی است یا پشتوانه مالی مطمئن ندارد؛ در واقع کارفرما با ملاحظات غیرفنی، مجموعه فنی‌مهندسی خود و شرکتهای طرف قرارداد را به ورطه مشکلاتی می‌کشاند که از این اقدام ناشی می‌شود.

پس از انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور در بازه‌ای عملاً جایگزین آن شد. این سازمان در بخش‌نامه قراردادهای سرجمع، به‌شماره ۱۰۰/۶۴۰۵ و به‌تاریخ ۸۹/۲/۴، به‌دلیل ماهیت سرجمع قرارداد و تصریح بر نپرداختن تعدیل آحاد بها در ماده هفتم موافقت‌نامه قراردادهای مذکور، انجام مناقصه و عقد قرارداد پیمانکاری در غیاب تأمین منابع مالی مطمئن و نقشه‌های جامع‌موانع را مصداق تخلف دستگاه اجرایی دانست؛ اما در این میان، مشخص نکرد که تکلیف شرکتهای پیمانکاری زبان‌دیده از تخلفات مذکور چیست. در این مواقع، شیوه متداول چنین است که به‌درازا کشیده‌شدن پروژه به‌دلیل تأدیه‌نکردن به‌موقع تعهدات مالی کارفرما در چارچوب اسناد مالی تأییدشده در قالب بند نهم ماده ۳۰ و نقص در نقشه‌های اجرایی اولیه در قالب بندهای دوم و سوم همان ماده، در شرایط عمومی پیمان لحاظ می‌شود. در بندهای مذکور از ماده ۳۰، ناتوانی کارفرما در انجام تعهدات مالی قراردادی در مواعدهای مقرر در اسناد و مدارک پیمان و نیز تغییر اساسی نقشه‌های اجرایی و مشخصات فنی پروژه، مبتنی بر دستور مهندس مشاور یا کارفرما را به‌رسمیت شناخته‌اند و موارد مجاز تلقی‌شدن تأخیرات پیمانکار در پروژه را اعلام کرده‌اند.

شرایط عمومی پیمان متنی است که توسط سازمان برنامه و بودجه کشور تهیه شده و تقریباً در نیم قرن گذشته به عنوان یکی از سه بخش اصلی قراردادهای پروژه‌های عمرانی، که میان دستگاههای اجرایی دولتی یا بخش عمومی غیردولتی و پیمانکاران تشخیص صلاحیت شده توسط سازمان برنامه و بودجه منعقد گردیده، سازگار کلی حاکم بر روابط طرفین را تنظیم کرده است.

متنی که امروزه آن را «شرایط عمومی پیمان» می‌نامند، بخشی جدایی‌ناپذیر در قراردادهای پروژه‌های عمرانی ملی و نیز بخش عمومی غیردولتی است. شرایط عمومی پیمان پنجاهوچهار ماده دارد. این ماده‌ها را در پنج فصل دسته‌بندی کرده‌اند. فصل سوم از ماده ۲۸ تا ماده ۳۳ را در بر می‌گیرد. این فصل به موضوع اختیارات و تعهدات کارفرما اختصاص یافته است. در ماده‌های ۲۹ و ۳۰ به اختیارات کارفرما در خصوص تغییر مقدار کار و تغییر مدت پیمان پرداخته‌اند. در ماده ۳۱ تا ۳۳ نیز اختیارات کارفرما در شیوه نظارت بر اجرای پروژه و مدیریت آن را بررسی کرده‌اند. فقط در ماده ۲۸ در خصوص تعهدات کارفرما بحثی به‌میان آمده است. در آن، کارفرما متعهد می‌شود که کارگاه را بی‌عوض و بدون معارض، حداکثر سی روز پس از تاریخ مبادله پیمان، به پیمانکار تحویل دهد. همچنین، تعهد می‌دهد چنانچه جزء یا کل کارگاه را سروقت به پیمانکار تحویل ندهد و در نتیجه پیمانکار هم نتواند کار را طبق زمان‌بندی و برنامه تفصیلی‌اش به‌انجام برساند، باید مبلغی که برای جبران خسارت تأخیر در نظر گرفته‌اند، به پیمانکار بپردازد؛ درعینحال پرداخت خسارت تأخیر تحویل کارگاه مشروط است به اینکه مهندس مشاور تأیید کند که پیمانکار در محلهای تحویل‌داده‌شده تأخیر غیرمجاز نکرده است.

متن شرایط عمومی پیمان را به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که خوانندگان از آن چنین برداشت می‌کنند: کارفرما از پیش، نقشه‌های اجرایی پروژه را آماده می‌کند. بودجه مربوط به



تأدیه نکردن به موقع تعهدات مالی قراردادی یا سایر کاستی‌های مربوط به کارفرما در سازکار قراردادهای مذکور است.

افزایش چشمگیر تعداد و مبلغ قراردادهای فاقد تعدیل در سالهای اخیر از یک سو و متداول شدن رویه به موقع تأدیه نکردن تعهدات مالی قراردادی کارفرما از سوی دیگر، ظرفیت بروز اختلاف میان پیمانکاران و کارفرماهای پروژه‌های عمرانی را افزایش داده است؛ در عین حال، تداوم رویه مذکور آسیب‌دیدگی شرکت‌های پیمانکاری تشخیص صلاحیت شده توسط سازمان برنامه و بودجه و استهلاک و افت روزافزون توان مالی و فنی آنها را در پی خواهد داشت که این امر با اهداف و مقاصد سازمان برنامه و بودجه که برنامه‌ریزی و تقویت ابزارها و سازکارهای لازم به منظور نیل به توسعه متوازن کشور است، در تعارض به نظر می‌رسد.

بر این اساس، به منظور تطبیق مندرجات فصل سوم شرایط عمومی پیمان با واقعیت‌های حاکم بر روابط کنونی کارفرما و پیمانکار که نتیجه اولیه آن کاهش احتمال بروز اختلاف میان دو طرف است و نتیجه نهایی آن منطقی‌سازی فضای حاکم بر روابط دو طرف قرارداد در پروژه‌های عمرانی است، بازنگری بخش تعهدات کارفرما و تشریح تبعات مالی سایر کاستی‌های مربوط به کارفرما از جنبه‌های دیگر، به جز آنچه در ماده ۲۸ شرایط عمومی پیمان درج شده است، ضروری به نظر می‌رسد.

در قراردادهای واجد تعدیل قیمت قرارداد، مجاز تلقی شدن تأخیرات پیمانکار، در چارچوب صورت وضعیت‌های تعدیل تنظیمی، آثار مالی دارد؛ هرچند بعضاً به دلیل تقریبی بودن شاخص‌های تعدیل ابلاغی و عدم تناسب آنها با واقعیت‌های بازار، مبالغ مربوط به صورت وضعیت‌های تعدیل، همه هزینه‌های اضافی تحمیل‌شده به پیمانکار، ناشی از به‌درازا کشیده شدن مدت پیمان را پوشش نمی‌دهد. این در حالی است که در قراردادهای فاقد تعدیل قیمت قرارداد، نظیر قراردادهای سرجمع منعقدشده، بر اساس بخشنامه‌ای که به آن اشاره کردیم، اساساً مقوله تعیین آثار مالی ناشی از مجاز تلقی شدن تأخیرات پیمانکار در هاله‌ای از ابهام است. نمی‌توان آن را به شیوه‌های متعارف برآورد کرد و معمولاً به دلیل پرهیز از بروز اختلاف به دست فراموشی سپرده می‌شود.

تجربه دستگاه‌های عمومی در عقد قراردادهای سرجمع فاقد تعدیل، با حفظ چارچوب‌های مندرج در شرایط عمومی پیمان و به تبع آن، قراردادن بخش اعظم آثار مالی ناشی از افزایش قیمت‌ها در مدت پیمان و تأخیرات پروژه به عهده پیمانکار، به اندازه‌ای جذاب بوده است که بخش نیمه‌دولتی نیز در قالب شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگ به عقد این نوع قراردادها به شدت علاقه مند شده است. یکی از دلایل اصلی این علاقه‌مندی، شفاف نبودن مسئولیت کارفرما در خصوص آثار مالی مجاز تلقی شدن تأخیرات پیمانکار، ناشی از

قضا از دایمی

عبداله محمدی

رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی فیروز آباد

مقدمه

مصروف دادرسی‌هایی می‌شود که شاید رسیدگی به آن‌ها برای جامعه به‌مصلحت نباشد.

همواره دستگاه رسمی عدالت کیفری دارای چالش‌ها و معضلات زیادی بوده و هست؛ ولی دستگاه عدالت در کشور ما گوی سبقت را ربوده است و به‌نحو وحشتناکی، از بیشتر کشورها فاصله گرفته است که البته این معضلات از منظر جرم‌شناختی تنها مربوط به خود دستگاه عدالت نمی‌شود. بلکه تمام مجموعه‌ها اعم از قوه تقنینی و اجرایی نیز در این امر سهیم می‌باشند.

مشکلات موجود در دستگاه رسمی عدالت، تورم کیفری (قوانین، جمعیت کیفری)، اطالۀ دادرسی، دادرسی‌های پرهزینه، افزایش پرونده‌های کیفری، تکرار جرم و جرم انگاری زیاد مفاهیم و موضوعاتی که از نظر عموم شاید بزه تلقی نشوند، موجب اطالۀ دادرسی و افزایش پرونده‌های کیفری در دادسراها و محاکم است. یکی از چالش‌های مهم دستگاه قضایی، بار سنگین و تعداد زیاد پرونده‌های کیفری است که موجب قرارگرفتن مراجعین و بزه‌دیدگان در فرایند طولانی تعقیب و تحقیق و دادرسی می‌شود و از طرف دیگر، عدم اطلاعات حقوقی و ناآگاهی آن‌ها به حداقل حقوق قانونی خود، مزید علت شده و به مشکلات افزوده است. حجم پرونده‌ها در دستگاه عدالت به‌حدی است که فرصت هرگونه دقت، مطالعه و پژوهش را از مقام تعقیب گرفته است و حتی مقامات تعقیب قضایی و قضات را خسته نموده است. نگارنده در خلال رسیدگی قضایی، با پرونده‌های کیفری‌ای مواجه بوده است که حتی در فاصله زمانی هفت‌ساله منجر به صدور حکم نگردیده است و همچنان متهم به‌انتظار حداقل تعیین تکلیف (صدور حکم) می‌باشد.

اینجا بحث کل جامعه مطرح است. نه بزه‌دیده در یک زمان مطلوب به حق خود می‌رسد و نه بزه‌کار به بازپروری و بازتوانی رسیده و جامعه هم دچار خسارت و زیان فراوان گردیده و مجریان دستگاه عدالت هم خسته و ملول از حجم زیاد پرونده‌ها، حتی فرصت پژوهشی حقوقی را ندارند.

امروزه، افزایش ورودی پرونده‌های کیفری به دستگاه‌های قضایی بر کسی پوشیده نیست. تعداد آن‌ها با توجه به معضلات اجتماعی اقتصادی کشور، هر سال روبه‌فزونی است و شاید یکی از علت‌های مهم این امر، جرم‌انگاری بی‌مورد خیلی از مفاهیم و موضوعات در جامعه و در نظر نگرفتن مفاهیم جرم و گناه و تفکیک آن‌کردن آن دو از هم است. کثرت پرونده‌های کیفری تبعات منفی زیادی برای جامعه دارد و این تبعات مشمول بزه‌کار، بزه‌دیده و مجریان دستگاه عدالت شده و اشتباهات قضایی را افزایش می‌دهد. همچنین، باعث اطالۀ دادرسی شده و نارضایتی مراجعین به دستگاه عدالت را به‌دنبال خواهد داشت.

در اغلب نقاط دنیا، حتی در هندوستان هم تعدد پرونده‌های قضایی به‌میزانی که در کشور ما وجود دارد، دیده نمی‌شود. فقط کثرت پرونده‌ها در کشور ما قابل توجه نیست؛ بلکه تعدد قضات هم قابل توجه است. در هندوستان با یک میلیارد جمعیت، ۲۶ نفر قاضی در دیوان عالی کشور حضور دارد و در ایران با ۷۰ میلیون نفر جمعیت، ۱۷۰ قاضی در دیوان عالی کشور می‌باشد. تعداد کم پرونده‌ها در کشورهای دیگر باعث می‌شود که قضات با فکری آزاد در مورد پرونده تصمیم بگیرند؛ این در حالی است که در کشور ما هر دایر ماهانه به ۲۰۰ پرونده رسیدگی می‌کند (شیدائیان، ۱۳۸۳: ۷۳).

دستگاه عدالت کیفری به‌لحاظ فرایند رسیدگی و پروسۀ طولانی آن در بخش‌های مختلف، دادسرا، دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور نیاز به تعداد زیاد نیرو، امکانات و تجهیزات لازم در کل کشور دارد و علاوه بر آن، جهت رسیدگی به پرونده‌ها، مراجعین هم می‌بایست هزینه‌ای به نام هزینه دادرسی پرداخت نمایند و اگر خسارات و هزینه‌های غیرمستقیم دیگر از جمله هزینه وکلا و کارشناسان را به آن اضافه کنیم، می‌بینیم که منابع مالی کشور به چه میزان صرف دادرسی می‌شود و در بعضی مواقع، این هزینه‌ها



از نظر کمیته اروپایی ویژه مسائل کیفری، قضاودایی عبارت است از جلوگیری از تعقیب یا متوقف ساختن آن با توسل به روش‌های غیرکیفری، هنگامی که نظام عدالت کیفری به طور قانونی برای رسیدگی صلاحیت دارد (European committee on problems, pp, 17 & 18؛ نقل در: فروغی فر، ۱۳۸۶: ۱۹۰). جرم‌زدایی و کیفرزدایی به‌خصوص حبس‌زدایی مقدمه قضاودایی هستند و بدون تحقق آن‌ها، قضاودایی قابل دسترسی نیست (عبدالکریمی، ۱۳۸۸: ۳۸۲).

جرم‌زدایی یعنی زدودن برچسب و عنوان مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار که در قانون واجد وصف مجرمانه شده است (موسی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۳۲) و کیفرزدایی عبارت از «جرم زدایی ناقص یعنی مداخله تدابیر اجتماعی به جای کیفر است؛ هرچند که عمل مجرمانه باشد و علی‌رغم جرم زدایی از رفتار، یک نوع ضمانت اجرای غیرکیفری برای مرتکب در نظر می‌گیرند که اعمال و اجرای آن، به جای قاضی، به‌عهده مقامات اداری و انتظامی می‌باشد (همان).

اهمیت قضاودایی از منظر جرم‌شناختی و حقوق کیفری

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، دستگاه رسمی عدالت کیفری دارای چالش‌ها و معضلات زیادی است و بی‌شک جهت برون‌رفت از این مشکلات، دستگاه رسمی عدالت ناچار است که از آخرین یافته‌های جرم‌شناسی روز دنیا بهره گرفته و به فکر چاره‌جویی باشد.

نظام‌های حقوقی دنیا، به‌خصوص کشورهای غربی، در اثر افکار و اندیشه‌های نو مطرحه در قرن بیستم، به‌خصوص نیمه دوم آن، تحت تأثیر جریان‌ات اصلاحی قرار گرفتند که یکی از این حرکت‌ها قضاودایی است (عبدالکریمی، ۱۳۸۸: ۳۸).

رویکرد مهم جرم‌شناسان و دستگاه‌های عدالت کیفری در جهت امر قضاودایی و فاصله‌گرفتن از سیستم سنتی عدالت رسمی کلاسیک که شامل سیستم سزادهنده و بازپرورانه بود، اقبال به سیستم مصلحت‌گرایی در مقام تعقیب و رسیدگی است.

تحت تأثیر این رویکرد بود که اصطلاحات زیادی از جمله «عدالت جامعوی»، «عدالت محلی»، «عدالت غیررسمی»، «عدالت سبز»، «عدالت عقلانی»، «عدالت انسانی و مردمی»، «عدالت کیفری جانشین» و «عدالت بزه‌دیده‌مدار» مطرح شد که رسمی‌ترین و متداول‌ترین اصطلاح «عدالت ترمیمی» بود.

در این اثنا، مدیران و مسئولان تصمیم‌گیر نیز باتوجه به حجم زیاد این مشکلات، با درنظرگرفتن سیاست آماری و ترغیب قضات، سعی در حل معضلات با ازبین‌بردن اطاله دادرسی به‌عنوان حداقل راه‌حل نموده‌اند که به‌نظر نگارنده، این سیاست بر چالش‌ها و معضلات موجود افزوده است و باتوجه به خروجی کار و آثار آن، جز تزلزل آرا، عدم استدلال و اتقان احکام و تضييع حقوق مردم نتیجه دیگری در بر نداشته است.

امروزه، دستگاه قضایی تاوان نظام بروکراتیک (کاغذبازی اداری) و عملکرد نامطلوب مقامات اجرایی را می‌دهد و نگارنده در این مقوله سعی دارد از شیوه معلوم و مرسوم ساختار نوشتاری سایر مقالات فاصله گرفته و در بخش پیشنهادات و نتیجه‌گیری، پیشنهادات کاربردی را باتوجه به واقعیات موجود در دستگاه قضایی ارائه نماید.

مفهوم قضاودایی

پیش‌بینی راه‌حلی که فرصت حل و فصل دعاوی را خارج از قلمرو اقدامات دستگاه قضایی فراهم می‌سازد، از جلوه‌های سیاست کیفری به‌شمار می‌رود. از این کوشش که به‌منظور پرهیز از تماس بزه‌کاران با دستگاه عدالت کیفری صورت می‌پذیرد، به «غیرقضایی‌ساختن» تعبیر شده است.

مراد از قضاودایی، خارج‌ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم کیفری که معمولاً در صلاحیت مقامات قضایی است، از گردونه اقدامات رسمی است. این قطع و فصل ممکن است به‌شیوه‌های گوناگونی انجام گیرد؛ از قبیل بازجویی پلیسی، میانجیگری، مصالحه. نکته اساسی در این‌گونه اقدامات در برخی موارد، خارج ساختن رسیدگی به دعاوی از مدار عدالت کیفری و حتی از مداخله پلیس است؛ یعنی قطع و فصل دعوی به‌وسیله بخش اجتماعی (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

قضاودایی راهکاری است که برپایه آن از تماس برخی از بزه‌کاران با نظام عدالت کیفری جلوگیری می‌کنند و یکی از آثار آن به‌طور قطع کاهش حجم جمعیت زندان خواهد بود. گسترش عدالت ترمیمی و نهادهای محلی و جامعوی و میانجیگری و اقدام جهت ایجاد آشتی میان بزه‌کار و بزه‌دیده و ترمیم خسارت‌های ناشی از جرم، امروزه جایگاه ویژه‌ای در نظام جزایی یافته‌اند (داودی‌گرمارودی، ۱۳۸۶: ۶۱).



عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند، تا آنجا که امکان پذیر است، تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان پذیر است اقدام نمایند (غلامی، ۱۳۸۵: ۸).

عدالت ترمیمی که مبتنی بر مصلحت‌گرایی می‌باشد، مقام تعقیب را به عنوان مدعی‌العموم به مصلحت‌گرایی واداشته و باعث می‌شود که با توجه به شرایط جامعه و جهت پرهیز از معضلات سیستم عدالت کیفری دست به مصلحت‌سنجی بزند که آیا مصلحت در تعقیب پرونده‌های کم‌اهمیت و کم نمودن بار دستگاه عدالت کیفری از وجود این پرونده‌ها و تضمین بهتر خسارت بزه‌دیده و جامعه و بازپروری بزهکار از این فرایند است یا در عدم تعقیب (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۳۱) و بر اساس مصلحت‌گرایی است که مدعی‌العموم می‌تواند از قرار تعلیق تعقیب استفاده نموده و تعدادی از پرونده‌های کم‌اهمیت را از گردونه رسمی رسیدگی خارج نماید.

بر اساس نظریه جرم‌شناسی عقلانیت‌محور، دستگاه رسمی عدالت کیفری با محوریت قضاودایی، بالاخص کیفرزدایی، دست به سنجش زده و باز خورد اقدامات خود را بررسی می‌نماید که آیا قضاودایی به نفع دستگاه، جامعه، بزه‌دیده و بزهکار است یا به زیان اوست؟ ایده خارج نمودن یک سری پرونده‌ها از گردونه رسمی عدالت کیفری و پرهیز از اتلاف وقت، هزینه سنگین و نیروی انسانی و... ما را به فکر ایده سودمندی ژرمی بنتام می‌اندازد که حتی متهم نیز در هنگام ارتکاب جرم، سود و زیان خود را مورد سنجش قرار می‌دهد؛ ولی دستگاه متولی عدالت هم می‌تواند دست به سنجش بزند.

از جمله عیب‌های اساسی نظام عدالت کیفری رسمی آن است که مجرم پس از عبور از صافی‌های این نظام، برچسب مجرمانه خورده و به علت کارکرد و آثار روانی این برچسب زنی، پس از ورود به جامعه طرد شده و به حاشیه رانده می‌شود. از آن پس، مجرم شخصیت مجرمانه خود را پذیرفته و آن را ویژگی شخصیتی خود تصور کرده و در نتیجه، به نقش آفرینی به منزله مجرم ادامه می‌دهد؛ ولی افق‌های قضاودایی از جمله میانجیگری کیفری «خارج از دستگاه رسمی» متهم را از آثار نظریه برچسب‌زنی دور می‌کند.

یکی از مبانی مقوله قضاودایی، نظریه جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی است که در این رویکرد هزینه تشکیلات و سازمان‌هایی که برای کنترل جرم ایجاد شده‌اند، با هزینه برون‌داد آن مقایسه می‌شود تا مشخص شود هزینه‌های پرداخت‌شده برای میزان کنترل جرم معقول است یا خیر؟

چنانچه هزینه و فایده متناسب نباشد، جرم‌شناسی به کم کردن بار دستگاه عدالت کیفری روی می‌آورد که یکی از راه‌های کم کردن بار دستگاه عدالت کیفری، خروج از فرایند کیفری از طریق اصل اقتضا می‌باشد (شیدائیان، ۱۳۸۳: ۱۶۸). به‌طور کلی جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی به عملکرد تمام قوا از جمله قوه تقنینی در خصوص جرم‌انگاری بیهوده و خیلی از مباحث غیر ضرور و همچنین عملکرد دستگاه رسمی عدالت در مقام تعقیب و دادرسی و نحوه نگارش مقام تعقیب و دادرس به مقوله تعلیق تعقیب، تعویق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و... نیز می‌پردازد؛ بنابراین به طور کلی دستگاه‌های رسمی عدالت کیفری در تمام دنیا و بالاخص کشور ما، ناچار از پذیرفتن یافته‌های نوین جرم‌شناسی و مکاتب فوق در این خصوص می‌باشند.

پیشنهادات تقنینی و اجرایی

۱. قانونگذار کیفری نباید با ایده قیم‌مآبی و اخلاق‌گرایی، از طریق جرم‌انگاری برخی از اعمال، وارد حوزه‌های رفتار افراد گردد که حاصلی جز اختلاط میان جرم و گناه یا اختلاط میان انحراف و جرم وجود ندارد (عموزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۸):

۲. یکی از معضلات موجود آن است که اقدامات و عملکرد و سیاست آماری پلیس به عنوان ضابط عام دستگاه قضایی، خود «جرم‌زا» است و این سیاست به نحوی است که طبق سلسله‌مراتب فرماندهی در این نیرو، فرماندهی شهرستان‌ها در مقابل استان مربوطه و استان در مقابل فرماندهی نیرو می‌بایست ماهانه آماری که حاوی کشفیات مواد، منافی عفت، اعتیاد و هزاران عنوان دیگر باشد، به مافوق خود گزارش نماید و این نسخه آماری بیانگر درایت، مدیریت، عملکرد و حتی ملاکی برای تشخیص اختصاص بودجه و نیرو به آن یگان می‌باشد که متأسفانه نیروی انتظامی جهت ارائه آمار، فضای آرام جامعه را عملاً به هم زده و با اقدام

۱. فیلسوف و حقوق‌دان و اصلاحگر اجتماعی انگلیسی در سده ۱۸ و ۱۹م



فرزندان که مقدمه آن دعوی اثبات نسب می‌باشد که به نظر می‌رسد در اینجا قوه تقنینی باید راهکاری در نظر گرفته و قانونی تصویب شود که لااقل درج مشخصات والدین در سند سجلی فرزندان و بالعکس و موضوعات مشابه در خود اداره ثبت احوال انجام پذیرد:

۷. در خصوص ورود یک سری از پرونده‌ها به خواسته «صدور حکم رشد» پیشنهاد می‌گردد که قانونی تصویب شود که به‌طور قاطع و مشخص سنی به‌عنوان رشد (به‌طور ثابت) در نظر گرفته شود و نیازی به صدور حکم رشد از سن ۱۵ تا ۱۸ سال توسط محاکم نباشد:

۸. [در] پرونده‌هایی که با خواسته «الزام به ثبت واقعه نکاح دائم» در محاکم حقوقی مطرح می‌شود، می‌بایست راهکار تقنینی در نظر گرفته شود که دفاتر رسمی طلاق با ثبت اقرار طرفین و حضور دو شاهد (در صورت لزوم) این مورد را ثبت نموده و نیازی به رسیدگی در محاکم نباشد:

۹. راهکار تقنینی در نظر گرفته شود که در دعاوی تقسیم ترکه، در خصوص املاکی که سند رسمی ثبتی دارند، ادارات ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک متولی تقسیم آن شود و محاکم از پذیرفتن این‌گونه دعاوی خودداری نماید:

۱۰. صدور حکم تأمین خواسته (توقیف اموال) در خصوص اسناد تجاری و املاکی که سند رسمی ثبتی دارند، توسط محاکم ممنوع شود و راهکار تقنینی در نظر گرفته شود که صدور حکم فقط در دوائر اجرای ثبت محل انجام شود و در سایر موارد فقط به محاکم مراجعه شود:

۱۱. در خصوص جرائم مرتبط با محیط زیست، مثل شکار حیوانات و جانوران وحشی، بدون پروانه، راهکار تقنینی در نظر گرفته شود که گارد محیط زیست بدو تشکیل شده و کمیسیون یا حداقل نهاد شبه قضایی با حضور احدی از کارکنان اداری مطلع دستگاه قضایی، نه لزوماً قاضی تشکیل شود و به این‌گونه پرونده‌ها یا بخشی از این پرونده‌ها که مجازات سبک‌تری دارند رسیدگی نمایند:

۱۲. در خصوص برخی از جرائم مرتبط با منابع طبیعی که پیچیدگی کمتری دارند؛ مثل بوته‌کنی و قطع درختان، کمیسیون یا نهادینه قضایی مذکور در بند ۱۱ تشکیل شود تا شاهد ورود این‌گونه پرونده‌ها به دستگاه قضایی نباشیم:

۱۳. در خصوص برخی از جرائم مرتبط با بهداشت که ماهیت خیلی ساده دارند؛ مثل رهانمودن آب و فاضلاب خانگی در

خود که نتیجه آن ورود به حریم خصوصی افراد و تورم کیفری (جمعیت، پرونده) می‌باشد، نتیجه خاص دیگری در بر ندارد و می‌بایست در جلسات تعامل قضایی مدیران تصمیم‌گیر در رأس قوه قضاییه و مدیران کل استان‌ها با نیروی انتظامی، موارد را گوشزد نموده و نظارت بیشتری بر نیروی انتظامی از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط دارد، اعمال شود تا فضای آرام جامعه را با اقدام خود امنیتی جلوه ندهد و به تورم کیفری نیفزاید:

۳. تحولاتی در حوزه ثبت اسناد و املاک صورت گرفته است؛ ولی متأسفانه تاکنون املاک زیادی در سراسر کشور فاقد سند رسمی می‌باشند که همین امر باعث تورم کیفری (جمعیت کیفری، پرونده) و باعث اطاله دادرسی و صرف هزینه زیاد و اتلاف وقت می‌شود و در نهایت نارضایتی مراجعین را فراهم می‌آورد و دعاوی مرتبط با املاک فاقد سند رسمی ثبتی دارای گستردگی زیاد و شامل ادخال ید، خلع ید، اثبات مالکیت، افراز و... می‌گردد و می‌بایست در پروسه زمانی دوساله دستورات عملی صادر شود که دیگر ملکی بدون سند رسمی نباشد و اطلاع‌رسانی وسیع نیز از طریق رسانه جمعی و مطبوعات صورت پذیرد:

۴. بعضاً شاهد طرح دعاوی حقوقی هستیم که مدعی با گذشت ۲۰ سال، به‌عنوان نمونه با خواسته تقسیم ترکه مطرح می‌نماید که در این خصوص می‌بایست طرح این‌گونه دعاوی و سایر دعاوی مشابه را منوط به مرور زمان، مثلاً ۷ سال نمود؛ زیرا ادر ا طرح دعوی بیش از ۲۰ سال، آثار و دلایل اثبات دعوی به لحاظ فروش املاک و... از بین رفته و باعث اطاله دادرسی و تورم ورودی پرونده به دستگاه قضایی می‌باشد:

۵. هر روز در محاکم حقوقی و خانواده شاهد طرح دعاوی طلاق توافقی هستیم که به نظر می‌رسد چون طرفین به نحو کامل در این امر قبلاً به توافق رسیده‌اند، قانونی تصویب شود که دفاتر رسمی طلاق بتوانند بدون حکم دادگاه، این‌گونه طلاق‌ها را ثبت نمایند و فقط [در] موضوع طلاق یک‌طرفه به دادگاه مراجعه شود:

۶. طبق ماده ۹۹۵ قانون مدنی، هرگونه تغییر در مندرجات اسناد سجلی باید با اجازه دادگاه باشد که در این خصوص، روزانه شاهد ورود پرونده‌هایی هستیم مانند تغییر نام، الزام اداره ثبت احوال به تکمیل مشخصات والدین در سند سجلی



کوچه و خیابان یا نگهداری دام غیرمجاز در منزل مسکونی، کمیسیون مندرج در بند ۱۱ فوق حسب مورد تشکیل شود و فقط سایر جرائم زیست محیطی مهم به دادگاه ارجاع شود؛

۱۴. نهادهایی همچون تعلیق تعقیب، تعویق تعقیب، تعلیق اجرای حکم، آزادی مشروط، عفو، توبه و تخفیف مجازات مندرج در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، داوری و ترک تعقیب تأثیر بسزا و چشمگیری در کاهش تورم کیفری (جمعیت کیفری، پرونده‌ها) دارد که خوشبختانه در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری به نهادهای تعلیق تعقیب که فعلاً بین محاکم در عمل به آن اختلاف است یا تعویق تعقیب، به آن‌ها اشاره شده است که قوه تقنینی می‌بایست در تصویب نهایی، آن‌ها را مدنظر قرار دهد.

نتیجه

باتوجه به معضلات موجود، شاهد آن هستیم که در حوزه تقنینی، قضایی و اجرایی با مشکلات عظیمی در خصوص حجم پرونده‌ها به دستگاه قضایی مواجه هستیم و همایش‌های زیادی در کشور با موضوعات مشابه نیز صورت پذیرفته است؛ از جمله همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان که در ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ در شیراز به‌همت انجمن علمی دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و شیراز صورت پذیرفت که اساتید معظم نکات مهم و چالش‌ها را مطرح نمودند؛ ولی متأسفانه تاکنون به‌نحوه جامع و راهبردی از یافته‌های علمی و جرم‌شناسی استفاده نشده است و به‌نظر نگارنده، دستگاه رسمی عدالت می‌بایست تمام مشکلات و چالش‌ها را توسط کمیته‌ای که متشکل از قضات و حقوق‌دانان باشد، جمع‌آوری و از طریق تنظیم لوایح به قوه تقنینی ارسال کند و پیگیر مداوم خواسته خود باشد تا شاهد ارجاع حجم عظیم پرونده‌ها به دستگاه قضایی نباشیم.

منابع

۱. شیدائیان آرانی، مهدی، ۱۳۹۰، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس قم.
۲. صادقی، محمدهادی، ۱۳۸۴، «قضازدایی در حقوق جزایی اسلامی»، فصلنامه پژوهشی در زمینه علوم انسانی (الهیات و حقوق) دانشگاه علوم اسلامی رضوی، س ۵، ش ۶ و ۷.
۳. داودی‌گرمارودی، هما، ۱۳۸۶، «اندیشه‌های مجازات و عوامل مؤثر بر حجم کیفری»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۴. عبدالکریمی، مصطفی، ۱۳۸۸، «قضازدایی کیفری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی»، گزیده‌ای از پایان‌نامه‌های علمی قضات، معاونت آموزش قوه قضاییه، چ ۱، بهارن.
۵. عموزاد، ابوالحسن، ۱۳۸۸، «روش‌های پیشگیری از تورم کیفری در حقوق ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی»، گزیده‌ای از پایان‌نامه‌های علمی قضات، معاونت آموزش قوه قضاییه، چ ۱، بهارن.
۶. غلامی، حسین، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
۷. فروغی‌فر، جواد، ۱۳۸۶، «نقش قضازدایی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۸. محمدی، عبدالله، ۱۳۹۱، بررسی مصادیق اصل موقعیت داشتن تعقیب در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.
۹. موسی‌پور، احمد، ۱۳۸۸، «علل اطاله دادرسی جزایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل»، گزیده‌ای از پایان‌نامه‌های علمی قضات، معاونت آموزش قوه قضاییه، چ ۱، بهارن.



دریغ

مهندس احمدعلی فرهام
کارشناس رسمی دادگستری در رشته کشاورزی و منابع طبیعی

نبود غیر خیال تو هیچ حالی من
هجوم خاطره‌ها بود و ذهن خالی من
زلال جاری باران و خشک‌سالی من
دریغ و حسرت پرواز و تنگ‌بالی من
و با تو می‌شکفد صبح پارسالی من
تو ای رفیق سفر کرده از حوالی من

شب از خیال تو پر بود در حوالی من
حریق بود که در جان من زبانه گرفت
عبور خیس نسیمی میان جنگل سبز
چه دور ماندی و با من چه روزها که گذشت
هنوز زخمی این باورم که می‌آیی
بیا که بار دگر پَر به صبح بگشاییم



مشکل جهانی کم‌شماری کشتگان و مجروحان در حوادث رانندگی و راهکار آن

دکتر عباس محمودآبادی

معاون برنامه‌ریزی ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت و مدیر گروه مهندسی صنایع دانشگاه مهرآستان گیلان
دنیا نادر

دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه مهرآستان گیلان

مقدمه

شیوع ویروس کرونا (COVID-19) و اطلاعاتی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روزانه منتشر می‌کند، این سؤال را در اذهان عمومی مطرح کرده است که آیا اطلاعات ثبت شده درباره مبتلایان و درگذشتگان بیماری کرونا صحیح و دقیق است؟ آیا در دیگر دلایل فوت و جرح مانند حوادث رانندگی نیز می‌توان چنین سؤالی مطرح کرد؟

هدف من نگارنده پاسخ به سؤال دوم است؛ چراکه اظهار نظر درباره آمار مبتلایان به کرونا فراتر از حیطه دانش من و خارج از حوزه تخصصی حمل‌ونقل و ترافیک است. در خصوص سؤال دوم، واقعیت این است که موضوعی در نظام مدیریت ایمنی و ترافیک هست که آن را «کم‌شماری کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی» می‌نامند. متن زیر برگرفته از پژوهشی دقیق در این خصوص است. این پژوهش را به‌منظور درستی‌سنجی آمار ثبت‌شده در این زمینه انجام داده‌اند. نتایجش نشان می‌دهد دلایل این کم‌شماری چیست و با چه راهکارهایی می‌توان از کم‌دقتی در شمارش کشتگان و مجروحان کاست (نک: Derriks and Mak, 2007).

کم‌شماری کشتگان و مجروحان

تقریباً در تمام کشورهای جهان سامانه‌هایی برای ثبت شمار کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی وجود دارد. برای ارزیابی نتایج فعالیت‌های ایمنی و نیز سنجش وضعیت ایمنی کشورها از اطلاعات آماری این سامانه‌ها استفاده می‌کنند؛ با وجود این، اطلاعات سامانه‌های یادشده کامل نیست؛ زیرا شمار بخشی از کشتگان و مجروحان تصادفات رانندگی را در آن ثبت نمی‌کنند. این مقوله را «کم‌شماری» می‌نامند. کم‌شماری باعث می‌شود مقامات مسئول از میزان تأثیر فعالیت‌های ایمنی بی‌خبر بمانند و درباره اولویت‌بندی اقدامات مرتبط با ایمنی تصمیمات مناسبی نگیرند. بر این اساس، تلاش بر این است که تأثیر کم‌شماری محدود شود. راهکارهای کاهش تأثیر کم‌شماری در حوادث رانندگی چنین است:

۱. به‌کارگیری ضرایب اصلاحی؛ ۲. استفاده از آمار منابع متعدد، مانند شرکت‌های بیمه و منابع عرضه‌کننده خدمات بیمارستانی برای ثبت شمار کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی؛ ۳. تطبیق اطلاعات ثبت‌شده در سامانه‌های مختلف.

علاوه بر این، برای اصلاح انحرافات نیز روش‌هایی به‌کار می‌گیرند. مبنای این روش‌ها شمارش افراد دریافت‌کننده خدمات بیمارستانی و نیز به‌مشارکت‌گذاشتن دانش و اطلاعات است (نک: IRTAD, 2003). به‌طور کلی، در حوادث رانندگی، به‌ازای هر کشته ۴۰ مجروح ثبت کرده‌اند. البته این نسبت در کشورهای مختلف، متفاوت است؛ برای مثال این نسبت در جمهوری چک که عضو اتحادیه اروپاست، ۲۵ مجروح به‌ازای هر کشته است. در هلند نیز که یکی از کشورهای ایمن جهان در حمل‌ونقل است، ۱۱۰ زخمی در برابر هر کشته گزارش کرده‌اند (نک: World Health Organization, 2004). از نظر کارشناسان، تفاوت توجه‌برانگیز این نسبت در کشورهای مختلف به‌دلیل وجود اشکال‌های ساختاری و عملیاتی در نظام ثبت اطلاعات مجروحان حوادث رانندگی است. سازمان پزشکی قانونی ایران، به‌تازگی، از شمار کشتگان فروردین تا بهمن ۱۳۹۸ گزارشی یازده‌ماهه داده است. این نسبت در ایران ۲۰/۸ درصد بوده است (نک: سایت سازمان پزشکی قانونی کشور: تصادفات). البته به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از مجروحان حوادث رانندگی در ایران را ثبت نمی‌کنند.

اهمیت ثبت دقیق اطلاعات

ثبت کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی از سه منظر بااهمیت است (نک: Derriks and Mak, 2007):

۱. بررسی شمار کشتگان حوادث رانندگی بخشی از عملکرد نظام بهداشتی است. سازمان جهانی بهداشت این موضوع را پیگیری می‌کند. این سازمان باید شمار کشتگان حوادث رانندگی را با درگذشتگان بیماری‌هایی مقایسه کند که در هر کشور باعث مرگ شهروندان می‌شود. همچنین، باید با

نبودن تعریف یکسان و دقیق از حادثه رانندگی، عبارت «حوادث رانندگی غیرترافیکی» است که بنا بر مصوبات کمیسیون ایمنی راه‌های کشور، به‌تازگی در گزارش‌های پزشکی قانونی وارد کرده‌اند. مشخص نیست بر اساس این تعریف، نهادهای متخصص بین‌المللی تا چه اندازه می‌توانند از دقت ثبت اطلاعات در ایران انتقاد کنند.

همچنین تکیه بر نظام خوداظهاری پلیس در خصوص زمان رسیدن به محل حادثه و نحوه ارزیابی آن و نبود نظام اعتبارسنجی فرم‌های ثبت‌شده، پیش از آنکه آن‌ها را در پایگاه داده‌های تصادفات ثبت کنند نیز از دیگر مشکلات این زمینه است.

علاوه بر موضوعات گفته‌شده، مهم‌ترین بخش در ارزیابی هزینه‌های حوادث رانندگی این است که درباره تعداد حوادث ثبت‌شده و ثبت‌نشده اطلاعات دقیق داشته باشند. میزان و شدت جراحات را بدانند. همچنین، از شمار کشتگان آگاه باشند. این اطلاعات در کشورهای مختلف عموماً با روش‌های متفاوتی گردآوری می‌شود. بر این اساس، تمام سازمان‌های درگیر مانند بخش‌های مدیریت حوادث رانندگی، سازمان‌های تأمین اجتماعی، سازمان‌های خدمات پزشکی، تعمیرگاه‌های وسایل نقلیه، دفتر بیمه‌ها و در نهایت راهداری‌ها باید به‌طور مداوم مشغول ثبت اطلاعات باشند؛ برای مثال در بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس صافکاری وسایل نقلیه آسیب‌دیده فقط با مجوز پلیس امکان‌پذیر است؛ یعنی در این کشورها، هم به مباحث مجرمانه اهمیت می‌دهند، هم به دقت اطلاعات حوادث را ثبت می‌کنند.

در بسیاری از کشورهای جهان بر این نکته تأکید می‌کنند که اطلاعات مرتبط با سلامت عمومی باید رایگان در اختیار سازمان‌های مسئول قرار گیرد؛ اما باز هم سازمان‌ها مشکلاتی در زمینه دسترسی‌نداشتن بی‌قید و شرط به اطلاعات یا درخواست تعیین تعرفه و انعقاد قراردادهای دو جانبه مطرح کرده‌اند. بی‌توجهی یا محدودیت‌های قانونی هم به‌طور چشمگیری از دقیق بودن اطلاعات می‌کاهد.

در ایران قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را در سال ۱۳۸۸ ش تصویب کرده‌اند (نک: سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) این قانون عملاً دستگاه‌های اجرایی را مکلف کرده است

محاسبه شاخص‌های بین‌المللی در این زمینه، به‌ویژه با ارزیابی معیار عمر از دست‌رفته، اولویت بررسی شمار کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی را مشخص کند.

۲. حوادث رانندگی هزینه‌های اجتماعی گزافی به جامعه تحمیل می‌کند. این هزینه‌ها را باید به‌دقت ارزیابی کنند.

۳. وضعیت ایمنی کشورهای مختلف را با توجه به شاخص‌هایی مانند تعداد دقیق کشتگان و مجروحان و نیز میزان استفاده از وسایل نقلیه ارزیابی می‌کنند. این شاخص‌ها را باید به درستی ثبت کرده باشند. بسیار مهم است که کشتگان حوادث و مجروحان آن‌ها را تفکیک کنند. سپس، برای ایمنی کاربران خاص برنامه بریزند. باید این برنامه‌ها را در کشورها و مناطق مختلف به‌کار بگیرند. در نهایت نیز میزان موفقیت به‌دست‌آمده از اجرای هر کدام از اقدامات ایمنی را ارزیابی کنند.

دلایل کم‌شماری کشتگان و مجروحان

درباره نحوه جمع‌آوری اطلاعات کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی، در کشورهای مختلف ارزیابی‌هایی کرده‌اند. در این ارزیابی‌ها عمده‌ترین دلایل کم‌شماری کشتگان و مجروحان ناشی از حوادث رانندگی را نشان داده‌اند (همان).

در حدود ۹۰ درصد از کشورهای بررسی‌شده، پلیس نخستین کسی است که اطلاعات حوادث رانندگی را ثبت می‌کند. ویژگی مثبت این روش این است که روند ثبت حوادث در همه کشورهای یکسان است؛ ولی موضوعاتی مانند درک نادرست افسران پلیس در خصوص اهمیت ثبت دقیق اطلاعات، دشواری تشخیص علل ریشه‌ای بروز حوادث، فعالیت‌های اداری لازم و نیز تغییرات متناوب در نحوه بررسی و ارزیابی حوادث از جمله ضعف‌های این روش است.

این روش جمع‌آوری اطلاعات اشکال‌هایی دارد. اغلب، تعریفی یکسان و دقیق از حادثه رانندگی وجود ندارد. ارزیابی پلیس درباره شدت و میزان جراحت نادرست است. در این روش، ثبت اطلاعات حادثه وظیفه اصلی پلیس محسوب می‌شود (نک: Hvoslef, 1994). اولویت‌های تعریف‌شده برای بررسی حادثه مختلف است. فاصله محل استقرار نیروهای پلیس تا محل بروز حادثه زیاد است. دقت و تجربه افسران پلیس متفاوت است. موقعیت جغرافیایی محل حادثه ثبت‌شده نیست یا دسترسی دقیق به آن دشوار است. نمونه‌ای از



داده‌های درخواست‌شده مسئولان را به آن‌ها گزارش کنند. همچنین، انعقاد قرارداد‌های دوجانبه و پرداخت دستمزد به دستگاه تهیه اطلاعات را محدود می‌کند؛ زیرا باعث می‌شود دقت اطلاعات ارسالی به شدت افت کند.

روش‌های تقریب و اصلاح اطلاعات

برای تخمین ضرایب اصلاحی تعداد کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی روش‌های متعددی وجود دارد. در این قسمت به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. مبنای اصلی این روش‌ها تطبیق داده‌های سامانه‌ها و منابع اطلاعاتی مختلف است:

۱. آمارگیری نمونه‌ای: در این روش، در دوره‌های زمانی خاصی، به تعدادی از مردم کشور تلفن می‌کنند. از آن‌ها درباره حوادثی می‌پرسند که در سال گذشته برایشان رخ داده است. این حوادث را بررسی می‌کنند؛ حوادثی که الزاماً هم به تصادف‌های رانندگی مربوط نیستند. در حوادث رانندگی چنین اطلاعاتی را بررسی می‌کنند: محل بروز حادثه، تعداد افراد مرتبط با حادثه، نحوه امداد رسانی، وضعیت خدمات کلینیکی و نیز خسارت تقریبی وارد شده به افراد و تفاوتش با آنچه در سامانه‌های دیگر ثبت کرده‌اند. در نهایت هم ضرایب اصلاحی را بر اساس روش‌های تصویب‌شده تعیین می‌کنند.

۲. اصلاح درصد ثبت حوادث: نتیجه پژوهش‌ها نشان داده است که بخشی از حوادث را ثبت نمی‌کنند. این حوادث الزاماً ترافیکی نیستند؛ اما این موضوع را بیشتر در زمینه اطلاعات مربوط به حوادث رانندگی می‌بینیم. درصد ثبت حوادث نه تنها در کشورهای مختلف متفاوت است؛ بلکه ممکن است در مناطق مختلف هر کشور نیز متفاوت باشد. تحقیقات دیگر نشان داده است میزان ثبت داده‌های حوادث رانندگی برای انواع کاربران نیز متفاوت است؛ به نحوی که حتی در کشوری مانند سوئد، برای دوچرخه‌سواران، کمترین اطلاعات را ثبت کرده‌اند. بررسی و تعمیم دوره‌ای درصد ثبت حوادث یکی از راهکارهای اساسی است که با آن می‌توان وضعیت آمار مرتبط با حوادث رانندگی را بهتر برآورد کرد. دسترسی‌نداشتن به اطلاعات دقیق در این زمینه حتی شاخص‌های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای مثال در سال ۲۰۰۰ م در زمینه حوادث رانندگی پژوهش دقیقی در کشور هلند انجام دادند. نتیجه این پژوهش نشان داده است

که نسبت تعداد کشتگان به مجروحان تصادفات در نظام ثبتی ۱۱/۸ درصد بوده است؛ در حالی که میزان آن را ۱۵/۷ درصد تخمین زده بودند.

۳. استفاده از پایگاه‌های داده‌ای متفاوت: تحقیقات اثبات کرده است داده‌هایی که مسئولان در نظام بیمارستانی و بیمه‌ای ثبت کرده‌اند، در مقایسه با داده‌هایی که پلیس ثبت کرده است، برای تخمین تعداد واقعی کشتگان و مجروحان، دقیق‌تر و کاربردی‌تر است. اطلاعات ثبتی پلیس‌ها درباره میزان کشتگان و مجروحان اغلب درست نیست. برای این موضوع دلایل متعددی مطرح کرده‌اند. برخی از این دلایل عبارت‌اند از: حضور احتمالی پلیس بعد از دیگر مأموران امدادی، تشخیص نادرست میزان جراحت زخمی‌ها، تمایل پلیس به دادن گزارش‌هایی با جراحات کمتر (نک: DFT, 2006) و نگرانی از ناکارآمد جلوه‌دادن وضعیت نظارت، آن‌هم هنگامی که مأموران ناظر بر رفتار رانندگان موظف‌اند در محدوده نظارتی خود حوادث را نیز بررسی کنند.

۴. یکپارچه‌کردن پایگاه‌های داده‌ای: یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تخمین مناسب و اصلاح داده‌های حوادث رانندگی این است که داده‌های متفاوت در سامانه‌های دستگاه‌های اجرایی را یکپارچه کنند. یکپارچگی این امکان را فراهم می‌آورد که اطلاعات ثبت‌شده درباره حوادث رانندگی، در تمام سامانه‌ها کد یکسان داشته باشد؛ در نتیجه ردیابی و گزارش گیری پویا میسر می‌شود. در ایران، در بند و ماده ۱۶۳ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور بر همین نکته تأکید کرده‌اند (نک: سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴)؛ اما در نظام اجرایی هرگز امکانی فراهم نیامده است که اطلاعات حوادث رانندگی را به نحوی یکپارچه ثبت کنند تا در دسترس همه دستگاه‌های اجرایی باشد.

پیشنهادها

با وجود روش‌های بالا، پیشنهادهایی در زمینه بهبود بخشی نظام‌های آماری ثبت اطلاعات کشتگان و مجروحان حوادث رانندگی مطرح کرده‌اند. از جمله آن می‌توان به پیشنهادهای مهم زیر اشاره کرد:

- تمام دستگاه‌های اجرایی باید امکاناتی فراهم آورند تا

منابع فارسی

تارنماهای فارسی

۱. سازمان پزشکی قانونی کشور: فایل‌ها، اطلاعات آماری، تصادفات (<https://www.lmo.ir>)
۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات. (شماره ۵۶۳۴۸/۳۲، آخرین بازنگری: ۱۳۸۸/۴/۱۱) (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/780303>)
۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴. (شماره ۷۳۲۸۵/۴۱۹، آخرین بازنگری: ۱۳۸۹/۱۰/۳۰) (https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/790196)

منابع لاتین

1. Derriks Harry M., Peter M. Mak (2007), Underreporting Of Road Traffic Casualties, Ministry of Transport, Public Works and Water management The Netherlands.
2. IRTAD (2003), The availability of hospitalized road user data in OECD countries, IRTAD special report, OECD, Paris.
3. World Health Organization (2004), World report on road traffic injury prevention, WHO, Geneva.
4. Hvoslef, H. (1994), Under-reporting of road traffic accidents recorded by the police at the international level, IRTAD special report. Norway: Public Roads Administration.

تارنماهای لاتین

1. DFT (2006), Under-reporting of Road Casualties Phase 1, Department for Transport, London, (<http://www.dft.gov.uk/pgr/roadsafety/research/rsrr/theme5/underreportingofroadcasualty4788>)

اطلاعاتی که کارکنانشان را ثبت می‌کنند، تا حد امکان صحیح و دقیق باشد. همچنین، باید اطلاعات ثبت شده را اعتبار سنجی کنند. این کار اجتناب ناپذیر است؛ از این رو ضروری است در این زمینه نظام‌نامه‌ها و راهکارهایی تدوین و اجرا کنند.

• باید روش‌هایی به کار بگیرند که مشخص کند آمار کشتگان و مجروحانی که آن‌ها را به کلینیک نمی‌برند، چگونه ثبت می‌شود. علاوه بر این، باید این نمونه‌ها را با دقت مطالعه کنند و برای ارتقای ایمنی، آن‌ها را در فرایندهای برنامه‌ریزی در نظر بگیرند.

• سازمان‌هایی مانند پزشکی قانونی اطلاعاتی منتشر می‌کنند و در آن نحوه و شدت ضربه به فوت‌شدگان و مجروحان تصادف‌ها را ثبت می‌کنند. این اطلاعات بسیار بااهمیت‌اند؛ از این رو در زمینه ایمن‌سازی وسایل نقلیه و نیز نحوه بررسی حوادث باید با دقت از آن‌ها استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

از مطالب بالا نتیجه می‌گیریم که داشتن اطلاعات دقیق در خصوص میزان مرگ‌ومیر و آسیب‌دیدگی و نیز هزینه‌های حوادث رانندگی بسیار مهم است؛ بنابراین مسئولان باید قانون‌هایی کاربردی وضع کنند و راهکارهای اجرایی مناسبی ابلاغ کنند. همچنین، باید بر اجرای این قانون‌ها نظارت کنند. افزون بر این، کارشناسان هم باید برای ارزیابی موشکافانه وضعیت حوادث و نیز ثبت دقیق اطلاعات تلاش کنند تا وضعیت بروز حوادث رانندگی کاملاً مشخص شود و ارتقای جایگاه قوانین مربوط به آن در برنامه‌ریزی‌های کشور در اولویت باشد





تکالیف عمومی کارمندان دستگاه‌های اجرایی

محمدحسین سرابنداران

کارشناس رسمی دادگستری در رشته امور اداری و استخدامی

سرپیچی از اجرای دستور مقام‌های بالاتر در حدود وظایف اداری

اگر مستخدم، در حدود وظایف اداری، دستور مقام‌های بالاتر را اجرا نکند و از آن سرپیچی کند، تخلف کرده است؛ از این رو قانون گذار برای تحقق این تخلف شروطی را در ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری و ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری آورده است.

مقدمه

مسئولیتی متوجه کارمندان نخواهد بود و پاسخگویی با مقام

دستوردهنده می‌باشد.»

سؤالی پیش می‌آید:

۱. آیا مراد قانونگذار از کلمه «کارمند» فقط استخدام‌شده رسمی و پیمانی است یا همه کارمندان اعم از رسمی آزمایشی، رسمی قطعی، پیمانی، قراردادی، خرید خدمت و ساعتی را در بر می‌گیرد؛ به عبارتی آیا واژه کارمند شامل انواع و اقسام استخدام‌شدگان می‌شود؛ ولو اینکه تابع هرگونه ضوابط و مقررات باشند؟

در آغاز ممکن است برخی افراد ناآشنا با تجزیه و تحلیل حقوقی تصور کنند کارمندان پیش‌بینی شده در این ماده فقط کارمندانی‌اند که مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌شوند. همچنین، ممکن است دلیل بیاورند و در پاسخ بگویند: وقتی اصل ماده ۹۶ در مجموعه قانون مدیریت خدمات کشوری آمده است، چگونه می‌تواند دیگران را مخاطب قرار دهد؟

با استناد به قواعد حقوقی زیر، به نظر می‌رسد این تصور صحیح و منطقی نیست:

۱. در این ماده قانونی، واژه «کارمند» مطلق است و اطلاق افاده عمومی می‌کند.

۲. قانونگذار تکالیف عمومی کارمندان را بیان کرده است. اگر نظر خاصی داشت، باید منظورش را به صراحت یا به کمک قرینه یا قرائن بیان می‌کرد؛ برای مثال می‌گفت: «کارمندان مشمول این قانون»؛ پس برای برطرف کردن ابهام، باید اطلاق را حمل بر همگان کرد تا همه کارمندان رسمی، آزمایشی، پیمانی، قراردادی، ساعتی، خرید خدمت و... را در بر بگیرد.

الفاظ خشک و بی‌روح ماده‌های قانونی در حکم جسدی بی‌جان است؛ جسدی که مهر سکوت بر لب دارد. می‌توان الفاظ بی‌جان را حیات بخشید. می‌توان روحی از خلایق در آن‌ها دمید. باید لفظ و معنی را در هم آمیخت و با بهره‌گیری از علم و هنر و خلایق و ظرافتی خاص به کارشان برد؛ همچون سنگ‌تراشی که با مقداری سنگ و خمیرمایه علم و هنر و ظرافت، مجسمه‌ای زیبا و هنری می‌سازد.

متن ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری

«کارمندان مؤسسه مکلف‌اند در حدود قوانین و مقررات، احکام و اوامر رؤسای مافوق خود را در امور اداری اطاعت نمایند. اگر کارمندان حکم یا امر مقام مافوق را برخلاف قوانین و مقررات اداری تشخیص دهند، مکلف‌اند کتباً مغایرت دستور را با قوانین و مقررات به مقام مافوق اطلاع دهند. در صورتی که بعد از این اطلاع، مقام مافوق کتباً اجرای دستور خود را تأکید کرد، کارمندان مکلف به اجرای دستور صادره خواهند بود.»

متن ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری

«کارمندان دستگاه‌های اجرایی مکلف می‌باشند در حدود قوانین و مقررات، احکام و اوامر رؤسای مافوق خود را در امور اداری اطاعت نمایند. اگر کارمندان حکم یا امر مقام مافوق را برخلاف قوانین و مقررات اداری تشخیص دهند، مکلف‌اند کتباً مغایرت دستور را با قوانین و مقررات به مقام مافوق اطلاع دهند. در صورتی که بعد از این اطلاع، مقام مافوق کتباً اجرای دستور خود را تأکید کرد، کارمندان مکلف به اجرای دستور صادره خواهند بود و از این حیث،



کارمند کیست؟

الف. مفهوم کارمند از دیدگاه قانون استخدام کشوری و قانون مدیریت خدمات کشوری

در ماده ۲ آیین‌نامه اداری استخدامی آن دسته از کارکنان دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی که عضو هیئت‌علمی نیستند، کارمند را این‌گونه تعریف می‌کنند: «کارمند فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیت‌دار، در مؤسسه به خدمت پذیرفته شود.»

در ماده ۷ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز واژه کارمند را چنین تعریف می‌کنند: «کارمند دستگاه اجرایی فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوطه، به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیت‌دار، در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود.» در ماده ۱۴۵ این قانون هم استخدام در دستگاه‌های اجرایی را به دو روش تعریف می‌کنند:

الف. استخدام رسمی برای تصدی پست‌های ثابت در مشاغل حاکمیتی؛

ب. استخدام پیمانی برای تصدی پست‌های سازمانی برای مدت معین.

در تبصره ماده ۳۲ این قانون چنین بیان کرده‌اند: «دستگاه‌های اجرایی می‌توانند در شرایط خاص، با تأیید سازمان، تا ۱۰ درصد پست‌های سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی و در سقف اعتبارات مصوب، افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین برای حداکثر یک سال به کار گیرند.»

سؤال‌هایی که مطرح می‌شود، این است: آیا مراد قانونگذار از ذکر کلمه «کارمند» فقط استخدام‌شدگان رسمی و پیمانی است یا همه کارمندان رسمی آزمایشی، رسمی قطعی، پیمانی، قراردادی، خرید خدمت و ساعتی را در بر می‌گیرد؟ آیا این واژه شامل انواع استخدام‌شدگانی می‌شود که تابع هرگونه ضوابط و مقررات‌اند؟

در آغاز ممکن است برخی افراد که با تجزیه و تحلیل حقوقی آشنا نیستند، تصور کنند کارمندان پیش‌بینی شده در این ماده، فقط کارمندانی‌اند که مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌شوند و دلیل بیاورند اصل ماده

۹۶ که در مجموعه قانون مدیریت خدمات کشوری آمده پس چگونه می‌تواند دیگران را مخاطب قرار دهد.

با استناد به اصول و قواعد حقوقی، به نظر می‌رسد این تصور صحیح و منطقی نیست؛ زیرا:

۱. کارمندی که در این ماده قانونی به آن اشاره می‌کنند، مطلق است و اطلاق افاده عمومی می‌کند؛

۲. قانونگذار در مقام بیان تکالیف عمومی کارمندان بوده است. اگر نظر خاصی داشت، باید به صراحت یا به کمک قرینه یا قرائن بیان می‌کرد؛ برای مثال تأکید می‌کرد «کارمندان مشمول این قانون» و در مقام رفع اشکال، باید اطلاق را حمل بر عمومی می‌کرد و بر آن بود که همه کارمندان رسمی، آزمایشی، پیمانی، قراردادی، ساعتی، خرید خدمت و مانند آن را شامل شود.

ب. مفهوم کارمند از دیدگاه قوانین جزایی

در قانون جزا بخش‌هایی را به مأموران خدمات عمومی و کارمندان دولت اختصاص داده‌اند. در این بخش‌ها، قانون‌گذار از کارمندان بیشتر حمایت کرده است؛ چون گاهی ارباب رجوع به کارمندانی که در حال انجام وظیفه‌اند توهین می‌کنند یا به حقوقشان تجاوز می‌کنند. در مقابل، گاهی هم کیفرهایی که قانون برای کارمندان متخلف دولت در نظر گرفته است، سخت‌تر از مجازات جرائم افراد عادی است؛ اما در قوانین جزایی نیز «کارمند» را تعریف نکرده‌اند.

تعریف احکام

احکام جمع حکم است. حکم در فقه و حقوق معانی مختلفی دارد. به دلیل بی‌ارتباط بودن با موضوع بحث، از آوردن این تعاریف و انواع آن خودداری می‌کنم و فقط به تعریف «حکم تکلیفی» اکتفا می‌کنم: «هر قانونی که مشتمل بر امر و نهی باشد، حکم تکلیفی یا حکم الزامی و الزامات قانونی می‌گویند.»

ممکن است این برداشت نادرست پیش بیاید که «امر» بر انجام کار دلالت می‌کند و شامل «نهی» نمی‌شود؛ ولی به عقیده من، در این ماده، منظور قانونگذار از به‌کاربردن واژه امر، هر دو جنبه مثبت و منفی آن بوده است؛ یعنی منظور هم امر به انجام کار است و هم امر به ترک کار است. معنی امر به ترک کار همان نهی از کار است؛ در واقع امر را به اعتبار دستوردهنده آن می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:



۱. امر قانونی: امر کسی است که به حکم قانون صلاحیت دارد به کسی که تحت امر اوست دستور بدهد؛
۲. امر امر قانونی: امری که هر چند خارج از صلاحیت آمر باشد، مأمور قانونی مجبور است از آن اطاعت کند.

ربط ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری با قوانین جزایی

باید قانون مدیریت خدمات کشوری با تبصره ماده ۴۱ قانون مجازات سال ۱۳۵۲ش را با ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۳ش مقایسه کرد. در ماده ۴۱ قانون مجازات سال ۱۳۵۲ش گفته اند اعمالی که برای آن‌ها مجازات مقرر کرده اند، جرم است؛ مگر در دو صورت:

۱. ارتکاب عمل به امر آمر قانونی باشد؛

۲. ارتکاب عمل برای اجرای قانون لازم باشد.

* تبصره

هرگاه کسی به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی مرتکب شود، آمر و مأمور هر دو به مجازات مقرر در شرع محکوم می‌شوند؛ ولی اگر مأموری تصور کرده باشد که امر آمر قانونی است و آن را اجرا کرده باشد، او را فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم می‌کنند. باتوجه به مفاد ماده‌های یادشده، ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری نفوذ خود را از دست داده است. کارمندان دولت نیز، در هر زمینه، باید ابتدا با تعمق، مشروعیت امر صادر شده از مقام بالادستان را احراز کنند. سپس آن را انجام دهند. البته امر آمر قانونی باید شروط زیر را داشته باشد:

۱. آمر قانونی آن را صادر کرده باشد؛

۲. در سلسله مراتب اداری باشد؛

۳. آمر قانونی آن باید موقعیت کتبی و رسمی داشته باشد.

همچنان که اشاره کردم، ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری ارتباطی عمیق با قوانین اجرایی دارد؛ به همین دلیل چند سؤال کلی و اساسی پیش می‌آید:

- آیا زبردست موظف است اوامر مقام بالادستش را ارزیابی کند و قانونی یا غیرقانونی بودن آن را احراز کند؟
- آیا فقط در صورت منطبق بودن با متون قانون، باید آن را اجرا کند؟

• آیا فقط و فقط صدور دستور مقام صلاحیت‌دار کافی است؟

مشکلات عملی و اجرایی ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری و ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری

ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری به کارمندان اجازه داده است همواره اوامر و احکام مقام بالادست خود را ارزیابی کنند و مغایرت دستورهای آن‌ها با قوانین و مقررات را کتبی اعلام کنند؛ اما اجرای این ماده در عمل با مشکلات زیادی روبه‌روست؛ از جمله اینکه رؤسا در ظاهر علاقه‌مندی خود به اجرای صحیح چنین قوانین و مقرراتی را اعلام می‌کنند؛ اما در مواقع مختلف و همچنین در باطن، اغلب، پایبند قوانین‌اند. حاضر هم نیستند مهر قانون شکنی بر پیشانی‌شان بخورد. از اینجاست که اختلاف سلیقه و همچنین تضاد درونی مقام بالادست و مأمور زبردست آغاز می‌شود. زبردست نیازهای مادی و معنوی فراوانی دارد؛ اما قانونگذار بالادستش بیشتر اوقات خود را ملزم به تأمین این نیازها را نمی‌داند.

در تصویب‌نامه‌ها یا آیین‌نامه‌ها یا بخش‌نامه‌های اداری، گاهی به صورت تسخیری تعیین تکلیف می‌کنند. در این مواقع رئیس‌ها می‌توانند از اختیارات قانونی خود استفاده کنند. آن‌ها می‌توانند حقی را ببخشند یا آن را دریغ کنند؛ به‌خصوص در دستگاه‌های اجرایی، انتصاب‌ها و دادن برخی امتیازهای رفاهی اختیاری است؛ یعنی در دست رؤساست. زبردست چگونه می‌تواند به این امتیازها بی‌اعتنا باشد و کاری بکند که هر چند موجه و قانونی است، موجب کینه و نفرت رئیس یا رؤسا می‌شود؟ در نتیجه، بیشتر مواقع کارمند زبردست قانون شکنی احتمالی را به رعایت قانون ترجیح می‌دهد تا به جای بدبختی و دربه‌داری و محرومیت از پیشرفت ترقی کند و از مزایای مادی و معنوی بهره‌مند شود.

در نتیجه، هر چند بر اساس متون قانونی می‌توان گفت که ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری و ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری ضمانت اجرایی دارد، در عمل این‌گونه نیست یا با کمی مسامحه می‌توان اعتراف کرد که ضمانت اجرایی بسیار ضعیفی دارد.



آثار اضطراب در سلامت روان جامعه

رحمت‌اله شوده
کارشناس ارشد روانشناسی

اضطراب را مفید می‌دانند؛ چراکه شخص را وادار می‌کند خطرات را با موفقیت از خود دور کند؛ بر همین اساس، مقدار اضطراب طبیعی و متعادل را برای رشد و تکامل شخصیت، لازم و مفید می‌دانند؛ اما اگر مقدار اضطراب از حد متعادل خود خارج شود، زمینه‌ساز ایجاد اختلال در رفتار فرد می‌شود. در اضطراب ناهنجار، انسان واکنشی نشان می‌دهد که با مقدار خطر متناسب نیست. این اضطراب با تعارض سرکوبی، نشانه‌های مرضی، مکانیزم‌های دفاعی و دیگر مشخصات غیرعادی همراه می‌شود. اضطراب ناهنجار در واقع آشکال گوناگونی از اضطراب است و ممکن است با نشانه‌هایی مختلف جلوه‌گر شود؛ برای مثال به شکل احساسات و رفتاری باشد که از اثبات کارایی فردی جلوگیری می‌کند یا از آن می‌کاهد. در اضطراب شدید و مزمن، شخص در تنگنایی ناشی از تعارضات درونی قرار می‌گیرد که با به کارگرفتن انواع مکانیزم‌های دفاعی هم قادر به کاستن از آن نیست.

از لحاظ سبب‌شناسی اختلالات اضطرابی، عوامل زیستی و روانی و اجتماعی، عوامل یادگیری اجتماعی و عوامل ژنتیکی در بروز این اختلال نقش عمده‌ای دارند. علاوه بر این، پنج نوع اختلال اضطرابی وجود دارد: اختلال اضطراب تعمیم‌یافته، اختلال وحشت‌زدگی، اختلالات هراس، اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) و اختلال وسواس فکری عملی.

راهکارهای مختلفی برای اداره و مهار اضطراب توصیه می‌کنند؛ از جمله اینکه بهتر است فرد هدفمند باشد. برنامه‌ریزی کند. در طول شبانه‌روز به اندازه کافی استراحت کند. باید با انجام ورزش‌های مناسب روزانه، مانند تنیس و یوگا و شنا ناآرامی‌های احتمالی جان و تن را کاهش دهد. می‌تواند با تکنیک‌های تنفس و آرمیدگی به تمرکز ذهنی برسد. باید مراقبه‌درمانی کند. جملات مثبت و تأکیدی را در ذهن خود مرور کند. به زبان بیاورد. باید با انجام تکنیک توقف فکر و مواجهه با عوامل اضطراب‌زا و نیز با افزایش اعتمادبه‌نفس، اضطراب‌های خود را کاهش دهد. همچنین باید در این زمینه، از روان‌شناسان و مشاوران باتجربه و متخصص مشاوره بگیرد.

منابع

۱. اتکینسون، ریتا ال و همکاران، ۱۳۸۹، زمینه روان‌شناسی هیلگارد. ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران، چ ۱۳، تهران: رشد.
۲. اکبری، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۰، «مقایسه اضطراب‌افسردگی، سیستم‌های مغزی رفتاری (BIS-BAS)، سبک‌های مقابله‌ای و خشم و خصومت در افراد مبتلا به بیماری آسم و افراد غیرمبتل»، تحقیقات علوم رفتاری: ویژه‌نامه اختلالات روان‌تنی، ۹۵، ۵، ص ۳۱۷ تا ۳۳۰.
۳. خدایاری‌فرد، محمد و پرند و اکرم، ۱۳۹۱، استرس و روش‌های مقابله با آن، چ ۱، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۴. ساراسون، بی. آر و ای. جی ساراسون، ۱۳۹۰، روان‌شناسی مرضی، ترجمه نجاریان و همکاران، چ ۱، تهران: رشد.
۵. سانتراک، جان‌دیلیو، ۱۳۸۸، زمینه روان‌شناسی سانتراک. ترجمه فیروزبخت، چ ۴، تهران: رسا.

ویروس کرونا نه‌تنها در کشور ایران که در سراسر جهان همه‌گیر شده است. ترس از ابتلا به کرونا و اضطراب متأثر از آن سیستم ایمنی بدن را ضعیف می‌کند و بر احتمال ابتلا به بیماری می‌افزاید. به تبع آن، سلامت روان افراد جامعه را نیز به‌خطر می‌اندازد؛ از این‌رو بر آن شدیم که در این مقاله اختلال اضطراب و عوارض متأثر از آن در سلامت روان جامعه را بررسی کنیم.

اضطراب (Anxiety) هیجانی طبیعی است که به‌طور معمول در واکنش به محرک‌های تنش‌زا از آدمی سرمی‌زند. منظور از آن هیجانی ناخوشایند است که همه ما گونه‌ای از آن را در قالب احساساتی همچون ترس و دلشوره و نگرانی تجربه می‌کنیم.

اضطراب بخشی از زندگی همه انسان‌هاست. در حد اعتدال، در وجود همه هست و آن را واکنشی سازش‌یافته تلقی می‌کنند. اضطراب مستلزم احساس ناامنی یا تهدیدی است که فرد منبع آن را به وضوح تشخیص نمی‌دهد؛ در واقع، می‌توان آن را به صورت احساسی تصور کرد که مانند ترس نشانه‌هایی پراکنده و مبهم دارد و دلیل بروز آن نیز نامشخص است.

افراد مختلف تجربه اضطراب را به صورت‌های متفاوتی توصیف کرده‌اند؛ ولی اساس آن پیش‌بینی ناخوشایند شخص درباره برخی بدبختی‌ها یا خطرات یا سرنوشت خویش است. اضطراب غالباً شخص را تحریک پذیر می‌کند. فرد بیش از حد گوش‌به‌زنگ و بی‌اعتماد می‌شود. ممکن است بی‌قرار یا بی‌آرام شود. همچنین ممکن است بیش از حد وابسته شود یا آنچنان به نگرانی‌های خود مشغول باشد که به ندرت به دیگران توجه کند.

به‌طور کلی، افراد مضطرب معمولاً به نوعی تفکر منفی دچار می‌شوند. فکر می‌کنند مشکلاتشان حل نخواهد شد. همین تفکر زمینه‌ساز کاهش امید به زندگی و تخریب فردی خواهد شد. درنهایت هم به کاهش انواع فعالیت در آنها منجر می‌شود. علاوه بر این، فرد مضطرب با خطری احتمالی روبه‌رو شده است که منشأ مشخصی ندارد. علت آن نیز معمولاً مبهم است. فرد احساس می‌کند آرام و قرار ندارد. نمیتواند جایی بند شود. بی‌دلیل جابجا می‌شود. احساس می‌کند در تنگناست. دچار سرگیجه می‌شود. قلبش به شدت می‌زند. نمی‌تواند به‌خوبی استراحت کند و بخوابد. احساس بیچارگی و ناتوانی می‌کند؛ اما دلیلش را نمی‌داند. از خطری می‌ترسد که نمی‌داند منشأش چیست. اضطراب اگر شدید شود، ممکن است تعادل روانی فرد را به هم بزند؛ بنابراین لازم است برای درمانش چاره‌ای اندیشید تا مشکلاتی دنباله‌دار به‌وجود نیآورد.

اضطراب معمولاً به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: اضطراب طبیعی و اضطراب ناهنجار. اضطراب طبیعی اضطرابی است که شدت واکنش فرد با میزان خطر متناسب است. این نوع



نحوه استفاده از ماسک‌های تنفسی برای پیشگیری از ابتلا به بیماری کرونا

گردآوری و تنظیم:

دکتر نگار عقیلی کارآموز کارشناس رسمی دادگستری رشته حوادث ناشی کار
مهندس صالح نصیری کارآموز کارشناس رسمی دادگستری رشته حوادث ناشی کار

مقدمه

ویروس کرونا یکی از عوامل ذات‌الزیه یا پنومونی است. این ویروس به شکلی بی‌سابقه سلامتی و ایمنی کارکنان خط مقدم حرفه پزشکی و دست‌اندرکاران مراقبت‌های بهداشتی درمانی و معاونت بهداشتی و نیز کارکنان بخش‌های خدماتی جهان را به خطر انداخته است. از زمان شناسایی کرونا و شیوع آن، این کارکنان سخت کوشیده‌اند. این ویروس سلامت جانی و ایمنی شغلی آن‌ها را بیش از دیگر افراد جامعه تهدید می‌کند؛ بر همین اساس معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز این راهنمای عملی را درباره استفاده صحیح از وسایل حفاظت فردی و عوامل ضدعفونی کننده تهیه و تدوین کرده است تا کارکنان حوزه بهداشت و درمان بتوانند در برابر این عامل کشنده بیولوژیکی از خود محافظت کنند.

فردی نشانه بیماری‌های تنفسی دارد؛ مثلاً عطسه یا سرفه می‌کند. اگر ما به او نزدیک باشیم؛ یعنی در فاصله ۱/۸ متری از او باشیم، در معرض خطر مواجهه با ذرات تنفسی عفونی بالقوه خواهیم بود. همچنین، قطر ویروس کرونا ۱۲۰ نانومتر (۱۰^{-۶}) است. دانستن اندازه و قطر این ویروس به ما کمک می‌کند ماسک و وسایل حفاظت از تنفس مناسب‌تری انتخاب کنیم.

خطرات بیولوژیکی چیست؟

ارگانیسم‌ها یا مواد آلی ناشی از آن‌ها عواملی بیولوژیکی است. این عوامل برای سلامتی انسان مضر است و شامل انگل، ویروس، باکتری و قارچ است. این میکروارگانیسم‌ها از سه راه به بدن ما وارد می‌شود:

۱. از راه دستگاه تنفسی؛ ۲. از راه تماس با مایعات بدن آلوده؛ ۳. از راه تماس با اشیاء و تجهیزات آلوده. تأثیرهای زیان‌بار ناشی از آن برای سلامت انسان نیز عمدتاً عفونت و حساسیت مسمومیت است.

مشاغل و مکان‌های کاری پرخطر

• پزشکی، خدمات نظیف‌کاری و لاندی و کارهای آزمایشگاهی در حرفه پزشکی؛

• خدمات بهداشتی‌درمانی؛

• خدمات نظافت اماکن و خانه‌ها؛

• کارهای خدماتی مربوط به فاضلاب و نیز جمع‌آوری و دفع زباله؛

• کشاورزی، دامداری، شیلات، دام‌پزشکی، خدمات و صنایع در ارتباط با حیوانات و محصولات گیاهی و نیز نساجی و کارهای مربوط به مواد اولیه مستقر مانند کاغذ و محصولات کاغذی، چرم و خز و فراورده‌های مرتبط؛

• فضاهای سرپوشیده مانند اماکن تفریحی و رستوران‌ها و هتل‌ها. در این مکان‌ها، کارمندان به‌طور کلی در فضایی سرپوشیده‌اند. سیستم تهویه نیز مرکزی است. میکروارگانیسم درون هواسازها رشد می‌کند. برج‌های خنک‌کننده نیز آن‌ها را از طریق همین هواسازها در محل کار پخش می‌کند. همچنین، ساختمان‌های اداری یا فروشگاه‌های لوازم‌خانگی مانند فرش و کاغذدیواری، گل‌فروشی‌ها یا مکان‌هایی که مرطوب‌اند، بستر پرورش میکروارگانیسم‌اند.

اقدامات پیشگیری

از بین بردن منبع آلودگی مهم‌ترین اصل در پیشگیری و مهار خطرات بیولوژیکی است. نظارت‌های مهندسی مانند بهبود تهویه، جداسازی بخشی از منبع آلودگی، نصب تهویه فشارمنفی و تهویه مجزا و سیستم تهویه در بخش‌های درمانی و اتاق‌های ایزوله و نیز استفاده از لامپ ضدعفونی کننده ماوراءبنفش انتشار ویروس را کمتر می‌کند. کارکنان باید با رعایت دقیق اصول بهداشت فردی، از تجهیزات حفاظت فردی یعنی ماسک محافظ صورت، دستکش، لباس کار محافظ، شیلد صورت یا عینک حفاظتی و نیز از روکش کفش استفاده کنند.

ماسک‌های جراحی

ماسک‌های پزشکی یا جراحی یا مراقبت‌های بهداشتی، صاف یا چین‌دارند. بند آن‌ها را دور سر یا گوش می‌بندند. ماسک‌های جراحی عموماً از سه لایه پارچه

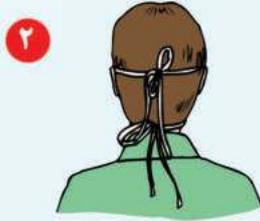


- اگر لازم شد ماسک را جابه‌جا کنید، دست‌ها را قبل و بعد از لمس کردن ماسک بشویید؛
- در مواقع عادی، باید روزانه ماسک جراحی را تعویض کنید؛ اما در بحبوه کرونا، به‌محض آسیب‌دیدن یا آلوده شدن ماسک آن را تعویض کنید.

چطور ماسک جراحی بپوشیم



۱ ماسک را روی صورت قرار دهید. طوری که نوار فلزی در قسمت بالا قرار گیرد.



۲ بندهای ماسک در پشت سر و گردن گره بزنید.



۳ نوار فلزی را به آرامی در بالای بینی فشار دهید.



۴ ماسک بایستی از بینی تا چانه را بپوشاند و روی صورت فیکس گردد.

• در مکان‌های عمومی مثل فروشگاه‌ها که حفظ فاصله اجتماعی مناسب سخت است، می‌توان از ماسک پارچه‌ای استفاده کرد. کار این ماسک پیشگیری از انتشار قطرات تنفسی و ویروسی است؛ به همین دلیل در زمان بیماری‌های همه‌گیر تنفسی به مردم توصیه می‌کنیم از ماسک پارچه‌ای استفاده کنند.

ماسک پارچه‌ای چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۱. چند لایه باشد؛
۲. بدون اینکه آسیبی ببیند، بتوانید پس از هر بار استفاده آن را بشویید؛
۳. با گره یا حلقه‌هایی در پشت‌گوش شما محکم شود؛
۴. کاملاً به دو طرف صورتتان بچسبد؛ درعین حال آزاردهنده هم نباشد؛

بافته‌نشده تشکیل شده است. این ماسک از فرد در برابر قطره‌های بزرگ تنفسی مراقبت می‌کند. به‌طور معمول، در موقعیت‌های عادی از ماسک‌های جراحی استفاده می‌کنند؛ اما این ماسک‌ها هنگام شیوع و طغیان بیماری‌های واگیر تنفسی کارآمد نیستند؛ زیرا به‌طور کامل صورت را نمی‌پوشانند و هنگام دم ممکن است میزان زیادی از هوای آلوده، از فضای بین ماسک و صورت وارد ریه فرد شود. لازم است یادآوری کنیم که برای این ماسک‌ها، باتوجه‌به ماهیتشان، تست نشستی در نظر نگرفته‌اند و لبه‌های ماسک نشستی بسیار زیادی دارد.

باید و نباید‌های استفاده از ماسک‌های یک‌بار مصرف

- ماسک‌های جراحی لایه‌ای محافظتی در برابر قطره‌های تنفسی‌اند؛
- بسیار مهم است که این ماسک‌ها را به‌درستی بپوشید؛
- ماسک مرطوب و آلوده و آسیب‌دیده را تعویض کنید؛
- فقط چندین ساعت می‌توانید از ماسک‌های جراحی استفاده کنید؛
- اگر به سطح ماسک دست زدید یا در آن سرفه کردید، باید عوضش کنید؛
- بعد از استفاده، برای دورانداختن ماسک، آن را با دقت جدا کنید. به‌طورکلی، ماسک را فقط با گرفتن لبه‌ها، بندها، حلقه‌ها یا نوارها جدا کنید. قسمت جلوی ماسک آلوده را لمس نکنید. باید ماسک را داخل کیسه کنید یا در کاغذی پیچید و در سطل در بسته بیندازید.
- آخرکار هم دست‌ها را کاملاً بشویید.

نکاتی درباره پوشیدن ماسک‌های جراحی

- ماسک باید به‌طور کامل روی صورتتان قرار بگیرد؛
- قسمت رنگی ماسک باید روبه‌بیرون باشد و نوار فلزی آن در بالا قرار بگیرد؛
- کش‌ها یا بندهای پلاستیکی ماسک را باید به‌درستی پشت‌گوش یا پشت‌سر بیندازید یا ببندید تا ماسک را محکم نگه دارد؛
- ماسک باید بینی و دهان و چانه‌تان را بپوشاند؛
- قسمت فلزی بالای ماسک را بر روی پل بینی (تیغه بینی) فشار دهید تا ماسک روی صورت محکم شود؛
- سعی کنید هنگام پوشیدن ماسک از دست‌زدن به آن خودداری کنید؛



به کاری که قبل از برداشتن ماسک با دست‌های خود انجام داده‌اید، ممکن است لازم باشد دست‌هایتان را بشوید. پس از آن، ماسک را با دقت جدا کنید. به‌طور کلی، ماسک را فقط با لمس لبه‌ها، بندها، حلقه‌ها یا نوارها جدا کنید. به قسمت جلوی ماسک آلوده دست نزنید. در نهایت هم آن را در کیسه‌زباله جداگانه‌ای بیندازید.

یادتان باشد ماسک‌های پزشکی را طوری طراحی کرده‌اند که فقط یک بار می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید؛ بنابراین وقتی ماسک را جدا کردید، فوراً آن را در سطل زباله بیندازید.



منظور از ماسک‌های فیلتردار یا سوپاپ‌دار چیست؟

عموم مردم، به اشتباه ماسک‌های سوپاپ‌دار را ماسک‌های فیلتردار می‌نامند و بعضاً تصور می‌کنند که سوپاپ همان فیلتر است! سوپاپ در واقع شیر بازدمی است که هنگام دم بسته و هنگام بازدم باز می‌شود.

کار سوپاپ در واقع خروج راحت‌تر هوای بازدمی است که سبب تجمع کمتر هوای بازدمی و رطوبت در هوای ناحیه تنفسی کاربر می‌شود.

اگر از ماسک‌های سوپاپ‌دار استفاده می‌کنید، همیشه دقت کنید که لایه زلاتینی یا لاستیکی سوپاپ، سالم باشد و به اصطلاح، تغییر شکل نداده باشد.

در صورت نقص سوپاپ، آلودگی بدون عبور از فیلتر ماسک وارد ناحیه تنفسی فرد شده و سلامت فرد را در معرض خطر

۵. بدون محدودیت به شما اجازه بدهد نفس بکشید؛

این ماسک‌ها فقط برای مصارف عمومی است و برای پوشاندن دهان و بینی در هنگام سرفه و عطسه به‌کار می‌رود؛ بنابراین استریل بودن آن‌ها بسیار مهم است.

مراحل صحیح پوشیدن ماسک‌های جراحی

۱. تمیز کردن دست‌ها: قبل از پوشیدن ماسک تمیز، دستان خود را کاملاً با آب و صابون بشوید. شستن دست‌ها باید دست‌کم ۲۰ ثانیه طول بکشد. همیشه با دستمال کاغذی تمیز دست‌های خود را خشک کنید. سپس، با همان دستمال شیر آب را ببندید. آخر کار هم دستمال را در سطل زباله بیندازید؛

۲. بررسی ماسک: هنگامی که ماسک جدیدی را از جعبه بیرون می‌آورید، بررسی‌اش کنید. مطمئن شوید که هیچ نقص و سوراخ و پارگی در آن نیست. اگر ماسک نقص دارد یا سوراخ است یا شکافته است، آن را دور بیندازید و ماسک استفاده‌نشده دیگری را بردارید؛

۳. تنظیم قسمت بالای ماسک: لبه بالایی ماسک بخشی خم شونده و درعین‌حال محکم دارد. این لبه باید در اطراف بینی شما بنشیند تا ماسک تا حد ممکن به پوست شما نزدیک شود. قبل از زدن ماسک، مطمئن شوید که این قسمت در بالا قرار گرفته است؛

۴. اطمینان از به‌سمت بیرون بودن طرف مناسب ماسک: قسمت داخلی بیشتر ماسک‌های پزشکی سفیدرنگ است؛ درحالی‌که قسمت بیرونی‌شان رنگی است. قبل از ماسک زدن، مطمئن شوید قسمت سفید ماسک به‌سمت صورت شماست؛

۵. بستن بند ماسک: بیشتر ماسک‌ها دو بند کش‌دار دارد. این بندها در پشت و اطراف سر شما قرار می‌گیرد. ماسک را جلوی صورت خود نگه دارید. بند بالا را بالای سر خود بکشید و آن را در اطراف تاج سر خود قرار دهید. سپس، بند پایین را بکشید و آن را در پایه جمجمه، نزدیک گردن خود بگذارید؛

۶. تنظیم قطعه روی بینی: اکنون که ماسک پزشکی روی سر و صورت شماست، با انگشت اشاره و شست خود قسمت خم‌شونده لبه بالایی ماسک را اطراف پل بینی خود بچسبانید؛

۷. در آوردن ماسک: ابتدا دست‌های خود را تمیز کنید. بسته



ماسک‌های محافظ قوی‌تر تنفسی یا N95

این نوع ماسک از فرد در برابر ذرات و قطرات ریز تنفسی محافظت می‌کند؛ در واقع مانع تنفس هوای آلوده و میکروارگانیسم‌های موجود در هوا می‌شود.

ماسک‌های تنفسی تصفیه‌کننده هوا (PAPR)

این ماسک‌ها دمنده‌ای الکتریکی دارند که هوا را از فیلتر خود رد می‌کند تا کاربر راحت‌تر نفس بکشد.



قرار می‌دهد.

در صورت رخداد هرگونه نقص در عملکرد سوپاپ، تغییر شکل یا پاره شدن، آسیب به بندها، ایجاد مقاومت تنفسی و نیز ایجاد رطوبت زیاد در آن باید بلافاصله ماسک را تعویض کرد.

توصیه می‌شود مردم در جامعه از ماسک سوپاپ‌دار استفاده نکنند؛ چون ماسک‌های سوپاپ‌دار به دلیل خروج هوای بازدمی می‌توانند باعث انتشار ویروس توسط فرد ناقل بدون علامت گردند.

ماسک‌های جراحی

ماسک‌های جراحی عموماً از سه لایه پارچه بافته‌نشده تشکیل شده است. این ماسک از فرد در برابر قطره‌های بزرگ تنفسی مراقبت می‌کند.

ماسک جراحی	ماسک N95	
مقاوم به مایعات و محافظت علیه قطرات بزرگ و پاشیده شدن مایعات بدنی یا سایر مایعات پرخطر این ماسک همچنین از سایر افراد در برابر تنفس فرد ماسک زننده محافظت میکند.	کاهش تماس فرد با ذرات کوچک معلق در هوا و قطرات بزرگ (ذرات غیر روغنی)	مورد مصرف
شل	سفت	چفت شدگی روی صورت
محافظت کافی در برابر استنشام ذرات ریز هوایی ایجاد نمیکند، در برابر قطرات بزرگ محافظت کافی ایجاد میکند.	حداقل ۹۵٪ ذرات هوایی کوچک و بزرگ را پالایش میکند	پالایش
در هنگام دم هوا از کناره های ماسک وارد میشود.	در صورتی که ماسک به درستی چفت شده باشد در هنگام دم میزان بسیار کمی هوا وارد میشود	نشست
یک بار مصرف است و بعد از هر بار مواجهه با بیمار باید دور ریخته شود.	در حالت ایده آل باید بعد از هر مواجهه با بیمار یا ذرات معلق در هوا دور ریخته شود همچنین در صورت تغییر شکل دادن یا آسیب دیدن خیس شدن به وضوح کثیف شدن در صورتی که دیگر قابل چفت شدن نباشد اگر تنفس در آن سخت شود یا با خون ترشحات تنفسی و سایر مایعات بدنی آلوده شده باشد باید دور ریخته شود.	محدودیت مصرف



راه‌های انتقال ویروس و شناسایی این راه‌ها

شناسایی راه‌های انتقال ویروس کرونا نقش بسزایی در مهار آن دارد. این راه‌ها را هنوز به‌طور دقیق نشناخته‌اند؛ ولی اصلی کلی می‌گویند که ویروس‌های تنفسی به‌طور عمده از راه ریزقطره‌ها یا سرفه و عطسه یا لمس اشیای آلوده منتقل می‌شود. بر اساس دانسته‌های کنونی، بیماری کرونا با نشانه‌هایی چون تب و سرفه و تنگی‌نفس، از طیفی ملایم تا شدید بروز می‌کند.

طبق آخرین اطلاعات، سرفه و عطسه و نیز تخلیه ترشحات دهان و بینی ویروس کرونا را از انسان به انسان منتقل می‌کند. سرفه یا عطسه ممکن است از فاصله ۱ تا ۲ متری این ویروس را منتقل کند. راه دیگر انتقال، سروکارداشتن با محیط‌های آلوده و تماس دست‌ها با سطوح آلوده به ویروس مانند تجهیزات، دستگیره درها، میز و صندلی، شیرآلات، نرده پله‌ها، کلید و پریزهای برق و همه وسایل عمومی و مشترک است.

رعایت فاصله مناسب در ارتباط‌های اجتماعی به این معنی است که فاصله فیزیکی از دیگران به اندازه‌ای باشد که بیماری منتقل نشود. رفتار رعایت‌گرانه در همه‌گیری‌هایی

این‌چنینی جایگاهی ویژه و ارزشمند دارد. فاصله فیزیکی امن برای جلوگیری از ابتلا به بیماری کرونا (کووید ۱۹) دست‌کم یک متر است. بدیهی است که تا زمان چرخش بیماری در جامعه، رعایت این فاصله ضروری است؛ به بیان دیگر، با توجه به انتقال سریع ویروس جدید کرونا، مبتلابودن یک نفر و رعایت نکردن فاصله مناسب در اجتماع ممکن است باعث شود ویروس به‌طور انفجاری به دیگر افراد منتقل شود.

منابع

۱. www.oshc.org.hk

۲. گروه عوامل شیمیایی و سموم، ۱۳۹۸، «راهنمای پیشگیری و کنترل کووید ۱۹ (ویروس کرونا)؛ ماسک‌های تنفسی»، مرکز سلامت محیط و کار، ن ۱.

۳. جهانگیری، مهدی، ۱۳۹۹، «پاسخ به پرسش‌های پرتکرار در خصوص استفاده از ماسک‌های تنفسی برای پیشگیری از ابتلا به بیماری کووید ۱۹»، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شیراز، و ۵.



توصیه پزشکی این شماره:

داروی دگزامتازون را چگونه مصرف کنیم؟

دکتر مصطفی قائمی نیا
مدیر تحقیق و توسعه، معاونت غذا و دارو
دانشگاه علوم پزشکی شیراز

را برای مدت طولانی مصرف می‌کنند؛ غافل از اینکه مصرف این دارو، علاوه بر چاقی دروغین ظاهری، فشارخونشان را زیاد می‌کند. در درازمدت باعث پوکی استخوان می‌شود. اشتهایشان را بی‌دلیل افزایش می‌دهد. این افراد به مشکلات پوستی دچار می‌شوند. همیشه بی‌حال‌اند. مکرر سرشان درد می‌گیرد. ماهیچه‌هایشان آهسته‌آهسته از بین می‌رود. بیماری‌های کلیوی گریبانشان را می‌گیرد. خطرناکترین عارضه مصرف خودسرانه و طولانی‌مدت دگزامتازون هم کم‌شدن توان دفاعی بدن در مقابل بیماری‌های عفونی است.

استفاده طولانی‌مدت از این دارو و عوارض مصرف خودسرانه اش هزینه‌های بسیار زیادی به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کند؛ پس مردم با فرهنگ ما نباید فقط و فقط به خاطر تغییر غیرعادی صورت و افزایش بی‌دلیل وزن، چشم‌بسته و بدون معاینه و تجویز پزشک، خودسرانه دگزامتازون مصرف کنند.

امروزه مردم در جوامع مختلف، از جمله مردم کشور ما، با بیماری‌های ویروسی و غیرویروسی فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. با این پیش‌فرض ساده که استفاده مکرر از دگزامتازون توان دفاعی ما را شدیداً کاهش می‌دهد، بهتر است همگی از مصرف خودسرانه و توصیه بی‌دلیل این دارو به دیگران خودداری کنیم. همچنین، موظفیم عوارض این دارو را به دوستان و اطرافیان خود گوشزد کنیم.

در کشور ما، هم پزشکان هم مردم، همیشه از اشکال مختلف داروی دگزامتازون استفاده کرده‌اند. این موضوع هم به عملکرد خود دارو مربوط است و هم در برخی نقاط کشور، با فرهنگ تجویز خودسرانه دارو ارتباط مستقیم دارد. قبل از شروع بحث درباره علل مصرف و تجویز بی‌حساب و کتاب دگزامتازون، کمی بیشتر درباره این دارو بدانیم:

دگزامتازون یکی از انواع کورتیکواستروئیدهاست که در ایران همگی به کورتون مشهورند. در پزشکی این دارو را برای درمان برخی بیماری‌های روماتیسمی، بیماری‌های پوستی، برخی حساسیت‌ها، آسم، برخی بیماری‌های ریوی و بسیاری از بیماری‌های دیگر به کار می‌برند. بعد از عمل‌های جراحی چشم هم از دگزامتازون استفاده می‌کنند. این دارو را اولین بار، در سال ۱۹۵۷م ساختند. چون در تمام دنیا از دیگر داروها ارزان‌تر است، غالباً آن را نابه‌جا مصرف می‌کنند و حتی گاهی نابه‌جا تجویز می‌کنند.

دگزامتازون در کنار کاربرد گسترده‌اش در زمینه‌های درمانی، عوارض جانبی زیادی هم دارد. مانند بسیاری از داروها، پزشک هنگام تجویز، ابتدا تأثیر و عوارض آن را با هم می‌سنجد و بعد، تجویزش می‌کند. یکی از عوارض جانبی مصرف درازمدت این دارو، جمع‌شدن آب بدن در زیر پوست و افزایش وزن دروغین است. صورت مصرف‌کننده بزرگ‌تر می‌شود. بدن فرد هم بی‌دلیل چاق می‌شود. افراد پاهای بزرگ و زودپاور که بیشترشان لاغرند، خودسرانه این دارو



(ادامه از شماره قبل)

میراث جهانی با هدف توسعه پایدار

منظر باستان شناسی ساسانی فارس

دکتر علیرضا عسکری جاوردی (عضو هیات علمی دانشگاه شیراز)

با همکاری:

دکتر بی یفرانچسکو کالیری (دانشگاه بولونیا)، دکتر دیتریش هوف (موسسه باستان شناسی آلمان)
دکتر محمد حسین طالبیان (معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی)

شهر بیشاپور

شهر بیشاپور به دستور دومین پادشاه ساسانی، شاپور یکم در بخش خاوری دشت بیشاپور (در حدود ۱۰۰ کیلومتری باختر شیراز و ۱۸ کیلومتری شمال باختری شهر کازرون)، ساخته شده است. در پیرامون خاور بیشاپور، یک رشته کوه بلند به نام داوون دیده می‌شود. رود شاپور که از بخش‌های خاوری شمال مرکزی فارس سرچشمه می‌گیرد، از دره تنگ چوگان گذشته و سرریز به دشت بیشاپور شده و به سوی جنوب باختری روان می‌شود. شهر بیشاپور در جنوب این رودخانه و در نزدیکی نقطه ورود آن به دشت و در کنار تنگ چوگان واقع شده است. بقایای بسیاری از آثار تاریخی گوناگونی که مرتبط و هم‌دوره با برپایی شهر هستند و شامل محوطه‌ها و قلعه‌ها و سنگ نگاره‌ها است در خود بیشاپور، دره تنگ چوگان و در کوه‌های نزدیک شهر باقی‌مانده است.

در ساخت شهر بیشاپور، از ویژگی‌ها و پدیده‌های طبیعی برای مشخص ساختن محدوده مناطق شمالی و خاوری شهر

استفاده شده است. مهمترین این پدیده‌ها رودخانه شاپور است که هنگام حرکت از سمت خاور به باختر دشت، مرز شمالی شهر را شکل می‌دهد. حدود دیگر شهر با احداث خندقی مشخص کرده‌اند. طرح کلی این شهر مستطیل شکل با خیابان‌های عمود برهم بوده و چهار دروازه در انتهای چهار سوی آن قرار دارد. دو خیابان اصلی، هر یک دو دروازه روبه‌روی یکدیگر را هم پیوند می‌دادند و در نقطه‌ای از میان شهر که شاید یک میدان بوده است به هم می‌پیوستند. همان‌گونه که بررسی‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بیشاپور دارای دو دیوار اصلی بود؛ نخستین دیوار، بخش شاهی که در سمت خاوری شهر قرار داشت را در بر می‌گرفت و دیوار دوم که پهن‌ترین و بلندترین دیوار بیشاپور بود، تمام محلات شهر را در بر می‌گرفت. مهمترین آثار ساسانی، شامل تعدادی از ساختمان‌های همگانی، سلطنتی و آیینی است که در بخش خاوری شهر و در بخش سلطنتی قرار دارد و همان‌گونه که بیان شد در دوره ساسانی با یک دیوار ویژه حفاظتی احاطه شده بود. بخش بزرگی از





سمت جنوب به بنای آتشکده پیوستگی دارد. کاخ والرین در ۱۵۰ متری شمال خاوری آتشکده بزرگ بیشاپور قرار گرفته است. نمای ورودی این بنا نیز مانند فضای درونی نیایشگاه آناهیتا از سنگ‌های تراش خورده با ابعاد ۷۵ در ۴۵ سانتیمتر ساخته شده است (Sarfraz 1970; 1975).

ستون‌های یادبود شهر بیشاپور با بلندای ۶/۷۰ متر در مرکز شهر و در تقاطع دو خیابان اصلی (شمالی- جنوبی و خاوری- باختری) آن قرار دارند. این ستون‌ها بر روی سکوهایی دو پله ای که بر سطحی سنگ‌فرش قرار دارند، استوار و بنا شده اند (Kiel 1989: 287-289).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده به نظر می‌رسد که در دوره اسلامی، ساخت و سازهای بیشاپور بر اساس ساختار شهری دوره ساسانی و تنها با دگرگونی‌های اندکی ادامه پیدا کرده است. همچنین بخش‌های جنوبی و باختری شهر که در دوره ساسانی بیشتر شامل باغ بوده است، در دوره اسلامی مسکونی شده است. برخی بناهای مهم در دوره اسلامی نیز در شهر ساخته شده‌اند که برای نمونه باید به مسجد بیشاپور و یک مدرسه اشاره کرد. شهر بیشاپور تا سده چهارم هجری قمری رونق داشته و از این تاریخ کم کم رو به ویرانی رفته است. ابن بلخی شهر را در سده ششم هجری قمری ویرانه دیده است.

تنگ چوگان بیشاپور

تنگ چوگان دره‌ای باریک با جهت خاوری- باختری است که در کناره خاوری شهر بیشاپور قرار دارد و رود شاپور از میان آن به درون دشت شاپور روان است. در هر دو سوی بخشی از این تنگه که در نزدیکی شهر قرار دارد، توده‌های راسته‌ی سنگی (صخره‌هایی عمودی) وجود دارد، که مناسب تراش سنگ‌نگاره‌های تاریخی هستند. شش عدد نقش برجسته‌ی ساسانی در دره کنده‌کاری شده است که موضوع

خطوط مهرازی (معماری) ویژه دوره ساسانی در زیر لایه‌هایی از سکونت دوران اسلامی شهر دفن شده است، بنابراین تنها بخش کوچکی از آن‌ها در کاوش‌های باستان‌شناسی آشکار شده است (Kiel 1989: 287-289).

آتشکده بیشاپور یک بنای مربع صلیبی شکل با گستره فضای درونی در حدود ۷۸۱ متر مربع است. فضای درونی بنا از چهار سو به یک راهرو به نسبت باریک که گرداگرد مربع چلیپایی مرکزی ساخته شده و آن را در بر گرفته، مرتبط است. این راهرو پیوند بنا را با بناهای پیرامون آن مانند ایوان موزاییک، بنای موسوم به نیایشگاه آناهیتا و حیاط موزاییک برقرار می‌کند. همچنین دو ورودی در گوشه خاوری و باختری راهرو پیش گفته، پیوستگی آن را با خارج از بنا برقرار می‌کند.

بنای موسوم به ایوان موزاییک در جهت شمال خاوری آتشکده و چسبیده به آن قرار گرفته است. نقشه بنا شامل یک ایوان و سه دهانه با سنگ و ملات گچ ساخته شده است که به سوی جنوب خاوری باز شده و به وسیله راهروهایی با بنای آتشکده در پیوند کامل بوده است (Ghirshman 1971: 91-106).

حیاط موزاییک در جنوب باختری آتشکده بزرگ چلیپایی شکل و چسبیده به آن قرار گرفته است. حیاط به شکل چهار گوش با ابعاد تقریبی ۳۴ در ۲۰ متر است و با یک ورودی در جهت شمالی با بنای آتشکده و همچنین بنای موسوم به نیایشگاه آناهیتا در پیوند و پیوستگی بوده است.

نیایشگاه آناهیتا به شکل چهار گوش و با درازای هر ضلع ۱۴ متر ساخته شده است. یک راهرو تاق پوش گرداگرد فضای چهار گوش را دربر گرفته است و به وسیله چهار ورودی در اضلاع بنا با آن مرتبط است. کل ساختمان در حدود ۶ متر در داخل زمین قرار گرفته است و با یک راه پله از



دو گنبد بزرگ، تاق‌ها و قوس‌ها، درگاه‌های گوناگون، با مصالح معماری قلوه سنگ و گچ، و در مواردی سقف‌های آجری که شامل بخش‌های بیشماری است. این بنا به خوبی طراحی، ساخته و آراسته شده است و فضاها با هم درآمیخته شده است. پنج ایوان، دو تالار گنبددار، دو تالار ستون‌دار، سه اتاق و فضای باز مرکزی از مهم‌ترین بخش‌های این بنا است. بنای سروستان را مردم محلی "قصر ساسان" یا "چارتاق" می‌نامند و به شکل همگانی با نام کاخ سروستان شناخته شده است. با این حال تعیین کارکرد اصلی ساختمان همواره مورد پرسش بوده است. بر اساس باور پژوهشگران و با توجه به ویژگی‌های سازه‌ای معماری، این بنا مربوط به سده‌های نخستین اسلامی و با کارکرد یک آتشکده به وسیله موبدان زرتشتی ساخته شده است (Bier 1986: 23-53). کاوش‌های باستان‌شناسی نخستین مرحله از استقرار در محوطه سروستان را در دوره ساسانی تاریخ‌گذاری کرده است که با ساخت بنا در سده نخستین دوره اسلامی شاهد پایداری، پیوستگی و انتقال میراث هنر و معماری دوره ساسانی به دوره اسلامی هستیم (Askari Chaverdi 2011: 1-6). این بنا میراث معماری دوره ساسانی به دوره اسلامی است. بنابراین ما هنر معماری ایران و پیوستگی آن را در دوره اسلامی ایران داریم.

آن‌ها دیهیم بخشی (تاج بخشی) به شاه و پیروزی بر دشمنان را نمایش می‌دهد. سه عدد از نقش برجسته‌ها نقش شاپور یکم، بنیانگذار شهر بیشاپور است که از میان آن‌ها نخستین نقش در سمت راست رودخانه و دو تاق دیگر در سمت چپ نقش شده‌اند.

موارد دیگر که همگی در سمت راست رود هستند متعلق به بهرام اول (۲۷۱-۲۷۴)، بهرام دوم (۲۷۴-۲۹۳)، شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹) میلادی و دیگر پادشاهان نخستین دوره ساسانی است (Herrmann & Howell 1980; 1981; 1983).

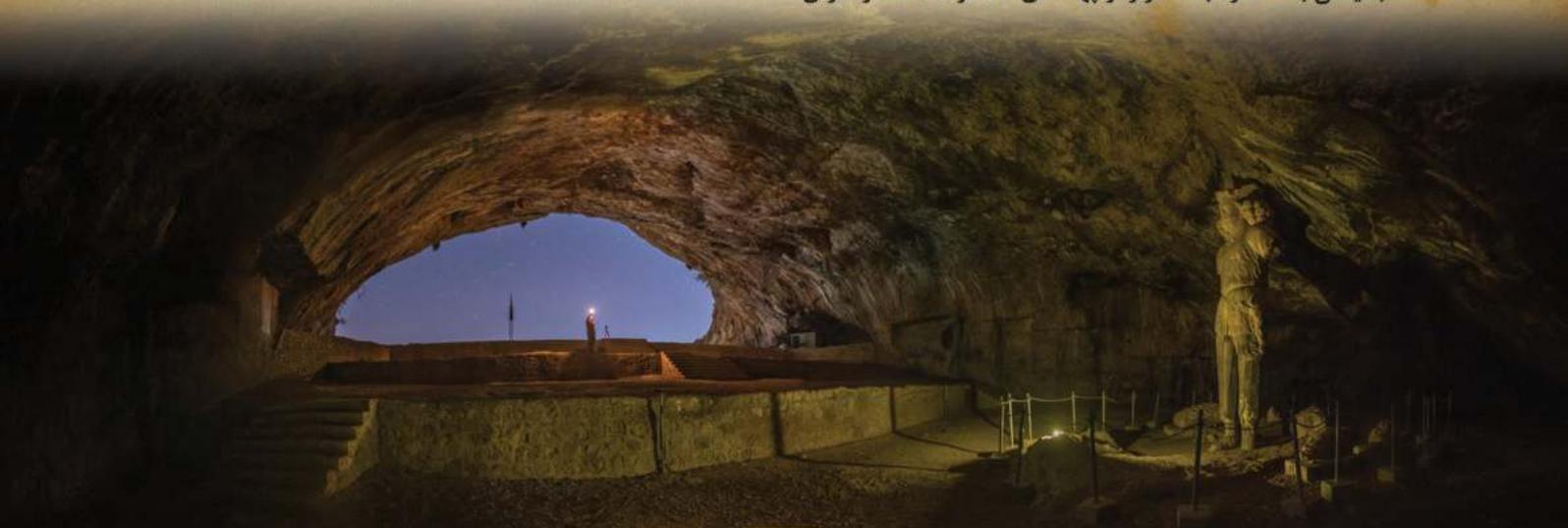
غار شاپور و تندیس باشکوه شاپور یکم

با ورود به تنگ چوگان و حرکت به سمت جنوب خاوری (برخلاف جریان آب رودخانه)، این دره به آشکارا پهن‌تر می‌شود. در فاصله چهار کیلومتری از دهانه دره، غاری در بلندی‌های سمت راست رودخانه شاپور قرار دارد، که پیکره ای از شاپور یکم بر یک چکیده (استالاکمیت) طبیعی که در درون غار وجود داشته، تراشیده شده است.

پیکره شاپور با بلندی ۶/۷۰ متر و پهنای شانه‌های به تقریب ۲ متر مهم‌ترین پیکره سنگی بازمانده از دوره ساسانی است. این پیکره از یک چکیده (استالاکمیت) طبیعی در درون غار شاپور تراشیده شده است. پیکره دارای ریزه‌کاری‌های فراوان و هر بخش از آن با دقت و توجهی شگفت‌انگیز تراشیده شده است. سر پیکره (که دارای تاج کنگره‌داری است) و بالاتنه آن، در حال حاضر در شرایط خوبی قرار دارد. با این حال تکه‌ای از دست‌ها و به تقریب هر دو پاهای پیکره از میان رفته است. هنرمند پیکرتراش، پیکره شاپور را با همان تناسب هنری که در سنگ‌نگاره‌های او در تنگ چوگان دیده می‌شود، هماهنگ تراشیده است (Kleiss, 1973: 78).

بنای یادمانی سروستان

بنای یادمانی سروستان در ۱۳ کیلومتری جنوب شهر سروستان و در میانه راه شیراز به فسا در جنوب باختری ایران واقع شده است. بنایی باشکوه به درازا و پهنای ۳۷ در ۴۵ متر دارای





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَعَلَىٰ آلِ أَبِي بَكْرٍ

وَأَهْلِ بَيْتِهِ

وَعَلَىٰ صَحَابِهِ



دیدهگاه کارشناس

Didgah
Karshenas



کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان فارس

فصلنامه خبری، تحلیلی، آموزشی، پژوهشی، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹



من _ ماسک _ میزنم